



اوضاع در آخر الزمان³

رضا کوشاری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اوضاع در آخر الزمان

رضا کوشاری



شناسنامه کتاب

- نام کتاب: اوضاع در آخر زمان (۱)
- نویسنده: رضا کوشاری
- ناشر: انتشارات تهذیب
- شمارگان: ۸۰۰۰ جلد
- نوبت چاپ: چهارم - تابستان ۱۳۸۶
- چاپ: عمران
- قیمت: ۱۳۵۰ تومان
- شابک: ۹۶۴-۷۶۳۶-۱۸-۰

مرکز پخش:

قم، خ حضرتی - مقابل دارالشفاء - مجتمع تجاری ساحل - پ ۲۲ - انتشارات تهذیب

۰۲۵۱-۷۷۲۰۵۹۰

فهرست مطالب

| | |
|----|--|
| ۷ | پیشگفتار..... |
| ۱۱ | ضرورت ظهور و حقیقت داشتن آخرالزمان..... |
| ۱۳ | مهدی (ع) فرستاده خدا بر زمین است..... |
| ۱۶ | مقام حضرت مهدی (ع)..... |
| ۱۸ | دولت جهانی حضرت مهدی (ع)..... |
| ۱۹ | دولت حضرت مهدی (ع) بهترین دولت در تاریخ..... |
| ۲۲ | انکار ظهور حضرت مهدی (ع) کفر است..... |
| ۲۳ | پیامبر برای فاطمه (س) از مهدی (ع) می گوید..... |
| ۲۶ | مهدی (ع) از نوادگان حسین (ع) است..... |
| ۲۹ | قدر خود را بدانیم..... |
| ۳۲ | ایمان برتر..... |
| ۳۳ | ایمان استوار مردم با ایمان آخرالزمان..... |
| ۳۵ | در انتظار رویت امام زمان (ع)..... |
| ۳۶ | در انتظار ظهورش باشیم..... |
| ۳۸ | شیعه واقعی منتظر ظهور است..... |
| ۳۹ | ثابت قدمان با ایمان..... |
| ۴۱ | خوبان امت پیامبر اسلام..... |
| ۴۳ | همیشه امیدوار باشیم..... |

| | |
|----|---|
| ۴۴ | نشانه‌های منتظران ظهور |
| ۴۷ | مردهای که پاداش رزمندگان می‌گیرد |
| ۴۸ | مردن بعد از عمری عشق و انتظار |
| ۴۹ | پیام آسمانی برای ظهور مهدی (ع) |
| ۵۱ | ظهور آن حضرت همراه با معجزات و کرامات است |
| ۵۲ | امام زمان (ع) سنت پیامبر را احیا می‌کند |
| ۵۵ | آغاز دین و عاقبت آن |
| ۵۷ | قرآن خوان‌های دانا |
| ۵۹ | در آخرالزمان کارها برعکس می‌شود |
| ۶۲ | آدم‌های بی‌خرد در آخرالزمان بسیارند |
| ۶۴ | زوال‌های سنت خوب در آخرالزمان |
| ۶۷ | در آخرالزمان ردائل جایگزین فضائل می‌شود |
| ۶۹ | زیاد شدن اراذل و اوباش در آخرالزمان |
| ۷۳ | افرایش نفرت عمومی در میان مردم آخرالزمان |
| ۷۵ | بی‌رونق شدن رحم و عاطفه در آخرالزمان |
| ۷۷ | رواج بیدینی در آخرالزمان |
| ۷۹ | دوری و جدایی مردم از اسلام در آخرالزمان |
| ۸۱ | دورویی مردم در آخرالزمان |
| ۸۲ | سستی اعتقاد مردم در آخرالزمان |
| ۸۴ | خوار بودن افراد با ایمان در آخرالزمان |
| ۸۷ | بدبختی، شامل حال مسلمانان هم می‌شود |
| ۸۸ | در آخرالزمان، اشرف حاکم می‌شوند |

- ۹۰ عده‌ای از اشرار امت من
- ۹۲ در آخرالزمان ظالمان بر مردم حکومت می‌کنند
- ۹۶ غرب کانون اصلی بحرانهای بین‌المللی
- ۹۹ تغییر نقشه کشورها و ضعف مردم در آخرالزمان
- ۱۰۴ وای بر امت عرب
- ۱۰۵ شری که حاکمان عرب را تهدید می‌کند
- ۱۰۷ زیاد شدن سه پدیده شوم در میان مردم آخرالزمان
- ۱۰۹ رواج بنگ و اعتیاد در آخرالزمان
- ۱۱۲ تغییر عطر و بوی محصولات کشاورزی
- ۱۱۴ ظهور واقعی خیر و برکت با ظهور مهدی (ع)
- ۱۱۶ بلاهای گوناگون، نتیجه گناهان گوناگون است
- ۱۱۸ دعای گنه کاران، مستجاب نمی‌شود
- ۱۲۰ مردم در آخرالزمان
- ۱۲۶ رواج مُدهای پیاپی در آخرالزمان
- ۱۳۱ سوسولها عامل فساد و تباهی در جامعه‌اند
- ۱۳۵ وضع نامطلوب زنها در جامعه آخرالزمان
- ۱۴۲ یک حرف با دو نشان
- ۱۴۴ اسلام و مسلمانی در آخرالزمان
- ۱۴۷ به اوج رسیدن دانش و جهل و فساد در آخرالزمان
- ۱۵۱ اختلال در وضع طبیعت و اوضاع مردم
- ۱۵۴ گرم شدن هوا در آخرالزمان
- ۱۵۷ بالا آمدن سطح آب در آخرالزمان

- عجائب در آخرالزمان ۱۵۸
- پیشرفت و ساده شدن ارتباطات در آخرالزمان ۱۶۵
- در آخرالزمان مردم از راه دور همدیگر را می بینند ۱۶۸
- پیدایش رادیو و تلویزیون در آخرالزمان ۱۷۰
- آن چیزی که مردم را از اوضاع جهان با خبر می کند ۱۷۴
- صدایی که همه آن را می شنوند ۱۷۷
- سواری های تندرو آهنی در آخرالزمان ۱۸۰
- گران شدن زمین و توسعه شهرها در آخرالزمان ۱۸۴
- کاهش شدید جمعیت در آخرالزمان ۱۸۶
- وضعیت نامطلوب برای اهل ایمان در آخرالزمان ۱۹۲
- انتخاب ناتوانی بهتر از اعلام توانایی در انجام گناه ۱۹۶
- در آخرالزمان خانه نشینی بهتر است ۱۹۷
- چراغهای فروزان در ظلمات سیاهی شب ۱۹۹
- تقارن ظهور با روز عاشورا ۲۰۱
- مشکلی از همه مشکلات بزرگتر ۲۰۳
- بهتر شدن اوضاع، پس از خرابی اوضاع ۲۰۵
- امنیت و آسایش دوباره برقرار خواهد شد ۲۰۸

به نام خدا

پیشگفتار

تقدیم به پیشگاه ولی الله الأعظم، حضرت حجة بن الحسن العسکری،
عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ.

این بنده حقیر سرا پا تقصیر، از خداوند متعال خواهانم که ما را از
بندگان صالح خود قرار دهد و ان شاء الله از صالحانی باشیم که لیاقت انتظار
و دیدار مصلح جهانی را داشته باشیم.

منتظر ظهور حجت خدا بودن، توفیقی است که نصیب هر کس نمی شود
مگر آنهایی که دارای گوهری پاک و ایمان راستین باشند و عنایت و لطف
الهی شامل حال آنها خواهد شد.

حقیقت داشتن آخرالزمان و ظهور حضرت مهدی علیه السلام، دلایل بسیاری
دارد که ما را به خیلی از حقایق، راهنمایی می کند و به طور مثال، آنچه را
که در این کتاب می خوانیم بر دلایل و شواهد بسیاری از موارد یاد شده، به
طور خیلی واضح اشاره شده است و باید بدانیم آنچه را که در این کتاب

می‌خوانیم در واقع، تنها مقداری از میان آن همه پیش بینی‌هایی که دربارهٔ آخرالزمان و ظهور آن حضرت شده است و ان‌شاءالله در جلد دوم و سوم که در دست تدوین و تألیف است، مطالب بسیار دیگری را می‌خوانیم که در آن صورت، مایهٔ تعجب و شگفتی هر انسانی که دارای هر فکر و مرامی باشد برانگیخته خواهد و به مراتب بر یقین و اعتقاد ما می‌افزاید.

پیش بینی یا پیش گویی در واقع کار ساده‌ای نیست و در صورتی که به حقیقت برسد واقعاً خارق العاده است آن هم نه یکی و نه صد تا پیش بینی، و آن هم نه از چند سال و یا چند ده سال قبل، بلکه از چهارده قرن پیش می‌باشد که از بزرگواران دین و آئین ما به دست ما رسیده است.

آیا می‌دانید که صدها پیش بینی بدون این که یکی از آنها به خطا برود اهمیت بسیاری دارد و هر انسان با خردی را وادار به تفکر و اندیشیدن می‌کند و او را مات و متحیر خواهد ساخت که چگونه با این همه فاصله زمانی، این همه پیش گویی‌ها، همه و همه در یک زمان به همدیگر برسند زمانی که ما آنرا به عنوان آخرالزمان می‌شناسیم و همه بیانات آن بزرگواران به هدف، اصابت کند.

اینجانب با تألیف این کتاب، در واقع تحقیق بسیاری نموده توانستم مجموعه‌ای از موضوعات مختلف را در این کتاب، در خدمت شما عزیزان قرار دهم و تنها خواهشی که از شما دارم این است که بگویم این کتاب را

خوب بخوانید و به مطالب و موضوعات آن، خیلی دقت کنید تا واقعیت‌ها و حقایق برای شما روشن و معلوم شود.

در این کتاب در رابطه با بعضی از موضوعات آخرالزمان و ظهور آن حضرت، دارای تحقیقات تازه‌ای است که برای اولین بار به نظر شما می‌رسد.

رضا کوشاری / قم / ۱۳۸۳

مرحله ضرورت ظهور و حقیقت داشتن آخرالزمان

پیامبر گرامی و ائمه معصومین علیهم السلام بر حتمی بودن ظهور حضرت مهدی علیه السلام در آخرالزمان، به عناوین مختلف و با تأکید بسیار، آنرا بیان نموده‌اند.

حتمی بودن ظهور حضرت مهدی علیه السلام به معنای حتمی بودن آخرالزمان است، به این معنا است که در آخرالزمان، وضعیت و شرایطی به وجود می‌آید که لازمه آن عصر و آن زمان است، و چاره جوئی برای نجات جهان از خطرات بسیاری که آن را تهدید می‌کند می‌بایستی کسی بیاید و کار مهمی انجام دهد تا وضعیت به صورت طبیعی خود بازگردد. و این خداوند است در لحظه‌ای که صلاح بداند تا دوباره جانی به کالبد حیات روی زمین بدمد.

از تمام احادیث بسیاری که در کتابهای معتبر و قدیمی نقل شده، خلاصه و عصاره همه مطالب آن، این است که در آخرالزمان، یاغیانی ستمگر و قلدرانی بی رحم به وجود می‌آیند و بر جهان حکومت می‌کنند که هم خودشان عامل شر و خطر و فساد می‌باشند و هم سلاح‌های خطرناک و

ویرانگر آنها که هر لحظه نیز بر سلاح‌هایشان، مقادیر زیادی افزوده می‌شود. همواره زمین و آنچه که بر آن است از طبیعت و مردم ساکن بر آن، مورد تهدید جدی قرار دارند.

برای نمونه، خوب است که این مورد را ذکر کنیم. یکی از زمامداران آمریکا در چند سال پیش در سخنان خود، اظهار داشت که ما به قدری نیرومند شده‌ایم و قدرت ما چنین است و چنان، و هیچ قدرتی نمی‌تواند در برابر ما قد علم کند، و ما به اندازه پانصد برابر نابودی کره زمین، انواع سلاح‌های هسته‌ای ذخیره کرده‌ایم، و می‌خواست با این حرفها و ذکر مقادیر اسلحه خود، قدرت آمریکا را به رخ دیگران بکشد تا مردم جهان از آنها حساب ببرند و مطیع اوامر و فرمانبر آنها شوند.

طبعاً روسیه و انگلیس و فرانسه و چین و غیره، آنها چقدر سلاح‌های هسته‌ای ذخیره کرده‌اند؟ خدا می‌داند!

تازه همه این حرف‌ها برای چند سال پیش بود، پس دهها سال آینده، وضع چه خواهد شد؟ آن را هم خدا می‌داند. همه این حرف‌ها به یک طرف، سلاح‌های دیگر مثل توپ و خمپاره و تانک و موشک و بمب و غیره، در انبارها چقدر ذخیره شده؟ آن را هم خدا می‌داند.

و نتیجه‌ای که می‌گیریم این است که اگر ظهور آن حضرت در حال حاضر، اتفاق نیفتاده است ولی آیا این همه پیشگویی برای پیدایش

زماندارانی که بر جهان مسلط می‌شوند و با سلاح‌های انبوه خود، عامل خطر و تهدید برای حیات و طبیعت می‌باشند اکنون حقیقت یافته است و همه آن احادیث و گفته‌ها تا اینجا درست از کار در آمده است.

عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا وَلَا تَنْقُضِي حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِيءُ إِسْمَةَ إِسْمِي (۱)

پیامبر گرامی فرمودند: دنیا به پایان نمی‌رسد و دنیا این چنین نمی‌گذرد تا این که مردی از تبار من که نامش همنام من است ظهور می‌کند و دنیا را پر از عدل و داد می‌کند. پس از آن که همه جا را ظلم و ستم فرا گرفته بود پس با این وضع، آیا واقعاً احساس خطر نمی‌شود آن هم خطر به این بزرگی که در تاریخ عمر کره زمین، این چنین سابقه‌ای نداشته است، بنابراین این ضرورت ظهور منجی عالم بشریت، واجب و لازم و ضروری است و هر کس به این فکر، اعتقاد ندارد در واقع او بی‌سواد است و یا ناآگاه، و از اوضاع روز، بی‌خبر است یا آنکه آنقدر بی‌فکر و خیال و بی‌بند و بار است که به هیچ چیزی اهمیت نمی‌دهد و حاضر نیست که در این باره فکر کند.

ص ۶۳ مهدی ﷺ فرستاده خدا بر زمین است

بیش از هزار حدیث داریم که از پیامبر گرامی و امیر مؤمنان و امامان

معصوم، درباره آخرالزمان و ظهور حضرت مهدی علیه السلام می باشد و این همه گفتار، در واقع به این معنا است که آن بزرگواران، اتمام حجت نموده اند و دیگر هیچ دلیلی وجود ندارد تا کسی بهانه و ایرادی بگیرد و یا فرصت را از دست بدهد، پس بکوشیم تا با شناخت حضرت مهدی علیه السلام، معرفت و محبت خدائی را از او در خود بیابیم و خود را به نحوی بسازیم که هر فرد از ما همچون یک سرباز عاشق و با اخلاص و گوش به فرمان باشد تا در هر لحظه با یک اشاره و فرمان آن حضرت، تکلیف الهی خود را انجام دهیم و چه بسا یک سرباز در هر زمان، همواره در حالت آماده باش است و حاضر و آماده برای خدمت است.

قَالَ النَّبِيُّ: لَا تَقُومُ السَّاعَةَ حَتَّى يَقُومَ قَائِمٌ لِلْحَقِّ مِنَّا، وَذَلِكَ حِينَ يَأْذُنُ اللَّهُ لَهُ، وَمَنْ يَتَّبِعَهُ نَجَا، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ هَلَكَ، اللَّهُ عَبْدَا اللَّهِ فَأَتَوْهُ وَ لَوْ عَلَى الثَّلْجِ، فَإِنَّهُ خَلِيفَةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ خَلِيفَتِي. (۱)

پیامبر گرامی فرمودند: برپا نمی شود قیامت تا این که قائمی که برپا کننده حق است از ما برخیزد، و آن هنگامی است که خداوند در لحظه مقرر، به او اجازه می دهد تا ظهور کند، و بدانید هر که از او پیروی کند نجات خواهد یافت و خوشبخت خواهد شد، و آنکه از وی روی گرداند، هلاکت او حتمی خواهد بود، خدا را خدا را ای بندگان خدا، به او ملحق

شوید هر جا که باشید ولو اینکه بر یخها سوار شوید و خود را به او برسائید و بدانید که او است خلیفة الله و نماینده بر حقش بر زمین است و همچنین نماینده و جانشین من در میان شما است.

از این حدیث به خوبی دانسته می شود که پیامبر گرامی با شور و شوق فراوان، فکر ما را متوجه حضرت مهدی علیه السلام می نماید تا همواره در انتظار او و لیاقت حضور در کنارش را داشته باشیم و همچنین از جایگاه با ارزش حضرت حجت خدا ما را با خبر می کند، پیامبر گرامی می فرماید که او نماینده خدا بر زمین است و همچنین جانشین من در میان شما است، پس ما باید اهمیت موضوع را درک کنیم.

پس عشق و انتظار مهدی علیه السلام، یک امر بسیار مهمی است و بر ما است که طوری خود را مهیا و آماده کنیم که در هر لحظه، اگر آن حضرت به فرمان خدا ظهور کند، ما آن توفیق و لیاقت و سعادت آن را داشته باشیم که پیرو آن حضرت باشیم، یعنی ما هم به قدری آماده باشیم که هر وقت، خدا، حضرت مهدی علیه السلام فرمان ظهور دادند ما هم گوش به فرمان و آماده و عاشق و مخلص بوده باشیم. یعنی همچون حضرت مهدی علیه السلام که آماده است تا در هر لحظه که خدا فرمان دهد او برای انجام وظیفه آماده است.

پیرو مهدی بودن، یعنی بنده خوب بودن است. یعنی فرد پاکیزه و با ایمانی باشیم که تمامی رفتار و کردارمان، گویا و شاهد حقیقت و درستی

این ادعا را به اثبات می‌رساند.

و ما که ان شاء الله این چنین هستیم نباید از مشکلات و انحرافات و اوضاع بد و فاسد آخرالزمان در ما تأثیر بگذارد بلکه دیگران از ما تأثیر بگیرند و الگویی باشیم از شکوه ایمان و عشق مهدی علیه السلام و بنده خوب خدا بودن.

﴿ مقام حضرت مهدی علیه السلام ﴾

وظیفه انبیاء با همدیگر متفاوت بوده، و هر کدام در یک زمان و مکان خاصی انجام وظیفه نموده‌اند، و برخی از آن‌ها برنامه مهم‌تر و سخت‌تری به عهده آنها بود، لذا مقام و مراتب برخی از آنها برتر از دیگران است، و تمام خط سیر رسالت انبیا در تعقیب و ادامه یک هدف بوده، و آن در مرحله اول، خداشناسی، و سپس تربیت افراد جامعه در راستای آئینی که انسان را به تکامل فطری خود می‌رساند راهنمایی می‌کردند تا سعادت دنیا و آخرت آنها را فراهم کنند.

و همچنین امامان ما نیز، در شرایط خاص خود، در نشر و توسعه رسالت پیامبرگرامی اسلام، حضرت محمد صلی الله علیه و آله انجام وظیفه نموده‌اند. پیامبرگرامی در میان مردم از ظهور حضرت مهدی در آخرالزمان، سخنان بسیاری را بیان نموده است، لذا مردم در این باره، سؤال‌های

متعددی از او می پرسند و از آن جمله، از پیامبر گرامی در باره مقام حضرت مهدی جویا شدند و آن حضرت در جواب فرمودند: قَدْ كَانَ يُفَضَّلُ عَلَيَّ بَعْضُ الْأَنْبِيَاءِ يَقِينٌ بِدَانِيْدِ كَمَا مَقَامِ اُو، بِرْتَرِ اَز مَقَامِ بَرُخِي اَز اَنْبِيَا اِسْت. (۱)

خداوند پیامبران را پی در پی و با فاصله کم و یا بدون فاصله از همدیگر، در میان مردم می فرستاد تا وظیفه الهی خود را انجام دهند و کار همه انبیاء، در واقع پشتوانه کار همدیگر بود، و از سوی دیگر، بسیاری از انبیاء کارهایی در محدوده های خاصی انجام می دادند و آنها درگیر مشکلات و گرفتاری های کم و زیاد در یک محدوده بود، ولی حضرت مهدی علیه السلام آن وقت که به فرمان خدا ظهور می کند، مسئولیت سنگین تری را آن هم در بدترین زمانی که بدترین شرایط بر جامعه جهانی حاکم است او ظهور می کند تا وظیفه سنگین خود را انجام دهد و برنامه کار آن حضرت، محدود به منطقه خاصی نمی باشد بلکه آن حضرت، یک حرکت و انقلاب جهانی در ابعاد وسیعی انجام می دهد، بدون این که جایی، خارج از محدوده تکلیف او باشد، بنابراین مقام آن حضرت بر انجام وظیفه بزرگ و دشواری که خداوند به عهده او قرار می دهد، بسیار مشکل و سنگین تر از وظایف خیلی از انبیاء می باشد، بنابراین همانگونه که پیامبر گرامی فرموده، مقام او بالاتر از مقام خیلی از انبیاء است.

وقتی که با دقت به اوضاع و احوال آخرالزمان بنگریم، می‌فهمیم که علاوه بر ابعاد وسیع جهانی و نامحدود در آخرالزمان، شرایط دشوارتری در جامعه‌ها حاکم است و طاغوت‌های جنایتگر، با شیوه‌ها و سلاح‌ها و ابزار پیچیده‌ای مجهز هستند که انبیاء با این شرایط بحرانی تا به این اندازه روبرو نبوده‌اند.

﴿﴾ دولت جهانی حضرت مهدی علیه السلام ﴿﴾

در زمان ظهور آن حضرت، چیزی به نام تبعیض و یا فرق و تفاوت بین اقشار مردم، وجود نخواهد داشت و این نشان دهنده لیاقت آن مردم است. فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام إِذَا قَامَ مَهْدِينَا أَهْلَ الْبَيْتِ، قَسَمَ بِالسَّوِيَّةِ، وَعَدَلَ فِي الرَّعِيَّةِ، فَمَنْ أَطَاعَهُ أَطَاعَ اللَّهَ، وَمَنْ عَصَاهُ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ، وَإِنَّمَا سُمِّيَ الْمَهْدِي لِيَأْتِيَ بِأَمْرِ خَفِيٍّ. (۱)

امام باقر علیه السلام فرمودند هنگامی که حضرت مهدی علیه السلام که از خاندان ما است ظهور کند، به یقین که با عدل و داد با همه، یکسان رفتار می‌کند، و در میان مردم، عدالت را برقرار می‌کند، و هر آنکه از او اطاعت کرد، در واقع از خداوند اطاعت نموده، و هر آنکه از او نافرمانی کند، در واقع معصیت خدا را کرده است، و به این جهت نام او مهدی شد، چون که او از جانب خداوند،

مردم را هدایت می‌کند، هدایت بدانچه که خدا می‌خواهد و خواسته خداوند، به یقین که خیر و صلاح و خوبی مردم در آن است.

مهدی: یعنی هدایت کننده، فرستاده‌ای به حق و راهنمای الهی، برای راهنمایی و هدایت و نجات مردم جهان است.

خداوند این چنین صلاح می‌داند و اراده می‌کند تا حجت خود را در وقت معین، میان مردم بفرستد. در انتظار بودن و دیدن این فرستاده آسمانی، واقعاً شور و شوقی غیر قابل وصف دارد.

او پیک نوری است که سرچشمه آن از نور خدا است، او از جانب خداوند می‌آید، و پیام مهر و عطوفت الهی را به بشریت مژده می‌دهد. خوشا به سعادت آنهایی که لیاقت حضور و توفیق دیدنش را خواهند داشت.

🕌 دولت حضرت مهدی علیه السلام بهترین دولت در تاریخ 🕌

اگر به تاریخ و اوضاع کنونی و گذشته جهان، با دقت نگاه کنیم، می‌بینیم که خیلی‌ها با طرز تفکرهای گوناگون بر مردم حکومت کردند، و این‌ها در آغاز کار خود، ادعا می‌کردند که اگر ما در رأس کار بیاییم و زمام امور مردم و مملکت به دست ما باشد، چنین و چنان می‌کنیم و عدالت و خواسته‌های مردم را برآورده می‌کنیم، و دولتی مردمی و بی نظیر برپا

خواهیم کرد، و با شعارهای عالی و فریبنده، بر سر کار آمدند وقتی که قدرت مملکت را به دست گرفتند، به قول خود وفا نکردند و تنها به منافع و مصالح و کامیابی خویش و اطرافیان خود اندیشیدند، و عدالت و قول و قرارها را فراموش کردند.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: دَوْلَتْنَا آخِرَ الدَّوَلِ، وَ لَنْ يَبْقَى أَهْلُ بَيْتِ لِهْمِ دَوْلَةٍ إِلَّا مَلَكَوْا قَبْلَنَا، لَيْلًا يَقُولُوا إِذَا رَأَوْا سَيْرَتَنَا، إِذَا مَلَكَتْنَا سِرْنَا مِثْلَ سَيْرَةِ هَؤُلَاءِ وَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ. (۱)

امام باقر می فرماید: دولت ما آخرین دولت‌ها است و هیچگاه عذر و بهانه‌ای برای هیچ گروهی نمی ماند، مگر آن که قبل از دولت ما، دولتی برپا کردند تا وقتی که روش و رفتار حکومت ما را دیدند، آنگاه بگویند که اگر ما هم دولت و حکومت می کردیم در آن وقت مثل شیوه و نظام شما رفتار می کردیم، و خداوند درباره دولت حضرت مهدی علیه السلام می فرماید: عاقبت از آن مردم با تقوا است.

شاهان و سلاطین و امیران و رؤسای جمهور و احزاب و گروه‌های مختلف در سرتاسر کشورها از اقوام و نژادهای مختلف بر سر کار آمدند و سال‌ها بر مردم حکومت کردند و هر کدام برای خود، اوضاع خاصی را برپا کردند، ولی هیچ کدام از آنها نتوانستند، همان طور که دلخواه عموم مردم و

رضایت کامل آنها بود کار و خدمتی انجام ندادند.

اگر تاریخ را ورق بزنیم، از قدیم تا به امروز در سرتاسر جهان، با هر نوع طرز تفکر و اعتقادات گوناگون، رژیم‌هایی بر سر کار آمدند و با تیز خاص خود، سال‌ها بر مردم حکومت کردند، و مردم در هر زمانی، طعم تلخ و شیرین شیوه حکومت‌های مختلفی را چشیدند ولی هیچ‌گاه حکومتی بر سر کار نیامد که تمام اقشار مردم را راضی و خوشبخت کند. ولی حکومت حضرت مهدی علیه السلام با آئین الهی، مردم را بیش از هر زمان دیگر، صد در صد راضی و خوشنود خواهد کرد.

به طور مثال: کمونیست‌ها آمدند و با گفتار واهی و ادعاهای بسیار، آنقدر تبلیغ کردند که نصف مردم جهان، مرید آنها شدند ولی، پس از دهها سال، با فروپاشی آنها، عدم موفقیت و رسوائی آنها برملا شد.

و رژیم‌های سرمایه داری هم ادعا و گفتار بسیار پرغوغایی براه انداختند و از شیوه‌های خیالی و خوب و شیرین برای مردم تبلیغ کردند ولی عملاً دیدیم که عده پنج درصد آنها خوشبخت، و عده ۲۰ درصد آنها، متوسط و بقیه در فقر و محرومیت، زندگی سخت و تلخی را تحمل کردند. و آن عده پنج درصد که ثروتمندان و ملیونرها هستند، کارشان به جایی رسید که قدرت را در قبضه خود در آورند و آنقدر طغیان کردند که در کشورهای دیگر، فتنه و جنگ پیاپی می‌کنند تا سیطره آنها بر کشورهای دیگر،

مستحکم بماند و چپاول آنها شرط لازم برای خوشبختی خود می‌دانند و تضمین این خوشبختی با بیچاره نگهداشتن مردم کشورهای دیگر، استوار و باقی می‌ماند.

و ان شاء الله با حکومت حضرت مهدی، و با قانون الهی، بهترین و عادلانه‌ترین حکومت مردمی در تاریخ بر پا خواهد شد و برای همیشه جاودانه باقی خواهد ماند.

﴿ انکار ظهور حضرت مهدی ﷺ کفر است ﴾

مهدی حقیقتی است و انکارناپذیر.

بر هر فرد مسلمانی واجب است که به ظهور امام زمان ﷺ معتقد باشد و همواره باید در انتظار ظهورش باشیم، و همین انتظار خود نشانه اعتقاد استوار ما است و هم چنین بارقه‌امیدی است برای مردمی که در بدترین شرایط و بدترین زمان قرار می‌گیرند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ كَذَّبَ بِالْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ (۱)

پیامبر گرامی فرمودند: هر که حضرت مهدی ﷺ را تکذیب کند، به یقین بداند که او کافر شده است.

پس از این که پیامبر گرامی و ائمه معصومین ﷺ درباره آخرالزمان و

ظهور حضرت مهدی علیه السلام، سخنان بسیاری را در این باره، با تأکید بسیار، توضیح و توصیه نمودند اکنون جایز نیست که ما نسبت به ظهور آن حضرت، سست اعتقاد باشیم و یا آن را انکار کنیم، چون تمام دلائل و نشانه‌ها که پیشوایان ما درباره آخرالزمان، پیش بینی نموده‌اند، یکی پس از دیگری وقوع می‌پیوندد، و حقیقت و ماهیت ظهور آن حضرت را به اثبات می‌رساند، و علاوه بر آن، هر چه زمان بگذرد، واقعیت امر، بیشتر ثابت و نمایان می‌شود.

و نکته جالب این جاست که اعتقاد به ظهور هدایت‌کننده و منجی بشریت از جانب خداوند، در تمام ادیان و اقوام، به عنوان یک ضرورت، حس می‌شود، هر چند که اعتقادات همه، پراکنده و گوناگون است ولی در اصل، یک مطلب و یک موضوع و یک هدف را تداعی می‌کند.

پیامبر برای فاطمه علیها السلام از مهدی علیه السلام می‌گوید ﴿﴾

پیامبر گرامی برای حضرت فاطمه علیها السلام، ارزش و احترام بسیاری قائل می‌شد و او را خیلی دوست داشت، و برای شناساندن مقام والای حضرت فاطمه علیها السلام در میان مردم، همواره این موضوع را یادآوری می‌کرد، تا این که مردم به عظمت این بزرگ بانوی اسلام پی ببرند.

پیامبر گرامی به فاطمه زهرا علیها السلام مژده می‌دهد که مهدی علیه السلام از نوادگان

توست و برایش از مهدی علیه السلام تعریف بسیار نموده است.

و اکنون به گوشه‌ای از بیانات حضرت محمد صلی الله علیه و آله درباره حضرت مهدی علیه السلام و آخرالزمان توجه کنیم.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِأَبْنَتِهِ فَاطِمَةَ

يَا حَبِيبَتِي.... يَا فَاطِمَةَ، وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ، إِنَّ مِنْهُمَا مَهْدِيَّ
هَذِهِ الْأُمَّةَ، إِذَا صَارَتِ الدُّنْيَا هَرَجًا وَ مَرَجًا، وَ تَظَاهَرَتِ الْفِتْنُ، وَ تَقَطَّعَتِ
السُّبُلُ، وَ أَغَارَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ، فَلَا كَبِيرَ يَرْحَمُ صَغِيرًا، وَ لَا صَغِيرَ
يُوقِرُ كَبِيرًا، فَيَبْعَثُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عِنْدَ ذَلِكَ مِنْهُمَا، مَنْ يَفْتَحُ خُصُونَ
الضَّلَالَةِ وَ قُلُوبًا غُلْفًا، يَقُومُ بِالدِّينِ فِي آخِرِ الزَّمَانِ، كَمَا قُمْتُ بِهِ فِي أَوَّلِ
الزَّمَانِ، وَ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ جَوْرًا. (۱)

عزیزم فاطمه جان: سوگند به آن خدائی که مرا به پیامبری برگزید، بدانکه مهدی این امت، از ما خاندان آل محمد است، و آن زمانی که دنیا را هرج و مرج فرا گیرد، و فتنه و آشوب، همه جا آشکار می‌شود، و راه‌های اصلاح و چاره‌جویی از بین می‌رود، و عده‌ای به عده دیگر، یورش می‌برند، آنگاه نه بزرگی به کوچک رحم می‌کند، و نه کوچک‌ترها برای بزرگ‌ترها، ارزش و احترامی قائل می‌شوند، آن وقت است که خداوند از نسل علی علیه السلام و حسین علیه السلام، مردی را می‌فرستد تا دژهای مستکبران و ستمکاران و گمراه

کنندگان را در هم فرو ریزد، و آن افراد بی رحم و سنگدل را بر سر جای خود می‌نشاند، او قیام می‌کند تا دین را در آخرالزمان احیا کند، همان گونه که من قیام کردم و دین را در اول زمان "ظهور اسلام" بر پا نمودم، او دنیا را پر از عدل و داد می‌کند، همان طور که دنیا پر از ظلم و ستم شده بود.

به ترتیب همه جا را ظلم و خفقان فرا می‌گیرد، افراد مردم به همدیگر ظلم می‌کنند و گروهی به گروه دیگر زور می‌گویند و هم چنین کشور قلدری و ابر قدرت زورگویی به کشورهای دیگر، ظلم می‌کنند، زور و فشار وارد می‌کند و سلطه و باج‌خواهی می‌خواهد و به طور دلخواه خود، آنها را چپاول می‌کند بدون این که کسی بتواند بگوید چرا؟ و یا این که قدرت اعتراض داشته باشد چون او هم مورد خشم و اتهام قرار می‌گیرد، و بدتر از همه، امروز می‌بینیم که آمریکای جهانخوار با دست‌های پنهان صهیونیسم جهانی در حال نقشه و زمزمه برای فرو پاشی سازمان ملل را دارند، تا این نهاد و سنگر مردم کشورها را در هم فرو ریزند تا آزادانه و بدون مزاحمت‌های بین‌المللی، آنچه را که دلخواه و میل اوست به کشورها یورش برد و غارت کند و سرزمین‌ها را تقسیم کند و کشورها را خرد کند و همین‌ها هستند که هرج و مرج را در دنیا گسترش می‌دهند، لذا دیگر هیچ راهی نمی‌ماند که زورگویان را سر جایشان بنشانند و دست مظلومان و ستم‌دیدگان را بگیرد و آنها را دریابند و خلاصه این که حق را به حق دار

برساند، جز این که حضرت مهدی علیه السلام به فرمان خدا بیاید و بساط ظلم که در همه جای دنیا در حال گسترش است برچیند و به داد مردم سال‌ها ستم کشیده برسد.

پیامبر گرامی و علی علیه السلام و ائمه معصومین علیهم السلام در باره ظهور حضرت مهدی علیه السلام در آخرالزمان، پیش‌گویی‌هایی بسیاری نموده‌اند و به موضوعات و احوالات مختلف که در آن روزگار، رخ می‌دهد اشاره نموده و امروز، می‌بینیم که تمام آن گفتارها در حال به حقیقت پیوستن است.

پیشگویی آن‌ها با فاصله ۱۴ قرن، واقعاً بسیار عجیب و مهم است و چه بسا مردم قرن‌های گذشته، وقتی که این احادیث را می‌خوانند، شرایط و نشانه‌های آخرالزمان را نمی‌دیدند یعنی در آن زمان، این چنین مسائلی وجود نداشت، معنای این احادیث برای آن‌ها مبهم و نامعلوم بوده، و شاید خیلی‌ها باور نمی‌کردند که این چنین وضعیتی در آینده به وجود می‌آید، کما این که در زمان پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام، در رابطه با همین پیش‌گویی‌ها از احوالات آخرالزمان، مردم در تعجب و حیرت و شک قرار می‌گرفتند که چگونه ممکن است مردم آنقدر عوض شوند و روزگار به این وضعیت در آید.

نَظَرَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: إِنَّ ابْنِي هَذَا سَيِّدٌ، كَمَا سَمَّاهُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ، سَيُخْرِجُ مِنْ صُلْبِهِ رَجُلٌ بِاسْمِ نَبِيِّكُمْ، يَخْرِجُ عَلِيَّ حِينَ غَفَلَةٍ مِنَ النَّاسِ، وَإِمَاتَةَ الْحَقِّ وَإِظْهَارَ الْجَوْرِ، وَيَفْرَحُ بِخُرُوجِهِ أَهْلَ السَّمَاءِ وَشُكَّانَهَا... وَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا، كَمَا مَلِئْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا. (۱)

علی علیه السلام به فرزندش حسین علیه السلام نگاهی کرد و به حاضران گفت: بدانید که این فرزندم سید است، همان گونه که پیامبر او را چنین نامید، و در آینده مردی از نوادگان او که همنام پیامبر شما است ظهور می کند، و هنگامی که بیشتر مردم آن روزگار در نادانی و غفلت به سر می بردند، آن حضرت با ظهورش آن‌ها را غافلگیر می کند و همه را شگفت زده خواهد کرد، و آن زمان که او ظهور می کند، حق از بین رفته و ستم و جور در همه جا آشکار خواهد بود، و بدانید که با ظهور آن حضرت، ساکنان آسمان شادمان می شوند، و زمین را پر از عدل و داد می کند، همان گونه که ستم و جور و فساد همه جا را فرا گرفته بود.

پیامبر گرامی اولین کسی بود که نسبت «سید» را به کار برده است آن هم در رابطه با امام حسین علیه السلام بود، سید به معنای بزرگوار است و این نشان دهنده مقام والای آن حضرت را می رساند.

وقتی که وضع کلی مردم در آخرالزمان بد می شود ساکنان آسمان نیز

آشفته و نگران می شوند و با ظهور آن حضرت، آنها نیز خوشحال می شوند.

معرفت امام زمان علیه السلام

می خواهیم بدانیم که معرفت امام زمان علیه السلام قبل از ظهورش، چه مقامی

را به انسان می دهد؟

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَنْ عَرَفَ هَذَا الْأَمْرَ ثُمَّ مَاتَ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ

الْقَائِمَ علیه السلام كَانَ لَهُ مِثْلَ أُجْرِ مَنْ قُتِلَ مَعَهُ

بحار الانوار جلد ۵۲ صفحه ۱۳۱.

امام صادق علیه السلام می فرماید هر کس موضوع ظهور و انتظار را با معرفت

شناخت و او بمیرد قبل از این که حضرت قائم علیه السلام ظهور کند از برای او، اجر

و پاداش همانند کسی است که همراه او جهاد کرده و کشته شود.

معمولاً آن که در شوق انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام است، نشان

دهنده معرفت و عشق و علاقه او به آن حضرت است.

خیلی از مردم، عاشق با معرفت آن حضرت هستند ولی اجل به آنها

مهلت نمی دهد و آنها قبل از ظهورش می میرند، از برای این عاشقان و

محبان، ثوابی نصیبشان می شود همانند آنها که در کنار امام زمان علیه السلام برای

رضای خداوند، با کفر و ظلم و فساد و پیاده شدن حق و عدالت و رهایی و

نجات مردم، جنگیدند و به شهادت رسیدند.

شهادت در کنار آن حضرت، به معنای بلند مرتبه بودن مقام آنها که به

امام زمان علیه السلام، عشق می ورزیدند و عمری با زمزمه مهدی جان مهدی جان،
دل و روحشان را صفا می دادند.

﴿ قدر خود را بدانیم ﴾

خواهر و برادر با ایمان من آیا می دانید که چند قرن پیش، کسانی به یاد
ما بودند؟

آیا می دانید آنها چه کسانی بودند؟

آنها بهترین مردان خدا بودند که از شما مردم با ایمان یاد می کردند و از
شما تعریف بسیاری می نمودند، و مردم حاضر که پای منبر آنها بودند، با
دل و جان گوش می کردند و با تعجب و حیرت، غبطه ما را می خوردند و
آنها به همدیگر می گفتند خوشا به حال آنها، واقعاً چقدر خوب اند و خوش
به سعادتشان که پیامبر خدا و امیر مؤمنان و امامان از آنها به نیکی یاد
می کنند، پس قدر خود را بدانیم و خودمان را دست کم نگیریم.

حالا به یکی از آن یاد آوری ها که از من و شما تعریف شده توجه کنیم.
عَنْ أَبِي خَالِدِ الْكَاثِلِيِّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام قَالَ: تَمْتَدُّ الْغَيْبَةُ
بِوَلِيِّ اللَّهِ الثَّانِي عَشَرَ مِنْ أَوْصِيَاءِ رَسُولِ اللَّهِ وَالْأئِمَّةِ بَعْدَهُ، يَا أَبَا خَالِدٍ
إِنَّ أَهْلَ زَمَانٍ غَيْبَتِهِ، الْقَائِلُونَ بِإِمَامَتِهِ، الْمُنْتَظِرُونَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ أَهْلِ
كُلِّ زَمَانٍ، لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذَكَرَهُ أُعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَالْأَفْهَامِ وَالْمَعْرِفَةِ مَا

صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةِ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ، وَ جَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَي رَسُولِ اللَّهِ ﷺ بِالسَّيْفِ أَوْلِيكَ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا، وَ شِيعَتُنَا صِدْقًا وَالدَّعَاةِ إِلَى دِينِ اللَّهِ سِرًّا وَ جَهْرًا. (۱)

ابو خالد می گوید، امام سجاد علیه السلام درباره مردم آخرالزمان به من فرمودند: امام دوازدهم یکی از اوصیاء پیامبر گرامی است و او بعد از ما آخرین امام است غیبتش طولانی می شود.

ای ابو خالد مردم زمان غیبت آن حضرت، همان هایی که امامتش را قبول دارند و همان هایی که همواره منتظر ظهور آن حضرت هستند. بدان که آن مردم از مردمان زمان های دیگر، بهتر و برترند چون که خداوند به آنها عقل و فهم و معرفتی داده که در غیبت، همان گونه هستند که گویی در حضور آن حضرت می باشند و او را می بینند و به او اقرار می کنند، خداوند مردم با ایمان آخرالزمان را همچون مجاهدینی می داند که دوشادوش پیامبر خدا با شمشیر جهاد کردند.

بدانید که آنها واقعاً با اخلاص می باشند و از شیعیان حقیقی و صادق ما هستند، آنها کسانی هستند که به طور آشکار و نا آشکار، دیگران را به دین خدا دعوت می کنند.

مردم با ایمان آخرالزمان که همین زمان است و ما در آن قرار داریم در

هزار و چهار صد سال پیش از ما تعریف و توصیف بسیاری شده است و تعریف کننده پیامبر خدا بود امیرمؤمنان بود و یکایک امامان ما بودند و همه آنها در زمان حیاتشان برای مردم، از ما مردم با ایمان این زمان به نیکی یاد نموده‌اند و ما باید قدردان و شکرگذار این نعمت باشیم و مقامی از این بالاتر نیست که بهترین مردان خدا، تعریف کننده ما باشند، به هر حال، الهی شکر و هزاران بار شکر خدا، پس تا آنجا که می‌توانیم سعی کنیم ایمان خود را قوی‌تر کنیم تا مصداق واقعی شایستگی و لیاقت بهتری برای اینهمه ستایش آن بزرگواران خدا بوده باشیم.

و این مقام کمی نیست و باید افتخار کنیم و خود را سر بلند احساس کنیم و مبادا مشکلات و گرفتاری و بی بند و باری‌های جامعه، ذهن ما را خراب کنند و مبادا کمترین خللی در ایمان با صفا و راستین ما به وجود آورد.

این که پیامبر خدا و امامان بزرگوار، از ما به عنوان بهترین افراد و برتر از مردم هر زمان دیگر یاد می‌کنند و از ما و ایمان ما ستایش نموده‌اند چون آنها به خوبی می‌دانند اگر کسی در این دور و زمانه، ایمان خود را قرص و محکم نگه داشت هنر کرده، و آنها از سختی نگهداری و داشتن ایمان در زمان ما خیلی چیزها گفته‌اند.

آنها می‌دانند که ایمان داشتن و حفظ آن در این دور و زمانه، خیلی

مشکل است و هر لحظه مواجه با خطر انجام گناه کوچک و بزرگ، خواسته و یا ناخواسته می‌باشیم، برای همین است که خداوند ما را از بهترین یاران پیامبر گرامی معرفی نموده و ما را همچون مجاهدینی که در صدر اسلام برای برپایی این دین الهی، دوشادوش پیامبر خدا و در کنار او بودند یاد نموده است.

﴿ ایمان برتر ﴾

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ

بِالْغَيْبِ»

قَالَ: مَنْ أَقْرَبَ بَقِيَامِ الْقَائِمِ إِنَّهُ حَقٌّ

درباره معنای یکی از مصادیق این آیه از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدند: قرآن این کتاب آسمانی، مایه هدایت است برای افرادی که با تقوا و پرهیزکاری که به غیب و آنچه ندیده‌اند ایمان می‌آورند. فرمود: آنهایی که بر حقانیت و ظهور حضرت قائم عَلَيْهِ السَّلَامُ اقرار و اعتراف می‌کنند یکی از نشانه‌های بارز این آیه هستند.

یکی از مصادیق این آیه، شامل حال آن افراد با ایمانی که در آخرالزمان، با گذشت بیش از هزار و چهار صد سال، و در حالی که در بدترین شرایط و محیط غیر اسلامی و اوضاع غیر انسانی که همواره در

حال گسترش است می بینیم که آنها ایمان خود را حفظ کرده و پایبند دین خود هستند و همواره در شوق انتظار ظهور عالم بشریت می باشند تا با ظهورش دنیا را پر از عدل و داد کند بعد از آن که ظلم و فساد و کفر، همه جا را فرا گرفته بود.

فرق است بین آنها که در زمان پیامبر گرامی بودند چون آنها خیلی از حقایق را به خوبی می دیدند، ولی ما که در این زمان هستیم، از خیلی حقایق محروم هستیم، پس مردم با ایمان در آخرالزمان، در نزد خداوند امتیازات بیشتری شایسته آنها است.

پس بکوشیم تا با حفظ ایمان و اعتقاد خود در این شرایط سخت روزگار، مصداق حقیقی برای این آیه باشیم که گویی خداوند این کلمات را در حق ما بیان فرموده است و اگر چنین باشیم، واقعاً چه سعادت بزرگی نصیب ما شده و ما باید به این امر، افتخار کنیم که این گونه افراد، روز قیامت در نزد خداوند، بهترین جایگاه را خواهند داشت.

﴿ ایمان استوار مردم با ایمان آخرالزمان ﴾

پیامبر گرامی در این بیانات خود، از مردم خوب و با ایمان آخرالزمان، به گونه ای تعریف نموده که آنها را برتر از مردم زمان خود، وصف و معرفی نموده است.

عن صادق عليه السلام عن أبيه عليه السلام قال: قال النبي صلى الله عليه وآله لعلي عليه السلام: يا علي
إعلم أن أعظم الناس يقيناً، قوم يَكُونُونَ فِي آخِرِ الزَّمانِ، لَمْ يَلْحَقُوا
النَّبِيَّ وَحَجَّ بِعَنْهُمْ الحِجَّةَ، فَأَمَّنُوا بِسِوَادِ فِي بَيَاضٍ. (۱)

از امام صادق عليه السلام نقل شده که پیامبر گرامی به حضرت علی عليه السلام فرمودند: یا علی بدان که استوارترین ایمان‌ها، از آن مردمی است که در آخرالزمان هستند چون آنها به پیامبر ملحق نشدند و در زمان او نبودند و در واقع، خیلی از حقیقت‌ها را که در زمان پیامبر رخ داد آنها نبودند که ببینند و بر آنها حجّت بود ولی آن مردم این حجّت‌ها را ندیدند و تنها بنوشته‌هایی که در سفیدی کاغذها نوشته شده، ایمان می‌پذیرند. با این حال، ایمان آنها به مراتب قوی‌تر از ایمان مردم زمان پیامبر است.

فرق بسیار است بین آنها که در زمان پیامبر بودند و آنها که بیش از هزار و چهار صد سال از پیامبر دور باشند.

مردمی که در زمان پیامبر گرامی بودند و از نزدیک، خیلی از حقایق را می‌دیدند که بر یقین و باور مردم می‌افزود ولی آنها که بعد از این همه فاصله زمانی زندگی می‌کنند، آن چیزها را نمی‌بینند و تنها اسلام را به توسط آنچه که در کتاب‌ها نوشته شده و از زمان‌های گذشته باقی مانده، به آنها ایمان دارند و آن را قبول دارند و به صحت آن، یقین دارند، پس با این

شرایط، ایمان این مردم، واقعاً قوی‌تر از ایمان مردم زمان پیامبر است و یقیناً این مردم با این ایمان استوار، شایسته تعریف و توصیف پیامبر گرامی است و ما باید شکرگذار این موهبت الهی باشیم که این لیاقت را در خود ببینیم و ان شاء الله ایمان با شکوه ما، همان ایمان مطلوب و مورد رضای حق تعالی بوده باشد.

در انتظار رویت امام زمان علیه السلام

قال أبو عبد الله عليه السلام: مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ عَلَىٰ هَذَا الْأَمْرِ، مُنْتَظِرًا لِيَّ، كَانَ كَمَنْ كَانَ فِي فِسْطَاطِ الْقَائِمِ. (۱)

امام صادق علیه السلام درباره آنها که همواره منتظر ظهور امام زمان بودند ولی اجل به آنها مهلت نداد و آن شور و شوق و دیدن آن حضرت در دل‌هایشان باقی ماند، می‌فرماید: هر کس که از شما بمیرد و در انتظار دیدن امام زمان بود، او همانند کسی است که در سپاه حضرت قائم علیه السلام گوش به فرمان و آماده برای انجام وظیفه است.

یعنی ثوابی که از برای او در نظر گرفته می‌شود همانند آنها که در کنار آن حضرت، آماده به خدمت بوده‌اند.

آن‌هایی که در آرزوی دیدن امام زمان هستند و همیشه مشتاق ظهورش

آن‌هایی که در آرزوی دیدن امام زمان هستند و همیشه مشتاق ظهورش می‌باشند، حتماً خود را برای این کار، از هر لحاظ مهیا کرده‌اند و در تمام خوبی‌ها پیش قدم و نمونه هستند تا این لیاقت و سعادت، نصیب آنها شود. خداوند از دل‌های ما به خوبی آگاه است و او می‌داند که این نیت‌های خیر با واقعیت در عمل، چقدر مطابقت دارد.

انتظار ظهور و عشق دیدن مهدی، همیشه برای خود و دیگران مایه دلگرمی است.

یار امام زمان علیه السلام بودن به شرط درستی و رفتار و کردار است. پس همین شور و شوق دیدن آن حضرت، انسان را همیشه در کمال خوبی و مهر و محبت و ایثار نگه می‌دارد و خوبی‌ها از تمام کارهایش پیدا است.

در انتظار امام زمان بودن، نشانه عشق و علاقه به آن حضرت است و در مقابل، آن حضرت نیز به این گونه افراد، عنایت خاصی دارد.

در انتظار ظهورش باشیم

قال أبو عبد الله عليه السلام: وَانْتَظِرُوا الْفَرَجَ صَبَاحاً وَمَسَاءً. (۱)

امام صادق علیه السلام به شیعیان سفارش می‌کند که هر روز و هر شب، منتظر فرج و ظهور امام زمان باشیم.

انتظار، وقت و زمان معین ندارد و هر فرد می‌بایستی همیشه چشم به

راه ظهور امام زمان باشد همان گونه که در هر لحظه، به رحمت خداوند، امیدوار هستیم.

انتظار فرج یعنی امید به گشایش کارها و راه نجات مردم است.

انتظار فرج، یک حالت عمومی برای همه مردم است یعنی آرزو داشتن برای نجات و رهایی همه مردم، همواره باید آن را در نظر داشته باشیم و این یک فکر جهانی باید باشد، و اگر نیت خیر و دلسوزی برای مردم در دلها باشد، این نشانه مهر و محبت افراد منتظر است. چون تنها کسی که می تواند جهان را از بحران روز افزون، نجات دهد، او است که به فرمان خدا ظهور می کند و دنیا را پر از عدل و داد می کند و مردم را از شر ظلم و ستم ستمکاران نجات می دهد، بنابراین کسی که همیشه در اندیشه خیر و صلاح مردم است حتماً ثواب مداوم برای او ذخیره می شود چون نشان دهنده روح باصفا و عشق و علاقه خود با امام زمان علیه السلام و ایمان راستین او است و این گونه افراد، سعادت و خوشبختی مردم و بشریت را می خواهند و با اندیشه انتظار، در واقع حکومت عدل را برای تمام مردم، و به خصوص مستضعفین جهان آرزو دارند. انتظار یعنی همراهی و همسوئی داشتن با امام زمان علیه السلام است.

شیعه واقعی منتظر ظهور است

شیعه واقعی، همواره منتظر ظهور فرج امام زمان است و در ناملایمات دنیا و خواهش و تمنای نفس، امتحان می‌شود تا از گرداب معرکه وسیع هوی و هوسها تا چه حد، صحیح و سالم بیرون آید و آنگاه معلوم می‌شود که او در این امتحان بزرگ، چه نمره‌ای را می‌تواند کسب کند.

عَنْ جَابِرِ الْجَعْفِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: مَتَى يَكُونُ فَرَجُكُمْ؟
فَقَالَ: هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لَا يَكُونُ فَرَجُنَا حَتَّى تُغْرِبُوا ثُمَّ تَغْرِبُوا ثُمَّ
تُغْرِبُوا، حَتَّى يَذْهَبَ الْكَدِيرُ وَ يَصْفُوا الصَّفْوُ. (۱)

جابر یکی از شیعیان با ارادت است، او از امام باقر عليه السلام پرسید؟ آقا جان، زمان فرج شما چه وقت است؟ آن حضرت فرمودند: هیهات هیهات، فرج ما آن زمانی است که شما مردم امتحان شوید و با الک شدن، شیعه حقیقی و شایسته معلوم می‌شود، همانند طلا که در کوره، اضافه‌های آن بیرون آورده شود و طلای صاف و خالص باقی بماند.

ادعای شیعه بودن، آسان است ولی حقیقت داشتن این ادعا، شرط است. شیعه حقیقی در آزمایشگاه بزرگ دنیا معلوم و ثابت می‌شود که او چند در صد، ایمانش استوار و ثابت قدم بوده است.

و عنوان شیعه واقعی و شایسته بودن، واقعاً هنر است چون مشکل است

در این روزگار، کسی بتواند خود را پاک و منزّه نگه دارد، پس شیعه بودن، یعنی پاک و پاکیزه بودن است.

🕌 ثابت قدمان با ایمان 🕌

ان شاء الله همه با ایمان باشیم ولی در آخرالزمان، ایمان داشتن و ثابت قدم بودن هنر است.

ادعای ایمان داشتن، ظاهراً کار ساده‌ای است ولی در عمل در شرایط نامناسب، اگر استقامت کردیم و ایمان خود را حفظ کردیم شرط است و آن وقت معلوم می‌شود که ایمان ما بهترین و قوی‌ترین ایمان است چون سنگ محک زده شده و از آزمایش سخت، با سربلندی بیرون آمده‌ایم و در آن صورت می‌توانیم در درگاه خداوند یک فرد با ایمان و رؤسفید باشیم.

قَالَ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ ﷺ مَنْ ثَبَّتَ عَلَيَّ وَوَلَّيْتَنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِثْلَ شَهْدَاءِ بَدْرٍ وَأَحَدٍ (۱)

امام زین العابدین ﷺ می‌فرماید: هر کس که در آخرالزمان و در غیبت حضرت قائم ﷺ بر ولایت ما ثابت قدم شد، خداوند به او پاداش هزار شهید را عطا خواهد کرد آن هم شهدای بدر و احد.

ثابت قدم بودن بر ولایت علی ﷺ و حفظ ایمان در آخرالزمان، کاری

بسیار مشکل است و هر کسی توانایی و هنر آن را ندارد که خود را از مسیر روزگار پرفتنه و آشوب و فساد و زرق و برق دنیا و هوی و هوسها به راحتی بگذرد و دل بکند لذا امام زین العابدین علیه السلام وقتی که می گوید، هر آن کس که بتواند، این به معنای عموم مردم نیست بلکه اشاره به آن عده است که شاید بتوانند در ایمان و اعتقاد به اهل بیت معصومین علیهم السلام ثابت قدم باشند.

همه این موارد دلالت بر ارزش ایمان و حفظ و نگهداری آن در آخرالزمان است چون همه می دانیم که در شرایط بد این دور و زمانه، بر اثر بسیاری مشکلات و مفاسد اجتماعی که از هر سو، انسان با آن مواجه است و به قدری سخت است که یک فرد، به خصوص جوانان ما واقعاً مشکل است که بتوانند خود را کنترل کنند و ایمان خود را حفظ کنند.

آنهایی که در کنار پیامبر خدا در جنگ بدر و احد شرکت کردند و مردانه جنگیدند و به شهادت رسیدند، شرایط زمان به نحوی بود که ایمان و پیامبر و نزول آیات قرآن بود و همه جا و در هر وضعی، حال و هوای عرفانی و ملکوتی بود و از مسائل دنیوی در میان آنها چیزی وجود نداشت و ذهن ها پاک و بی آرایش بود و از خیلی چیزها که در زمان ما هست آنها به دور بودند.

و همان گونه که پیامبر گرامی فرمودند مبارزه با هوای نفس، از شرکت در یک جنگ، مشکل تر و سخت تر است.

لذا در این زمان که محیط مردم پر از هوی و هوس‌هاست و به نحوهای مختلفی دامن‌گیر مردم است، واقعاً خیلی مشکل است کسی بتواند خود را کنترل کند و به گناه و خطا آلوده نشود.

و علاوه بر آن، ما از زمان پیامبر و نزول وحی و دیدن کرامات و معجزات آن حضرت، فاصله زمانی بسیار است و امروز ذهن مردم آلوده به خیلی چیزهاست که در آن زمان نبود، بنابراین امام سجاد که این چنین می‌فرماید حتماً از اوضاع زمان ما خبر داشته و به خوبی آگاه بوده است که او این چنین فرموده بود، پس واقعاً نگهداری و حفظ ایمان در این زمان، دشوارتر از نگهداری ایمان در زمان پیامبر گرامی است.

پیامبر خدا خوبان امت پیامبر اسلام ﷺ

پیامبر خدا خوبان امت خود را معرفی می‌کند.

قال رسول الله: خیار امتی أولها و آخرها.

پیامبر گرامی می‌فرماید: بهترین افراد امت من، همان‌هایی که در صدر اسلام بودند و آن خوبانی که در آخرالزمان هستند.

در صدر اسلام و در بدو ظهور فرامین الهی، مسلمانان واقعی آنهایی بودند که در بدترین و سخت‌ترین شرایط، ایمان خود را حفظ کردند و در سختی‌ها و ناملايمات، استقامت کردند و هم چنین آن عده مسلمانان با

ایمان در آخرالزمان نیز که در بدترین و سخت‌ترین شرایط، ایمان خود را حفظ می‌کنند و در سختی‌ها و ناملایمات روزگار، استقامت می‌کنند، آن حضرت این‌ها را بهترین‌های امت خود معرفی می‌نماید.

پیامبر خدا، عزیزترین فرد در نزد خدا است و او است که تعریف کنندهٔ مردم با ایمان این دو زمان است چون او است که بهتر تشخیص می‌دهد. و ان شاء الله من و شما جزو همان‌هایی باشیم که آن حضرت، ما را از بهترین افراد امت خود بداند و بدرگاه خداوند، ما را از خوبان امت خود، معرفی کند.

بیائیم و به این چهار روز عمر بی اعتبار دنیای بی وفا و زودگذر، اهمیت ندهیم و زرق و برقش ما را فریب ندهد و بازیچهٔ هوی و هوس‌ها نشویم تا از خوبانی باشیم که خدا و پیامبرش، از ما راضی و خوشنود باشند و بندهٔ خوب خدا بودن، بزرگترین هنر و عالی‌ترین مقام است و آرزوی هر انسان مسلمان و با ایمان، خوب بودن است تا ان شاء الله سعادت دنیا و آخرت، نصیب ما شود.

دنیا خویش می‌گذرد بدش هم می‌گذرد، پس آنچه که جاویدان باقی می‌ماند خوبی‌هاست و آنچه که ارزشمند است خوب بودن است، و مواظب باشیم تا سرمایهٔ عمر گران را به قیمت کمتر از بهشت نفروشیم.

﴿ همیشه امیدوار باشیم ﴾

انسان در بدترین شرایط، برای نجات و گشایش در کارها و انتظار فرج، چراغ امیدواری در قلب او همیشه، کم و بیش روشن است و ناامیدی در واقع تلخ‌ترین مشکل برای انسان است، امیدواری از عوامل مؤثر برای خوشبختی است و انرژی دهنده خوبی برای حرکت و تلاش جهت نزدیک شدن به آرزوها است.

و انتظار ظهور نیز از آن جمله است

انتظار ظهور، علاوه بر بهره‌مند شدن از ثواب، کار پسندیده‌ای است که شایسته اهل معرفت است.

قال امیر المؤمنین علیه السلام: **إِنْتَظِرْ وَالْفَرَجَ وَلَا تَيَأَسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ، فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، إِنْتَظَارَ الْفَرَجِ (۱)**

امیر مؤمنان می‌فرماید: منتظر فرج باشید و هیچگاه از رحمت پروردگار نا امید نشوید و به یقین بدانید که از بهترین اعمال در نزد خداوند، انتظار فرج است.

انتظار فرج، یعنی امید به رحمت خدا داشتن است و این بهترین مایه دلگرمی است. انتظار فرج، یعنی صبر و استقامت، توأم با امید داشتن برای رسیدن به مقصد و مقصود والا و ارزشمند است.

در معنای انتظار معمولاً برای چیز گرانبهائی به کار می‌رود که ارزش آن را دارد تا انسان، مشکلات و سختی‌های سر راهش را تحمل کند ولی در موارد دنیایی، واژه انتظار فرج به کار نمی‌رود به هر قیمتی که باشد. انتظار ظهور، یعنی آماده باش و مهیا بودن برای ملحق شدن به آن حضرت است و کسی که همواره در این وضع باشد حتماً او در حال بهره‌مند شدن از ثواب است و همواره بر حسنات او در صحیفه اعمالش افزوده خواهد شد.

صالحان منتظر مصلح جهانی هستند، و در واقع منتظران اجرا شدن عدالت جهانی می‌باشند تا فرامین الهی بر زمین، به شایستگی انجام شود و تمام مردم در نعمت عدالت و عشق به الله، روزگار خوبی را بیابند و خیر و سعادت دنیا و آخرت، نصیب آنها شود و تمام این موارد یاد شده، نشان دهنده حسن نیت و رفتار و کردار خوب منتظران ظهور حضرت مهدی علیه السلام می‌باشند.

🔸 نشانه‌های منتظران ظهور 🔸

عن أبي عبد الله عليه السلام قال: مَنْ سَرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ (عج)، فَلْيَنْتَظِرْ وَ لِيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ، وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ، فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ، كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلَ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ، فَجَدُّوا وَ

انتظروا هنيئاً لكم أيتها العصابة المرخومة. (۱)

امام صادق علیه السلام می فرماید: هر که بسیار مشتاق است و دوست دارد که از یاران امام زمان باشد، او درانتظار ظهور آن حضرت باشد و نیز باید با تقوی و پرهیزگار باشد و تمام خوبی‌ها در او جمع باشد، و در این صورت او از منتظران واقعی به حساب می آید، و اگر مرد و بعد از او، امام زمان ظهور کند برای او اجری همانند اجر آنها که در وقت ظهور، به خدمت امام زمان می رسند و در کنار او قرار می گیرند، پس تلاش کنید تا با این وصف، از منتظران آن حضرت باشید که خوشا به سعادت شما مردم خوب و با وفا، بدانید که خداوند به شما عنایت دارد.

در این حدیث، امام صادق علیه السلام می فرماید که منتظران ظهور، باید افرادی پاکیزه و پرهیزگار باشند و همچنین تمام خوبیها در رفتار و کردار آنها نمایان باشد تا لیاقت و شایستگی افتخار در خدمت آن حضرت را بیابند و اگر کسی این چنین بود و عمرش کفایت نداد تا به زمان و لحظه ظهور آن حضرت برسد او در واقع همان اجر و پاداش را می برد و برای او، همین اندازه، ثواب نصیبش می شود.

در شرایطی که می بینیم حال و روز مردم و اوضاع دنیا بدتر می شود و زمام امور مردم در دست مشتکی بی خرد و فاسد قرار دارد و حاکمان شرور،

هر روز بر سختی‌ها و رنج‌های مردم می‌افزایند و زورگویی و فساد در همه جا رواج می‌یابد، آیا نجات دهنده و مصلح جهانی کیست که تنها او می‌تواند دنیا را اصلاح کند و به داد مردم برسد؟ جز این که آن حجت خدا برای همچنین روزی ساخته شده و به فرمان او، آن حضرت ظهور کند و جهان را از شر شروران و مفسدان نجات دهد و مردم گرفتار و دربند و ضعیف شده را سر و سامان دهد و آن مصلح غیبی، جهان را پر از عدل و داد کند.

بنابر این، اندیشهٔ انتظار برخواسته از عشق و علاقه و پایبندی انسان به اصول و فرامین الهی است.

وقتی که همه جا را ظلم و بی‌عدالتی فرا می‌گیرد و مردم را می‌رنجاند در حالی که قرآن و فرامین الهی می‌تواند همه را نجات دهد و باعث اصلاح جامعه شود، بنابر این منتظران مصلح جهانی، باید افرادی صالح و صلح‌طلب و مؤمن و متعهد باشند. و اندیشهٔ اصلاح جهان و نجات بشریت، اندیشه و فکر بزرگی است به وسعت نجات انسانیت و طبیعت است، پس منتظر و عاشق مهدی عجل الله فرجه باید تمام خوبی‌ها در او جمع باشد.

در ادامه آن حضرت می‌فرماید خوشا به سعادت منتظران که آنها مورد عنایت خداوند قرار دارند و لطف خاص الهی شامل حال آنها خواهد شد.

مردم ای که پاداش رزمندگان می‌گیرد

این بیانات امام صادق علیه السلام، نشان دهنده پدید آمدن وضعیت نامطلوب و شرایط بدی در آخرالزمان است که حفظ ایمان در آن زمان، واقعاً کاری سخت و مشکل به نظر می‌رسد چون بیشتر مردم از راه درست، منحرف می‌شوند و شرایط زندگی به گونه‌ای می‌شود که همواره انسان به معصیت و گناه آلوده می‌شود.

قال أبو عبدالله عليه السلام: إِنَّ الْمَيِّتَ مِنْكُمْ عَلَى هَذَا الْأَمْرِ، بِمَنْزِلَةِ الضَّارِبِ بِسَيْفِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. (۱)

به یقین بدانید آن که از شما مردم آخرالزمان، اگر بمیرد و عمرش را در عشق امام زمان و به انتظار ظهور آن حضرت بود، او همانند آنها به حساب می‌آید که در راه خدا جهاد نموده و شمشیر زده و با کفر مبارزه کرده است. افرادی که در راه خدا جهاد نموده‌اند در نزد خدا جایگاه ویژه‌ای دارند و این مردم با ایمان در آخرالزمان که همواره در اینجا و آنجا در میان مردم، امر به معروف و نهی از منکر نموده و سال‌ها عمرشان را با این نوع جهاد گذرانده‌اند آنها مجاهدان واقعی هستند که تمام خطرات و سختی‌های آن را نیز متحمل می‌شوند.

و با همین بند و نصیحت کردن این و آن، چه بسا در چند سال، احتمال

دارد که آنها در مجموع، صدها نفر را ارشاد و راهنمایی کرده‌اند بدون این که معلوم باشد.

یک فرد با ایمان در مدت عمر خود همانند رزمنده‌ای است که در سنگر وسیعی به پهنای وسعت زمان و جامعه قرار دارد و مبارزه می‌کند و ان شاء الله اجر و پاداش او در نزد خداوند محفوظ خواهد ماند و روزی به دستش می‌رسد که **يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ** روز قیامت روزی است که نه مال و نه اولاد به درد انسان می‌خورد مگر این که آنها با قلبی پاک به نزد خدا آمده باشند و ان شاء الله با دستی پراز اعمال صالح، در روز قیامت با خدای خوب و مهربان رو به رو شویم.

﴿ مردن بعد از عمری عشق و انتظار ﴾

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) مَا تَقُولُ فِيمَنْ مَاتَ عَلَى هَذَا الْأَمْرِ مُنْتَظِرًا لَهُ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هُوَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ كَانَ مَعَ الْقَائِمِ (ع) فِي فِسْطَاطِهِ، ثُمَّ سَكَتَ هُنَيْئَةً، ثُمَّ قَالَ: هُوَ كَمَنْ كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) (۱)

شخصی از امام صادق (ع) پرسید آقا جان، چه می‌گویی درباره آنکه با این اعتقاد، عمری در انتظار حضرت مهدی (ع) بود؟ آن حضرت در جواب فرمودند او همانند کسی است که همراه حضرت قائم (ع) و در سپاهش بوده

است. و پس از مقداری سکوت و فکر، دوباره آن حضرت فرمودند: بلکه او همانند کسی است که همراه پیامبر گرامی بوده است.

آنان که عمری با عشق و علاقه در آرزوی دیدن امام زمان، عمر خود را گذراندند ولی عمر آنها کفایت نکرد تا به وصال و مراد خود برسند، باید بدانیم که همین قدر کافی است که نیت انسان بهتر و برتر از عمل او است و این گونه افراد، شایسته‌ترین و لایق‌ترین افرادی هستند که در کنار و همراه امام زمان باشند و بلکه بالاتر از آن، همراه و یار خوبی برای پیامبر خدا باشند و طبعاً این نشان دهنده ایمان برتر آنها است.

عمری عشق و انتظار، نشان دهنده عشق و علاقه آنها به آن حضرت است.

پیام آسمانی برای ظهور مهدی علیه السلام

زمانی فرا می‌رسد که مردم در بدترین شرایط قرار می‌گیرند و هر کس به نحوی گرفتار مشکلات می‌شود، اذیت و آزار روحی و جسمی، نگرانی و اضطراب در تمام لحظه‌ها، بی‌اعتمادی به امنیت و آینده فرداها، نفس‌ها گرفته، قلب‌ها در طپش، مرگ و کشتار، وبا و مرض‌ها، ظلم از همه جا و هر سو، انواع بلاهای هولناک در هر لحظه، مردم در گرداب غم و اندوه، ضعیف و ناتوان شده، و امیدها قطع شده، و راه و چاره خلاصی و رهائی،

تنها مرگ است که آن مردم بیچاره، مردن را بهترین وسیله برای راحتی و نجات خود می‌دانند و آنگاه در آن شرایط، صدائی عجیب و غیر منتظره، از آسمان به گوش می‌رسد، و این صدا، صدای عادی و معمولی نیست، گویا فرجی می‌خواهد بشود و گویا خداوند می‌خواهد عنایت کند، این چه صدائی است که همه آن را در هر کجا باشند می‌شنوند و آن را می‌فهمند، مهدی، مهدی، مهدی، تمام حواس‌ها متوجه آن می‌شود و به دقت گوش می‌کنند، آیا دچار توهم نشده‌ایم؟ نه نه این صدا، صدای آسمانی است صدای فرشته نجات است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: أَلَا إِنَّ صَفْوَةَ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ الْمَهْدِيُّ فَأَسْمَعُوا لَهُ وَأَطِيعُوا. (۱)

پیامبر گرامی فرمودند: در هنگام ظهور، صدائی رسا و باشکوه از آسمان بگوش می‌رسد که ای مردم بدانید، بهترین خلق خدا و برگزیده او (مهدی) است، به سخنان او گوش دهید و او را اطاعت کنید.

تنها راه نجات او است، همچون آبی سرد بر دل‌های پرتلاطم و آشفته، و جرقه امید در دل‌های ناامید شده، و چراغی فروزان در تاریکی‌ها، همه را شاد و امیدوار می‌کند.

بعد از آن، همه به این سو و آن سو می‌نگرند، خدایا او کیست؟ کجا

است؟ باور کنیم؟ یعنی آن چه که شنیدیم درست بود و این فریاد رس آسمانی، حقیقت دارد؟

بله همان که پیامبر گرامی و امیر مؤمنان و امامان، همه و همه، صدها بار از مهدی گفته بودند، او اکنون ظاهر شده، چه خوب شد! چه زیبا است لحظه‌های دیدنش! خدایا شکر، خدایا شکر، اللهم صل علی محمد و آل محمد، بلند بگو: اللهم صل علی محمد و آل محمد.

☞ ظهور آن حضرت همراه با معجزات و کرامات است ☞

لَا تُوْمِنُوا بِمَنْ يَدَّعِي أَنَّهُ الْقَائِمُ حَتَّىٰ يَتَّبِعَنَّ لَكُمْ بِالْمَعْجَزَاتِ (۱)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: هرگز ایمان نیاورید به آن کس که ادعا می‌کند او حضرت قائم است تا این که معجزاتی از او دیده شود. یعنی به توسط معجزات خارق العاده و کرامات، شخصیت حقیقی او را خواهیم شناخت.

در زمان‌های مختلف قبل از ظهور امام زمان علیه السلام، ده‌ها نفر در میان مردم، خود را به عنوان امام زمان معرفی کردند و می‌خواستند کارهایی انجام دهند تا به مقاصد دنیوی خود برسند، ولی تمام تلاش آنها، نقش بر آب شد و نتیجه‌ای جز رو سیاهی برای آنها نماند.

روی همین حساب می‌بینیم که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: ایمان نیاورید به آنها که ادعا می‌کنند که حضرت قائم هستند تا این که از آنها معجزات و کرامات که نشانه‌های الهی است دیده شود.

و به یقین که حضرت قائم علیه السلام در ساعت و زمان معین، به فرمان خداوند ظهور می‌کند و ظهور آن حضرت با عده‌ای کم و در زمانی تعداد اشرار در همه جا بسیار و بی‌شمارند و فتنه و آشوب، همه جا را فرا گرفته است، در آن صورت، حتماً یاری خداوند و امدادهای غیبی، پشتوانه معجزاتی از آن حضرت خواهند دید و او در این وضع، می‌تواند اوضاع دنیا را سامان دهد و عدل و داد در همه جا حاکم کند و بسیاری از مردم، به او ایمان می‌آورند و تسلیم می‌شوند.

و همان طور که می‌دانیم، خداوند همیشه پیامبران و امامان را در بدترین شرایط، با امدادهای غیبی و معجزات نمایان می‌ساخت تا آنها مورد قبول و باور مردم قرار گیرند.

﴿ امام زمان علیه السلام سنت پیامبر را احیای کند ﴾

پیامبر گرامی در زمانی به پیامبری مبعوث شد و با فرامین الهی ظهور کرد که مردم در بدترین شرایط ظلم و جهالت و بدبختی قرار داشتند و حق و حقیقت و درستی‌ها از نادرستی را تشخیص نمی‌دادند، همان طور که در

آخرالزمان به نحوی دیگر و به اشکال مختلف، مردم در بدترین شرایط ظلم و جهالت و بدبختی قرار می‌گیرند، پس اوضاع و شرایط ظلم و جهالت و بدبختی بین این دو زمان متفاوت است.

عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: هُوَ رَجُلٌ مِنْ عِشْرَتِي يُقَاتِلُ عَلِيَّ سُنَّتِي كَمَا قَاتَلْتُ أَنَا عَلِيَّ الْوَحْيِ. (۱)

پیامبر گرامی درباره حضرت مهدی علیه السلام می‌فرماید: او مردی از نوادگان من است و او بر طبق سنت من، با ظالمان و یاغیان و مفسدان مبارزه می‌کند همان گونه که من بر طبق اوامر وحی، مبارزه کردم.

سنت پیامبر همان فرامین الهی است که از جانب خداوند به طور وحی، مستقیماً بر پیامبر نازل می‌شود، سنت یعنی همان فرامین الهی است که برگرفته از وحی است. پیامبر گرامی با تأکید و تکرار بسیار، مشخصات حضرت مهدی علیه السلام را تعریف نموده است و این موضوع را به عناوین مختلف، مطرح شده است و از آن جمله این است که حضرت مهدی علیه السلام را از نوادگان خود معرفی نموده تا شک و ابهامی در کار نباشد و اگر چنانچه در فاصله زمانی بین پیامبر و حضرت مهدی علیه السلام، کسانی بخواهند از این موضوع سوء استفاده کنند و به خاطر منافع خود، مردم را گمراه کنند همه آگاه باشند تا فریب آنها را نخورند.

وظیفه اصلی پیامبر گرامی و حضرت مهدی علیه السلام، تغییر شرایط مردم از بدی به خوبی است و اصلاح جامعه به نحوی که سعادت و خوشبختی آنها در دنیا و آخرت، تضمین شود و آنها مبارزه می‌کنند با ظالمان و مفسدان که شرایط مردم و زندگی آنها را تباه می‌سازند به خاطر منافع شخصی خود که همین امر، مهم‌ترین عامل پدید آمدن بدبختی‌های جامعه است.

هر چند که در هر زمان و در هر مکان، طاغوتها و یاغیان و ستمکاران ریز و درشت، وجود داشته‌اند ولی خرابی اوضاع و شرایط بد جامعه در زمان پیامبر و آخرالزمان به بدترین وجه ممکن است و بدبختیها و سختی‌های مردم به حداکثر می‌رسد. و در آن صورت صبر و تحمل جایز نیست و خداوند صلاح را بر این می‌داند تا اوضاع از هم گسیخته مردم را سر و سامان دهد تا دوباره، وضع طبیعی که مورد پسند و رضایت و سعادت همه است به جامعه بازگردد.

و ان شاء الله از آنهایی نباشیم که به عناوین مختلف به تقویت ظالمان کمک کرده باشیم و یا از آنهایی نباشیم که فساد و بی بند و باری را توسعه داده باشیم حتی مورد کم آن هم مهم است چون یک بذر کوچک در خاک نهادن، در آینده حاصلش درختی بزرگ است.

پیام آغاز دین و عاقبت آن ﷺ

چه گوینده‌ای خوب و چه گفتاری خوب و چه شنونده‌ای خوب.
گوینده: پیامبر گرامی بودند و گفتارش درباره حضرت بقیه الله الأعظم،
و شنوا امیر مؤمنان علی علیه السلام بود.
و ان شاء الله ما هم شنوایی خوب و لایقی باشیم و سعادت پیروی این
بزرگواران نصیب ما شود.

قال رسول الله لأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَخْتِمُ اللَّهُ بِهِ الدِّينَ، كَمَا فَتَحَهُ
بِنَا. (۱)

پیامبر گرامی درباره حضرت مهدی علیه السلام به امیر مؤمنان، موضوعات
بسیاری را مطرح می‌کند و از آن جمله می‌فرماید: یا علی، خداوند دین را به
واسطه حضرت مهدی علیه السلام ختم می‌کند همان طوری که خداوند دین را به
واسطه ما آغاز نمود.

به دینی معتقد هستیم که خداوند آن را مطرح نموده و پیامبر گرامی و
ائمه معصومین علیهم السلام آن را به اجرا در آورده‌اند، و من و شما خواهر و برادر
عزیزم در زمانی قرار داریم که بین پیامبر گرامی و حضرت مهدی علیه السلام
می‌باشد و به خصوص که ظهور آن حضرت، طبق صدها علامت و قرائن،
بسیار نزدیک شده است و افتخار نزدیک بودن به ظهورش را خداوند نصیب

ما نموده است، پس بیائیم از این نزدیکی با ظهور آن یگانه زاد مرد الهی که با ظهورش، زمین را به نور حق مزین می‌کند، باید از این شرف قرب به آن حضرت را شکرگذار باشیم و از خداوند بخواهیم که به ما صبر و استقامت بدهد تا دین و ایمان خود را حفظ کنیم. چون ما در زمانی هستیم که اوضاع مردم، هر روز بدتر می‌شود و جبهه کافران و مفسدان ضد دین، هر روز قوی‌تر می‌شود و ان شاء الله ما جزو سپاه و سمت جبهه کفر و فساد نباشیم و رنگ و بوی حق از ظاهر ما پیدا باشد و نشانه‌های عشق به خداوند در وجود ما بدرخشد علی‌رغم همه سختی‌ها و مشکلاتی که داریم این را باید بدانیم که صبر و استقامت بر آنچه که تلخ‌تر و دردناک‌تر است ثواب و اجر آن در نزد خداوند، به یقین که به مراتب بیشتر است و ایمان راستین در این است که اگر از این روزگار نامناسب به سلامت بگذریم شرط است و در این صورت، سربلند و رؤسفید خواهیم بود.

به فرمان خداوند، حضرت محمد ﷺ و علی ﷺ و سایر ائمه معصومین علیهم‌السلام، بر پاکننده‌گان دین اسلام بودند و حضرت مهدی علیهم‌السلام احیاگر دین و فرامین الهی است و من و شما نیز هر کدام به سهم خود در این امر خدا پسند، شرکت داشته باشیم، منتهی هر کسی به اندازه خودش.

﴿ قرآن خوان های دانا ﴾

وقتی که ما می‌گوییم و یا می‌شنویم فلانی با سواد است، با سواد بودن بر دو نوع است، نوع اول آن دسته از مردم که تنها می‌توانند، بخوانند و بنویسند، به آنها می‌گویند باسواد. و نوع دوم به آنها می‌گویند با سواد، که علاوه بر نوشتن و خواندن، خیلی خوب می‌فهمند و خوب درک می‌کنند و اطلاعات عمومی آنها بسیار است و یا در رشته‌های فنی و تخصصی در سطح بالایی هستند. پس باسواد خوب به او می‌گویند که خوب می‌خواند و خوب می‌فهمد و به خوبی از اوضاع با خبر است و اطلاعات همه جانبه خوبی دارند.

و چه بسا افرادی هستند که خوب می‌خوانند و خوب می‌نویسند ولی از فهم و شعور و آگاهی، چیزی در وجودشان دیده نمی‌شود، و یا برعکس، خیلی‌ها افرادی را دیده‌اند که بی‌سوادند ولی قدرت درک و فهم آنها بسیار زیاد است و مردم بی‌سواد قدیم، بیشتر از این نوع بودند.

بیشتر مردم قدیم از نعمت خواندن و نوشتن زبان خودشان محروم بودند چون مشکلات و گرفتاری‌های آنها به قدری زیاد بود که نمی‌توانستند به کارهای متفرقه برسند لذا فرصت و مجالی برای یادگیری خواندن و نوشتن و درس و مشق و تحصیل علم وجود نداشت. و از طرفی دیگر، با سواد شدن برای همه مقدور نبود چون، امکانات درس و تحصیل و

مدارس آنچنانی و در همه جا وجود نداشت. در حالی که بیشتر مردم این چنین بودند پیامبر گرامی از با سواد بودن بیشتر مردم در آخرالزمان خبر می دهند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: سَيَأْتِي زَمَانٌ يَثْقَفُونَ الْقُرْآنَ، كَمَا يَثْقَفُ الْقَدَحَ. (۱)

زمانی فرا می رسد که مردم، آنچنان قرآن را خوب می خوانند و خوب می فهمند و درک می کنند همان گونه که لیوان آب را به راحتی به دست می گیرند و می آشامند.

از مفهوم این جمله می فهمیم که مردم در آخرالزمان بی سواد نیستند و خط و زبان عربی با این همه سختی و پر پیچ و خمش را می خوانند تا چه برسد به زبان فارسی روان و زبان های دیگر، بنابراین بیشتر مردم با سوادند و از خیلی چیزها هم با خبرند.

بالأخره این دور و زمانه در آن همه چیز هست از قرآن خوان های خوب خوان دانا گرفته تا افرادی که از قرآن و محتویاتش بی خبر و یا فاصله زیادی دارند.

و ما امیدواریم که قرآن خوان های ما و آنهایی که مفاهیم قرآنی را به خوبی درک می کنند، تمام رفتار و کردارشان با آنچه که خداوند در این

کتاب فرموده، منطبق باشد و در میان مردم، الگو و نمونه باشند از پاکیزگی و درستی و صداقت و نجابت. و آن طور نباشند که خدای ناکرده، قرآن را می خوانند و به قرآن، اعتقاد دارند ولی عمل نمی کنند و رفتار و کردارشان با آن در تضاد است.

در آخرالزمان کارها برعکس می شود

من أشرط الساعه: ۱- كثرة القراء ۲- وقلة الفقهاء ۳- وكثرة الأمراء ۴- وقلة الأمناء ۵- وكثرة المطر ۶- وقلة البنات = تحف العقول صفحه ۶۳.

پیامبر گرامی می فرماید: از نشانه های آخرالزمان و نزدیکی ظهور امام زمان آن است که: ۱- اغلب مردم با سواد می شوند. ۲- ولی عده مردم دانا و آگاه، کمتر می شود. ۳- فرمانروایان و حاکمان و مأمورین بیشتر می شوند. ۴- ولی افراد امین و مورد اعتماد مردم، کمتر می شوند. ۵- باران ها در همه جا افزایش می یابد. ۶- ولی سبزه ها و گیاه کمتر می شود.

از جمله اول و دوم این را می فهمیم که در آخرالزمان عده افراد با سواد بیشتر می شوند ولی متأسفانه، افراد آگاه و دانا کمتر می شود و همان طور که می دانیم سواد داشتن بدون آگاهی و دانایی بی فایده است چون می بینیم که بیشتر افراد خلافتکار، با سوادند، ولی آدم عاقل و فهمیده کم است و سواد

حتماً با عقل و درک و فهم باشد خوب است.

و در جمله سوم و چهارم می خوانیم که عده فرمانروایان کوچک و بزرگ هر روز بیشتر می شوند از رئیس جمهور گرفته تا وزیران و رؤساء دواشر و ارگان‌ها، تا پلیس و پاسبان، می بینیم که هر چه عده آنها بیشتر می شود ولی هنوز هم بی نظمی و کم و کاستی در جامعه وجود دارد و بر تعداد جنایت و جنایتکار افزوده می شود و هر چقدر که مأمورین انتظامی به عناوین مختلف در ارگان‌های مختلف، اضافه بشوند باز هم کم است.

در توضیح جمله چهارم این است که در آخرالزمان، افراد امین کم می شوند یعنی افرادی که قابل اعتماد باشند و روی آنها واقعاً می شود حساب کرد بسیار کم هستند به خصوص اگر طرف مقابل را شناسی و او هم تو را شناسد، آن وقت خدا رحم کند که چی از آب در آید و هم چنین بقال و قصاب و فروشنده و با هر کسی که بخواهی خرید و یا داد و ستد کنی یا جنس را گران می دهند و یا جنس را بد و نا مرغوب می دهند و حرف‌های بسیار دیگر.

در توضیح جمله پنجم و ششم این است که می بینیم برف و باران‌ها در اینجا و آنجا بیشتر شده ولی باز هم خشکسالی و کم آبی وجود دارد و شرایط طبیعی به گونه‌ای است که مراتع و جنگل‌ها به شدت همواره در حال کاسته شدن و نابودی است همان طور که کارشناسان علوم طبیعی در زمان

ما، گناه را به گردن خراب شدن لایه اوزون می دانند و روی هم رفته هر طور که حساب کنیم می بینیم که خیر و برکت در حال از بین رفتن است چون مردم عوض شدند. همه باسوادند ولی چه فایده، همه اینهایی که خلاف می کنند با سوادند ولی آگاه و دانا که خوب درک کند و خوب بفهمد کجا است؟

و هر چه همه مأمور و رئیس و مراقب و نگهبان هم زیاد شود می بینیم که امنیت کمتر می شود و همواره بر تعداد جنایت و نا امنی افزوده می شود. و هر چه هم برف و باران بیاید باز هم می بینیم که خشکسالی و کم آبی بیشتر می شود و سبزه و خرمی کمتر می گردد.

سالهای قبل که آن منطقه، سبز و خرم بود برای تفریح به آنجا می رفتیم ولی الان می بینیم که آنجا هم خشک شده و قابل استفاده نیست. هر چه دانش طب پیشرفته تر می شود و دستگاهها و تجهیزات، مدرن تر می شود باز هم می بینیم که درد و مرضهای عجیب و غریب و صعب العلاج بیشتر می شود. و هر چه از صلح و دمکراسی بیشتر گفته شود ولی می بینیم که هر روز بر مناطق آشوب زده و جنگ، بیشتر می شود.

پس در آخرالزمان، واقعاً کارها بر عکس شده، چون رفتار و کردار مردم بر عکس شده، یعنی به جای این که بهتر بشوند می بینیم که روز به روز بدتر می شوند.

مردم آدم‌های بی‌خرد در آخرالزمان بسیارند

از بیانات پیامبر گرامی دانسته می‌شود که وضع مردم آخرالزمان و حال و روز آنها، حالت عادی و طبیعی ندارد و مردم آن‌قدر فرومایه می‌شوند که حاضرند برای زندگی کردن، هر کاری را انجام دهند و چیزی به عنوان حلال و حرام و شرافتمندانه و آبرومندانه ملاک نیست و مردم نه دینی دارند و نه اخلاق و نه وجدان اجتماعی و نه... اوضاع مردم آنقدر آشفته می‌شود که پای بند هیچ چیزی نیستند و نمی‌دانند که مردم چه فرمی هستند.

رَوَتْ أُمُّ هَانِي بِنْتُ أَبِي طَالِبٍ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ إِنَّهُ قَالَ: يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ إِذَا سَمِعْتَ بِاسْمِ رَجُلٍ، خَيْرٌ مِنْ أَنْ تَلْقَاهُ، فَإِذَا لَقَيْتَهُ خَيْرٌ مِنْ أَنْ تُجَرِّبَهُ، وَلَوْ جَرَّبْتَهُ أَظْهَرَ لَكَ أَحْوَالَ، دِينِهِمْ دَرَاهِمَهُمْ وَهِمَّتَهُمْ بَطُونَهُمْ وَقَبْلَتَهُمْ نِسَاؤَهُمْ، يَزْكَعُونَ لِلرَّغِيفِ، يَسْجُدُونَ لِلدَّرْهِمِ، حَيَارَى سَكَارَى لَا مُسْلِمِينَ وَلَا نَصَارَى. بحار الانوار = جلد ۵۲.

از پیامبر گرامی نقل شده که ایشان فرمودند: زمانی بر مردم فرا می‌رسد که اگر اسم کسی را شنیدی بهتر است تا آن‌که او را بینی، و اگر او را دیدی، بهتر است که او را تجربه نکنی و با آن، برخوردی نداشته باشی، و اگر با او برخورد کردی و او را آزمایش کردی، آن وقت می‌بینی که آن‌ها آدم‌های

خوبی نیستند، آنها آدم‌هایی هستند که دینشان پولشان می‌باشند و می‌بینی که تمام همت و هوش و حواس آنها برای شکمشان است، قبله آنها زنهایشان می‌باشند، برای پول حاضرند سجده کنند، و برای نان، حاضرند تا کمر خم شوند، آنها مردمی هستند گیج و مست، نه مسلمانند و نه مسیحی.

در آن زمان سراغ کسی را نگیر، چون بهتر است تا او را نبینی و در صورت برخورد با او، می‌فهمی که چه آدم بدی است و از دیدنش پشیمان می‌شوی و ضرر می‌کنی.

آن مردم برای این که پول به دست بیاورند حاضرند همه کاری بکنند یعنی از هر راهی که باشد حتی حاضرند وجدان خود را زیر پا بگذرانند و شخصیت خود را بشکنند و قسم ناحق و دروغ و ناروا بگویند.

زن‌های آنها همه کاره می‌شوند و مردها پول بیار معرکه زندگی هستند، زن‌ها بر مردها مسلطند و خود مختار و آزادند هر جور که بخواهند و مردها باید گوش به فرمان آنها باشند، وقتی که زن بر اوضاع مسلط و حاکم باشد، دیگر مردها هم خیلی مرد نیستند.

مردم آخرالزمان هیچ دین و مرامی ندارند نه مسلمانند و نه مسیحی، فقط گیجند و مست و بلا تکلیف و بی برنامه. نه مسیحی و نه مسلمان، هیچ کدام پای بند به دین نیستند و اتفاقاً در بیشتر مناطق دنیا، اکنون وضعیت را

این گونه می بینیم.

﴿ زوال های سنت خوب در آخرالزمان ﴾

در آخرالزمان وضع مردم از هر لحاظ، با وضع مردم گذشته فرق می کند، و سنت ها و آداب و رسوم خوب مردم از بین می رود و به جای آن، مدل گرایی و تجملات و شیوه های ناپسند و خلق الساعه، جایگزین می شود.

عَنْ جَابِرِ ابْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ النَّبِيِّ ﷺ... فَسَأَلْتَهُ عَنْ ذَلِكَ، فَقَالَ: إِنَّهُ لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَتَّخِذَ الْمَسَاجِدَ طُرُقًا، وَحَتَّى يُسَلِّمَ الرَّجُلُ عَلَى الرَّجُلِ بِالْمَعْرِفَةِ، وَحَتَّى تَتَّجِرَ الْمَرْأَةُ وَزَوْجُهَا، وَحَتَّى تَغْلُوا الْخَيْلَ وَالنِّسَاءَ ثُمَّ تَرْخَصَ وَلَا تَغْلُوا... (۱)

جابر ابن عبدالله می گوید از پیامبر گرامی درباره آخرالزمان و ظهور پرسیدم. آن حضرت فرمودند: ظهور حضرت مهدی علیه السلام انجام نمی شود تا این که در آن زمان، مردم نسبت به مساجد بی اعتنا شوند، و یک مرد وقتی به مرد دیگری سلام می کند که حتماً باید او را بشناسد و یا با همدیگر کاری داشته باشند. و آن زمان که زن با شوهرش به امر کار و تجارت می پردازند که این نشان دهنده افزونی حرص آنها به مسائل دنیوی است.

و آن زمان که قیمت اسبها و زنها بالا می‌رود و سپس پایین می‌آید و کم ارزش می‌شوند. از سنت‌های خوب اسلام، اهمیت دادن به مساجد است، چون مساجد بهترین جایگاه برای تجمع مردم و محل با صفا برای نیایش و راز و نیاز با خداوند است. و در مساجد مراسم وعظ و خطابه و اجرای مراسم مذهبی انجام می‌شود. و جایگاهی برای آشنا شدن با مسائل شرع و احکام است. و مساجد، بهترین کانون برای ارتقاء سطح فرهنگ و امور و مشکلات مردم در تمام زمینه‌ها است. و متأسفانه وقتی که مردم یا مساجد سر و کار نداشته باشند، تمام خوبی‌ها از بین می‌رود. با آن نتایج مفید و مؤثری که در پی دارد، و از مساجد، تنها یک ساختمان بزرگ و دکوری و بلا استفاده باقی می‌ماند و مردم جدا شده از مساجد و برنامه‌های متنوع آن، کم‌کم سرگرم جاهای دیگر و مسائل دنیوی که هوا و هوس‌ها را در روح و جسم انسان رشد می‌دهد و فاصله مردم از دین و آئین هر روز بیشتر می‌شود و نسبت به اعتقادات خود بیگانه می‌شوند و از رفتار و کردار مردم آثار غرب زدگی بیشتر نمایان می‌شود.

دوری از مساجد یعنی غفلت از یاد خدا و نشانه‌های ضعف ایمان و پایبند نبودن به اصول و آداب اسلامی است.

و یکی دیگر از سنت‌های خوب اسلام، سلام کردن به یکدیگر است نه این که به کسی سلام کنی که او را می‌شناسی و یا با او کاری داشته باشی و

این طور نباشد به کسانی که آن‌ها را نمی‌شناسیم سلام نکنیم، آیا می‌دانید که سلام سلامتی است یعنی سرآغاز خوبی‌ها و کلید اول مهربانی‌ها است، آن را پاس بداریم و سلام کردن نوعی ابراز محبت به همدیگر است، و بهترین راه برای تبادل احترام متقابل بین مردم سلام کردن است، سلام نشانه معرفت و شعور انسان‌هاست که با سلام کردن در واقع به همدیگر ارج می‌نهیم و اگر این احساس انسانی و اسلامی در کار نباشد، انبوه مردم از کنار یکدیگر می‌گذرند، نه احترام و نه اعتنا و همه نسبت به یکدیگر بیگانه و بی تفاوت هستند، سلام و جواب مایه شکوفایی مهر و محبت بین افراد مردم است، و نباید آن را کم اهمیت بدانیم.

و یکی دیگر از موارد ضعف ایمان مردم، افزایش حرص و طمع و دلبستگی شدید به هوی و هوس‌ها است و برای رسیدن به زندگی اشرافی و متکبرانه، و بالا بردن اسراف در خرج و برج و فخر فروشی بر دیگران، نیاز به تلاش بیشتر برای پیدا کردن پول بیشتر است و زنان، عامل اصلی برای تحریک مردان می‌شوند، لذا آن‌ها به هر نحوی و به هر راهی که ممکن است هر دو برای کسب پول و تجارت اقدام به کار و تلاش می‌کنند تا به خواسته‌های خود برسند و در خود نمائی از دیگران عقب نمانند، و تا بتوانند بین مردم پز بیشتری بدهند بدون در نظر گرفتن آثار بد آن در میان مردم.

و آن زمان که اسب‌های سواری و زنها که قیمت و ارزشی داشتند از ارزش می‌افتند و بی‌قیمت و ارزان می‌شوند. سستی اعتقادات مردم و بی‌اعتنائی به آداب و رسوم اسلامی، فاجعه‌ای است که در تمام ابعاد زندگی مردم، آثار بدی را بر جای می‌گذارد و بقیه موضوع را خود بفهمید.

در آخرالزمان ردائل جایگزین فضائل می‌شود

در آخرالزمان اوضاع مردم کم‌کم تغییر می‌یابد و روشهای اخلاقی ناپسندیده و سنت‌های غلط در میان مردم، رواج می‌یابد و رفتار و کردار اسلامی در میان مردم، کمرنگ می‌شود تا آنجا که اوضاع خراب و فاسد، همه جا را فرا می‌گیرد.

اسلام بذات خود ندارد عیبی

هر عیب که هست در مسلمانی ما است

فرهنگ منحط و مبتذل غرب و کفر جهانی، بقدری توسعه می‌یابد که هر جای دنیا برویم، اوضاع را به یک شکل می‌بینیم، و متأسفانه در میان مسلمانان نیز، آثار غربزدگی و بی‌بند و باری، کم‌کم غلبه می‌کند و کار به آنجا می‌رسد که آئینهای اسلامی در میان مردم، ضعیف می‌شود و آداب و رسوم مردم، بکلی عوض می‌شود مگر عده‌ای کم که افرادی هستند با ایمان و معتقد و پای بند اصول اخلاقی و فرامین الهی میباشند و اینها در میان

جامعه، بسیار کم و نا معلوم می شوند.

پیامبر گرامی که همواره در ارتباط با وحی بود و هر لحظه، فرشته مقرب درگاه خدوند بر او وارد می شوند او خوب میدانند که ما مردم آخرالزمان، چه حال و روزی خواهیم داشت و هر آنچه را که میفرمود بر اساس واقعیت و حقیقت استوار است و عاقلان واقعی آنها که نور الهی در دلهاشان سوسو میزند بهتر میدانند که پیامبر گرامی، سخنی را نمیگوید جز آنکه به او وحی شده، یعنی این آگاهیها از جانب خداوند به او رسیده است و او است که درباره آخرالزمان اینچنین می فرماید.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَيُذْ خُلْنَ هَذَا الدِّينَ عَلَى مَا دَخَلَ عَلَيْهِ اللَّيْلُ

«آنحضرت می فرماید: بر این دین وارد خواهد شد آنچه که بر هر چیز، ظلمات و سیاهی تاریکی شب بر آن وارد می شود».

جاذبه های کاذب و فریبنده موجود در زمان ما همه آنها ظاهراً بعنوان تفریح و سرگرمی و خوشحالی است ولی در باطن، به فساد و تباهی منجر می شود و عاقبت و نتیجه و پایان آن شوم و نادرست است.

البته منظور پیامبر گرامی، دین اسلام است که دستخوش ملعبه عده ای بیخرد قرار میگیرد پس وای بحال ادیان دیگر مثل مسیحیت که چگونه زیر و رو خواهد شد.

آنچنان انحرافات و بدعتها در اعتقادات مردم رخنه می کند و آنقدر

حذف گوشه به گوشه و ذره ذره از این دین، صورت میگیرد که پس از دهها سال، می بینیم که تمام اصول و اجزاء آن از بین می رود و کفر و فساد و سنتهای غلط جایگزین می شود همانگونه که غروب، کم کم روشنائی روز، کم رنگتر می شود و سپس تاریکی و سیاهی شب همه جا را می پوشاند و آثار اسلام و فضائل اخلاقی در میان مردم زدوده می شود و نشانه های آن سست و کم جلوه می گردد و بترتیب بجای حق و حقیقت و درستی و هدایت، کجی و انحراف در تمام رفتار و کردار مردم نمایان خواهد شد.

﴿ زیاد شدن اراذل و اوباش در آخرالزمان ﴾

از تمام احادیثی که در رابطه با آخرالزمان از پیامبر گرامی و امامان ما نقل شده، در مجموع اینرا بما می فهماند که در آخرالزمان، بیشتر مردم، بد می شوند و رفتار و کردار درستی ندارند، و آن عده هم که خوبند واقعاً کم هستند و هیچگونه سازشی با افراد بد ندارند.

مردم خوب و با ایمان در اقلیت هستند و در میان مردم پخش می باشند لذا از وحدت و دلگرمی همدیگر بدورند و هر کس در هر جایی که هست احساس غربت و تنهایی می کند، پس افراد خوشبخت در این جامعه چه کسانی هستند؟

عن رسول الله: یأتی علی الناس زمان یكون اسعد الناس بالدنیا،

لکع ابن لکع. (۱)

«پیامبر گرامی فرمودند: ای مردم بدانید که زمانی فرامیرسد خوشبخت‌ترین افراد مردم در این دنیا، کسی است که معلوم نیست پدر او کیست و از چه کسی بعمل آمده است».

اینگونه افراد بیقین که مهره ناسالمی در جامعه میباشند چون نه به خانواده‌ای تکیه دارند و نه به قومیت و ملیت معتقدند و نه به فرهنگ و استقلال، اهمیت می‌دهند و نه رگ غیرت دینی دارند و نه عرق ملی و نه به اصول اخلاقی معتقد و پای‌بندند و به هیچ چیزی وابسته نیستند یعنی افرادی هستند که سر تا سر وجودشان بی اهمیتی و بی بند و باری است و معمولاً اینگونه افراد در جامعه‌ای که بی بند و باری در آن حاکم باشد خیلی راحت‌تر از بقیه زندگی می‌کنند و هر کاری حاضرند انجام دهند و به هر جرم و جنایتی حاضرند تن دهند و هر گناه و معصیتی را انجام میدهند، و اینگونه افراد در جامعه، بسیار جسور و بی باک می‌باشند چون واهمه و ترس برای آبرو و حیثیت ندارند، البته مخفی‌نماند که در اینگونه افراد، آدمهای خوبی در میان آنها دیده شده ولی غالباً می‌بینیم که اکثراً افراد نادرستی هستند، و اتفاقاً در خیلی از کشورها تحقیقاتی بعمل آمده، ایستکه بیشتر افرادی که جنایت می‌کنند و افرادی که در فیلمهای نامناسب

بازی می‌کنند و افراد شرور و خائنی که خلفای سیاسی، وطن‌فروشی و برپاکننده مشکلات و بروز جنگها مرتکب می‌شوند، آنها از نعمت خانواده، محرومند و اصل و نسب آنها معلوم و مشخص نیست و از دوران طفولیت تا بزرگ شدن، از کانون گرم و پر مهر و محبت خانواده، بهره‌ای نبرده‌اند و اینها هرچه که بیاد دارند بد رفتاری و خشونت بوده، و روز و شب را در کنج تنهایی و جدائی و بریدگی از کانون گرم و صمیمی و پر مهر و محبت خانواده گذارنده‌اند و اینگونه افراد، وضعیت و شرایط خاصی دارند که درد و رنج بی‌مهری و بی‌هویتی، همواره روح آنها را می‌آزارد و امان از وقتی که اینها بزرگ شوند و کاره‌ای بشوند.

در آخرالزمان بر اثر ترویج فساد و فحشا و بی‌بند و باری در اغلب کشورها، شرایط بدی بوجود می‌آید که یکی از آنها افزایش روز افزون تعداد بچه‌های پرورشگاهی و افرادی که فاقد پدر و خانواده‌اند.

از یک زن ۲۲ ساله که با سربازان آمریکائی در جنگ عراق شرکت کرده بود پرسیدند که چند وقت است اینجا در عراق مشغول بکارهای خدماتی در ارتش هستی؟

- گفت پنج ماه است - سپس از او پرسیدند که پس از این مدت طولانی، برای خانواده‌ات، دل تنگ نشده‌ای؟ - یک مقدار مکث کرد و آهی کشید و گفت من خانواده‌ای ندارم و اینجا مشغول و سرگرم هستم.

و دوباره از او پرسیدند: مگر در آمریکا که اینهمه سرگرمیهای متنوعی دارد، چگونه اینجا مانده‌ای و دلت اینجا خوش است؟ - گفت از سرگرمی‌هایی که در آمریکا هست، خسته شده‌ام چون همه‌اش یکجور است و به یک چیز که فساد است ختم می‌شود ولی اینجا صحنه‌های جنگ و نبرد است و خیلی چیزها وجود دارد که دلم به آن خوش است، و این نشاندهنده روحیه اینگونه افراد است.

آمریکاییها در جنگ عراق از تلفات افراد خود تا آنجا که توانستند آمارش را کم گفتند و از طرفی دیگر، از تشییع جنازه‌های کشته‌ها و انجام مراسم برای جوانان خود در آمریکا، خیلی هم خبری نبود، و آیا مگر این افراد، خانواده، پدر و مادر ندارند؟

بله در آمریکا آنقدر از این آدمها زیادند که بدرد امروز استعمارگرها می‌خورد و اینها همچون خرهایی هستند که بدرد گاریهایی می‌خورند که صهیونیستها بر آن سوارند و برای منافع خود به این سو و آن سو می‌تازند. بر خلاف ایران اسلامی، می‌بینیم وقتی که یک جوان، شهید می‌شود، مردم با احترام خاصی برای مراسم پرشکوه تشییع و تدفین و ختمها و یادبودهای او، فعالانه شرکت می‌کنند و این شهید، سند پر افتخاری برای خانواده‌اش محسوب می‌شود که تا سالیان سال، بخاطر نسبت داشتن با این شهید، افتخار می‌کنند و آرامگاهش تا سالها مورد زیارت و نثار گل و گلاب

می‌شود و برای شادی روحش دعا می‌کنند بر خلاف افرادی که آن‌وضع را دارند می‌بینیم که شهردای جنازه او را بخاک می‌سپارد و در همین حد، کار تمام می‌شود.

بله فرق دین و بیدینی اینست آدم متدین، مرده‌اش هم عزیز و مورد احترام قرار می‌گیرد، چون دین به انسان عزت می‌دهد و انسان در پرتو دین، شرافت و آبرو دارد، در دینداری سعادت‌ی است که نصیب اهل دیانت می‌شود.

﴿ افزایش نفرت عمومی در میان مردم آخرالزمان ﴾

وضع مردم آخرالزمان بجائی میرسد که همه از همدیگر نفرت دارند چون مشکلات و برخوردهای ناجور، باعث می‌شود تا مردم، وضع خوبی نخواهند داشت.

در میان خویشاوندان و همسایگان و همچنین در امور اداری و دولتی، و در معاملات و در کوچه و خیابان و بازار و پارک‌ها و مجالس عمومی و... مردم با صحنه بد و آزاد دهنده روحی و جسمی مواجه می‌شوند.

و خلاصه اینکه در همه جا، اطمینان و آرامش از میان آنها سلب می‌شود و برخوردهای مردم خالی از مهر و محبت است و نسبت به همدیگر بی‌عاطفه می‌شوند و روابط آنها بر اساس وجدان و ایمان نیست.

لا يكون هذا الامر الذي تنتظرون حتى يبر أعضكم من بعض، و
يلعن بعضكم بعضاً، و يتغل بعضكم في وجه بعض، و حتى يشهد
بعضكم بالكفر على بعض.

قلت: ما في ذلك من خير؟

قال: الخير كله في ذلك، عند ذلك يقوم قائمنا فيرفع ذلك
كله. (۱)

از حضرت علی علیه السلام نقل شده که فرمودند: وضعیت آخرالزمان که مردم
با ایمان به انتظار ظهور حضرت مهدی هستند بگونه‌ای می‌شود که اغلب
مردم یکی از دیگر، دوری می‌جویند و از همدیگر نفرت خواهند داشت، و
بعضی‌ها بعضی دیگر را دشنام می‌دهند، و نفرت از همدیگر، بقدری زیاد
می‌شود که آب دهان بروی همدیگر می‌اندازند، تا آنحد که یکی بر دیگر
شهادت می‌دهند که او بیدین و کافر است.

و سپس به آنحضرت گفتم که اینوضع، بی‌فایده است و خیر و خوبی در
آن نیست.

آنحضرت در جواب فرمودند: چرا که خیر نزدیک به آن است چون
حضرت قائم آل محمد، در آنزمانی که وضع اینچنین می‌شود، او ظهور
می‌کند و این نفرت عمومی را از بین می‌برد و مهر و محبت و عاطفه را در

میان مردم میگستراند».

مردم در آخرالزمان بقدری نسبت بهمدیگر بد بین و بی اعتماد می شوند، که گوئی از همدیگر متنفر و سیر و بیزارند و بأشکال و دلائل مختلف، دیگر کسی مشتاق دیگری نیست و الفتها از بین می روند، و جو آنروز بگونه ای است که مردم، نسبت به همدیگر، حُسن نیت نخواهند داشت و خاطره های بد و ناپسندیده و ناجور، بقدری در میان مردم زیاد می شود که دیگر احساس عاطفه و خوشبینی و اطمینان و اعتماد در میان مردم از بین میرود.

بی رونق شدن رحم و عاطفه در آخرالزمان

یکی از نشانه هائی که آدمها را همچون فرشته مهربان، نشان می دهد رحم و انصاف است ولی متأسفانه در آخرالزمان وضع، برعکس می شود. یکی از نشانه های وضع بیشتر مردم در آخرالزمان این است که وجدان و عاطفه در رفتار و کردار مردم، بسیار کم رنگ می شود و در برخورد هایشان با همدیگر از محبت و عاطفه خبری نیست و در تمام زمینه ها، خشونت و سنگدلی آشکار است و یکی از دلائل صحت گفتار ما، آنست که می بینیم حتی در تلویزیون و مجلات و سینما، هر چه هست خشونت و کشتار و بی تربیتی است و بیشترین بد آموزی را در جامعه رواج می دهد و متأسفانه،

وضع مردم بجائی رسیده که از بچه‌ها گرفته تا بزرگترها، روی فیلمهای کشتار و خشونت، علاقه بیشتری نشان می‌دهند.

عن النبی ﷺ: یاتی علی الناس زمان یکون الناس فیه ذئاباً، فمن لم یکن ذئباً اکلته الذئاب. (۱)

پیامبر گرامی می‌فرماید روزی فرا میرسد که مردم در آخرالزمان، همه گرگ خو می‌شوند، در آن زمان هر که گرگ نباشد گرکها او را می‌خورند. یعنی کار بیرحمی بجائی میرسد که مردم نسبت بهمدیگر، رفتار خوبی ندارند و هرچه هست زرنگی و منافع است.

یکی از عوامل قساوت و بیرحمی، ضعف ایمان مردم است چون ایمان، آفریننده اخلاق و مهربانی است و از نشانه‌های اصلی ایمان، محبت و عاطفه و برخورد‌های خداپسند است که در تمام رفتار و کردار مردم با ایمان، صفا و صمیمیت و دلگرمی نمایان است ولی وقتی که ایمان به کنار رفت و ریشه‌های آن از دل و روح مردم کنده شد بی دینی و کفر، جایگزین آن می‌شود، وقتی که مردم پای بند به اصول دین و اعتقادات نباشند آنوقت به حلال و حرام و خوب و بد و صغیر و کبیر، اعتنائی نمی‌شود تنها چیزی که میماند مصالح و منافع شخصی است و هوی و هوس و بی بند و باری در میان آنها رواج می‌یابد و آنگاه می‌بینیم که همواره بر بدبختیهای جامعه

افزوده می‌شود و فرهنگ خوب اصیل انسانی و سنتهای شرافتمندانه و مردانگی و غیرت، میان مردم از بین می‌رود و بدبختی اینجا است که دنیا امروز اینطور می‌پسندد و هر جا که برویم وضع بدتر است و دیگر، مردانگی و شهامت و شرافت، چیزی دیده نمی‌شود لذا مردم بخاطر منافع دلخواهی که بر پایه هوی و هوسها است استوار می‌باشد.

همه آنها خشن و کم عاطفه می‌شوند و نسبت بهمدیگر، هیچگونه وفا و صفائی ندارند.

خلق و خوی گرگ بدترین شیوه‌ای است که در میان حیوانات دیده می‌شود و ای بحال آنوقت که انسانهایی که زمانی اشرف مخلوقات و بهترین موجودات روی زمین بودند گرگ صفت شوند آنوقت است که خدا رحم کند و دیگر هیچکس به کسی خوبی نمی‌کند و نگاه با محبت ندارد و همه بهمدیگر بی اعتماد می‌شوند برای همین هم هست که هر روز جنایتها بیشتر می‌شوند و عده جنایتکارها افزایش می‌یابد برای همین می‌بینیم که هر روز، محاکم و دادگاههای جنائی بیشتر می‌شود و صفهای آن شلوغ‌تر می‌گردد.

۴۴ رواج بیدینی در آخرالزمان

وقتی که ایمان نباشد و مردم به اصول اعتقادی و اخلاقی معتقد

نباشند، تمام فرامین الهی در بین آنها بی رونق و کم جلوه نمایان می شود و مردم در مسائل دنیائی و هوی و هوسها سرگرم خواهند شد و دیگر کسی به دین و دینداری اعتنائی نمی کند و سستی اعتقادات دینی از رفتار و کردار مردم بخوبی جلوه گر می شود.

عن جابر ابن عبدالله قال: سمعت رسول الله ﷺ يقول: لا تقوم الساعة حتى لا يقال و في الارض الله الله. (۱)

«جابر ابن عبدالله انصاری یکی از یاران پیامبر گرامی است میگوید: شنیدم رسول خدا ﷺ میفرمود که هنگام ظهور، فرا نمیرسد تا اینکه همه جا، نام مبارک الله الله کم گفته و شنیده می شود.»

کلام پیامبر گرامی به این معنا است که در آخرالزمان، بیشتر مردم بی اعتقاد می شوند و افراد با ایمان، بقدری کم می شوند که در لابلای مردم، نا مشخص و ناپیدایند.

و اکنون می بینیم که در جوامع بین المللی، آثار اعتقادی مردم، بسیار ضعیف شده و چه بسا در آینده نیز، وضع از این بدتر خواهد شد.

تمام رسانه های گروهی جهان، مثل رادیو و تلویزیون و روزنامه و مجلات و محل تجمعات، همه و همه بر تخریب معتقدات دینی، بشیوه های مختلف، تبلیغ و تشویق می کنند و بیدینی در همه جا بخوبی

آشکار و در حال رواج است و هر روز بیشتر از روز گذشته، کفر و فساد در حال گسترش است و دیگر صحبت از خدا و پیغمبر و قرآن، در میان مردم کمتر می‌شود، ولی بحمد الله کشور اسلامی ما مستثنای از بقیه کشورها است و هنوز هم، مردم با ایمان در آن بسیارند و تبلیغات هرچه هست، همسو با گسترش دین و مسائل اخلاق است و پای بندی مردم به اعتقادات خود، هنوز استوار است و اکنون وظیفه فرد فرد مردم، اینست که هر کس بتجوی در امر احیای دین بکوشند تا به سرنوشت مردم کشورهای دیگر که در زیر سلطه و اهداف شوم تبلیغات صهیونیسم قرار دارند گرفتار نشوند.

دوری و جدایی مردم از اسلام در آخرالزمان

امام صادق علیه السلام از حضرت مهدی علیه السلام و از احوالات دوره آخرالزمان سخن میگفت، یکنفر که خیلی متعجب شده بود برخواست و سؤالاتی چند از آنحضرت پرسید، یکی از آنها این بود.

قال: سألته عن سيرة المهدي كيف سيرته؟

قال: يصنع ما صنع رسول الله صلى الله عليه وآله، يهدم ما كان قبله، كما هدم

رسول الله امر الجاهلية ويستأنف الاسلام جديداً. (۱)

«از امام صادق علیه السلام پرسیدم که رفتار و روش حضرت مهدی چگونه

است؟

آنحضرت فرمودند همانگونه که پیامبر گرامی رفتار نمود او همانطور عمل می‌کند و تمام شیوه و رفتار مردم گذشته را در هم فرو میریزد و حضرت مهدی علیه السلام را از نو پیا می‌کند.

یعنی آنقدر مردم آخرالزمان از اسلام فاصله می‌گیرند و از آداب و رسوم اسلامی، دور و نا آشنا می‌شوند که جز نام اسلام، چیزی دیگر باقی نمی‌ماند و مردم آنچنان از مسائل اسلام و محتوای این دین الهی، بیخبر و نا آگاه می‌شوند و از این فرامین الهی اسلام، چیزی نمی‌دانند، وقتی که آنحضرت ظهور می‌کند، اسلام واقعی را پیاده می‌کند و مردم با آئین الهی اسلام، آشنا می‌شوند و در واقع، مردم اسلام نوینی را می‌بینند که برخلاف تصورات قبلی آنها خواهد بود.

همانگونه که پیامبر گرامی وقتی دین اسلام را آشکار کرد تمام آداب و رسوم عصر جاهلی را در هم فروریخت و همه آنها را ریشه کن نمود و از صحنه اجتماع بر انداخت، امام زمان نیز در عصری ظهور می‌کند که بدترین رسم و رسوماتی در میان مردم رواج یافته و آنحضرت با ظهورش تمامی آن شیوه‌های رایج را از بین میبرد و زمین را از لوث فساد و مفسدان پاک و مطهر می‌کند.

﴿ دورویی مردم در آخرالزمان ﴾

وقتی که بیک نفر نگاه میکنی، می بینی که ظاهرش چه آدم خوبی است ولی با یک برخورد در جایی دیگر، میفهمی که او چه آدم بدی است و چه جانور خطرناکی است.

عن النبی ﷺ یأتی علی الناس زمان وجوه الادمیین و قلوبهم قلوب الشیاطین

پیامبر گرامی درباره اوضاع مردم آخرالزمان اینچنین می فرماید: روزی بر مردم فرامیرسد که روی آنها همچون صورت آدمیان است ولی دلهای آنها همچون دلهای شیطانی است.

روی نیک و زیبا خیلی شرط نیست اصل، قلب و نیت و نظر انسان است که تا چه باشد و انسان هم که علم غیب ندارد، چون کسی با چهره‌ای خوب و روئی خندان با شما برخورد می کند و برخورد او با شما بگونه‌ای است که فکر میکنی او چقدر آدم خوبی است ولی نمیدانی که در دلش چه نیتی است و چه خواب بدی برای شما دیده، و چه قصد شومی برای شما دارد و چه بسا او میخواهد شما را به خاکستر سیاه بنشانند اما ظاهرش اینرا نشان نمیدهد.

دوروزمونه بدی شده، از یکفرد بگیر تا دولتمردان و سیاستمداران بزرگ و سیاستمداران و حاکمان معروف، همه و همه نیرنگ باز شده‌اند و

نمی‌توانند درست و صاف باشند.

انگار مردم نمی‌توانند یک شکل و یک رنگ باشند و این نشانه‌دهندهٔ اینست که وجود آنها پر از غل و غش است چون خواسته‌ای و هدفی دارند که با دغلكاری بدست می‌آید، و آنچه‌یزی را که در نیت خود دارند از راه و جدائی و قانونی و شرعی به آن نمی‌رسد و باید و جدان و دین را کنار بگذارند تا به هدف نا مشروع و ناروای خود برسند حالا اگر طرف مقابل، بیچاره و بی‌آبرو شد شد مسئله‌ای نیست.

حالا چرا مردم اینطور شده‌اند؟ همه‌اش بخاطر بی‌ایمانی و از خدا ترسیدن است چون یکفرد با ایمان از راه درست با مردم رفتار می‌کند و همواره خدا و قبر و قیامت را در نظر دارد و روی همین حساب، جرأت نمی‌کند خلاقی را انجام دهد و اگر یک خطای کوچکی انجام دهد وجدانش بعذاب است و تا جبران نکند آرام نمی‌شود.

پس اینطور که پیدا است بیشتر مردم در آخرالزمان، پشت و رو خواهند داشت یعنی مردم آنزمان دو رو هستند، یعنی در کارهایشان با همدیگر صداقت ندارند.

سستی اعتقاد مردم در آخرالزمان

سستی اعتقاد هم حد و حدودی دارد ولی امان از آنوقت که انسان

بجائی برسد که هیچ اعتقادی نداشته باشد جز هوی و هوس و...

عن النبی ﷺ قال لا تقوم الساعة حتی لا یقال فی الارض الله الله (۱)

«پیامبرگرامی فرمودند: وضع مردم در آخرت الزمان بگونه‌ای می‌شود

که هیچکس روی زمین، خدا خدا نمی‌گوید».

یعنی مردم آنقدر بی اعتقاد و بی ایمان می‌شوند که دیگر، نام خدا را

نمی‌برند یعنی نام خدا از زبان کسی شنیده نمی‌شود.

در آخرالزمان تنها چیزی که رواج می‌یابد، بی دینی است و کامل شدن

وضعیت فاسد در جامعه به بیدینی ختم می‌شود و بیدینی، نتیجه کار آنها

است.

بهترین راه برای دشمن استعمارگر برای رخنه به کشورها و به اجرا

درآمدن مقاصد شوم آنها در میان مردم جامعه ما و کشورهای دیگر، از راه

توسعه بی بند و باری و زیاد شدن فساد است و متأسفانه اکنون می‌بینیم

کشورهائی در آن فساد و فحشاء بیشتر است بهمان اندازه، بیدینی در میان

آنها بیشتر است و جهانخواران صهیونیزم در آنجا بیشتر نفوذ کرده‌اند و در

آنجا تشکیلات نفوذی آنها بطور علنی و رسمی شده است و بعد از این بر

سر آنها چه می‌آید خدا میداند؟

پس با اینوضع، برادر و خواهر عزیزم، خوب دقت کنیم و مواظب رفتار

و کردار خود باشیم تا مبادا خدای ناکرده، مرتکب گناهان ریز و درشتی نشویم که نتیجه بدی برای جامعه ما داشته باشد و عامل توسعه بدیها در دیگران منجر شود، یعنی آنها که به پی بند و باری اهمیت نمی دهند در واقع به رواج و گسترش بیدینی کمک مؤثری می کنند پس روی رفتار و کردارمان حساب کنیم و هر چیزی را دست کم نگیریم و عاقبت و پایان و نتیجه آنرا در مدنظر قرار دهیم چون همه چیزها بهمدیگر ربط دارند و چیزی از چیز دیگر، جدا نیست و کلیه روابط نسبت بهمدیگر، علت و معلول همدیگرند. اگر امروز شل بجنبیم و اعتنا نکنیم فردا و آینده دیر است چون با مشکلات و گسترش فساد بیشتری مواجه خواهیم شد آنوقت گناهِش به گردن من و شما خواهد بود، و امیدوارم که من و شما در پایه ریزی خرابیهای اخلاقی میان مردم و آینده، سهمی نداشته باشیم.

﴿ خوار بودن افراد با ایمان در آخرالزمان ﴾

افراد با ایمان در نزد خداوند بهترین مقام را دارند و در قرآن مجید همواره از ارزش و گرامی بودنشان در نزد خداوند، تعریف و توصیف بسیاری شده است و اگر عده‌ای از یک فرد با ایمان، نفرت داشتند این ملاک نیست و هیچ اعتباری ندارد اصل، خدا است که بنده خوب خود را دوست داشته باشد.

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَكُونُ فِيهِمْ جِيْفَةٌ حَمَارٌ أَحَبُّ إِلَيْهِمْ مِنْ مُؤْمِنٍ يَا
مَرْهَمٍ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ

پیامبر گرامی دربارهٔ اوضاع مردم آخرالزمان می‌فرماید: زمانی بر مردم
فرا میرسد که بوی گندیدهٔ لاشهٔ خر مرده‌ای در نزد آنها از یک فرد با ایمانی
بہتر است که آنها را امر بمعروف و نهی از منکر می‌کند.

امر بمعروف یعنی نصیحت و ارشاد مردم به کارهایی که خیر و صلاح
آنها در این کار است و راهنمایی مردم به حفظ ارزشهای اخلاقی و مسائلی
که باعث تقویت ایمان مردم می‌شود به این کار، امر بمعروف می‌گویند یعنی
هدایت و راهنمایی مردم به کارهای خوب و پسندیده.

پند و نصیحت و راهنمایی مردم از اینکه مرتکب خلاف و گناه و
معصیتی نشوند که باعث ترویج و زیاد شدن فساد است به این کار، نهی از
منکر می‌گویند.

در آخرالزمان الگوهای رایج مردم عوض می‌شود، یا اینکه بہتر
بگویم، کارها بر عکس می‌شود یعنی اگر باحجاب و با عفت باشی و در
کوچه و خیابان و پارک و مراسم و مجالس، خیلی مؤدب و بی‌ادا و اطفار
باشی دیگران بتو اینطور نگاه می‌کنند که تو فردی هستی قدیمی و بی
کلاس و عقب افتاده و بی‌حال و امل می‌باشی، ولی اگر کسی اصلاً مراعات
ادب و حجاب نکند و چیزی بعنوان شرم و حیا و عفت در رفتار و کردارش

مشاهده نشود و ادا و اطفارش بقدری است که همه را بسوی خود جلب کند آنوقت او را خیلی با کلاس و امروزی بحساب می‌آورند یعنی اگر سرتاپایش، مد و قروفر باشد دیگه بهتر و او را با کلاس و مدل بالا نگاه می‌کنند.

نه تنها درباره دختر خانمها و زنان این مصداق دارد بلکه در مردان و بخصوص جوانها همین حکم را دارد، جوانی را می‌بینی که با آرایشهای جورواجور با قروفرها و لباس‌های تنگ و چسبیده به بدن و رنگارنگ و با عکسهای ناپسندیده باعث جلب نگاه دیگران می‌شود وقتی که به او نگاه کنیم می‌بینیم که او مرد است ولی تمام سعی و تلاشش این بوده که خود را زن، نشان دهد و این واقعاً مایه تأسف است.

روی همین حساب اگر کسی به آن زن و یا به آن مرد بگوید خواهرم برادرم این کار شما درست نیست و اینطور باشی بهتر است، طرف مقابل فوراً ناراحت و عصبانی می‌شود و با حرفهای رکیک و ناشایسته به او بر میگردد.

خلاصه باز هم شکر خدا که مردم مملکت ما از مردمان جاهای دیگر، خیلی بهتر هستند مردهای ما بتمام معنی مرد هستند و زنهای ما بتمام معنی شیرزن هستند و الحمد لله هنوز غیرت و حیا و حجاب و مردانگی وجود دارد.

پس امر بمعروف، نصیحت کننده سرزنش می شود و نهی کننده از منکر و بدیها و کجروی و انحراف، توبیخ می شود.

خیلی واضحتر بگویم که در آخرالزمان فضائل اخلاقی از بین می رود و بجای آن، رذائل اخلاقی رواج می یابد، به این معنا است که بجای فضائل، رذائل فضیلت می شود یعنی بجای خوبیها، بدیها جایگزین و رسم و مد می شود.

﴿ بدبختی، شامل حال مسلمانان هم می شود ﴾

سستی اعتقاد و ضعف ایمان مردم، کار را به جایی می رساند که خیلی چیزها را انکار می کنند و مردم با هر فکری که با هوی و هوس آنها مطابق و موافق باشد می پسندند و هر چه که با افکار نادرست و غلط آنها، جور نباشد آنرا خلاف عقل و تمدن میدانند.

لذا بهانه گیری و ایراد گرفتن های بیمورد و نا بجا از آنها، همواره شنیده می شود و متأسفانه افرادی دیده می شود که به اصطلاح، مسلمانند آنها نیز تحت تأثیر همین وضعیت قرار می گیرند و در تمام رفتار و کردارشان، نشانه هایی از انضباط اسلامی در آنها دیده نمی شود و ظاهر و باطن آنها، رنگ و بوی مسلمانی ندارد.

عن ابی جعفر علیه السلام قال: عذاب ینزل فی آخرالزمان علی فسقة اهل القبلة،

و هم یجحدون نزول العذاب.

«در آخرالزمان عذاب نازل می شود بر مردم فاسق که باصطلاح مسلمانند و روبه قبله می ایستند، آنها انکار می کنند نزول عذاب را». خداوند هیچگاه ظلم را بر بندگان خود روا نمی دارد مگر اینکه مردم با وضعی که در آنها بوجود می آید استحقاق نزول عذاب را می یابند. نزول عذابهای گوناگون، نه تنها از آسمان و از سوی خداوند نازل می شود، بلکه بیشتر عذابها و بدبختیها که دامنگیر مردم می شود از خود مردم است و آنها هستند که مشکلات و سختی و بدبختی و جنگ و شر برای همدیگر بوجود می آورند.

﴿ در آخرالزمان، اشرار حاکم می شوند ﴾

در آخرالزمان، شرورترین و بیرحم ترین افراد بر دنیا حکومت می کنند و طبعاً اینگونه افراد حاکم، زورگو و بیخرد و زمینه ساز شر و خطرند و بر اثر سیاستها و خواسته های نادرست آنها، دنیا در معرض جنگ و مشکلات قرار میدهند.

عن جابر ابن عبدالله عن النبی ﷺ قال: لا تقوم الساعة الا على شرار الناس. (۱)

«از جابر بن عبدالله نقل شده که پیامبر گرامی فرمودند: برپا نمی‌شود زمینه‌های ظهور حجت خدا حضرت قائم علیه السلام، تا اینکه دنیا در دست شرورترین افراد مردم قرار بگیرد».

در آخرالزمان وضعیت‌های مختلفی پدید می‌آید که هر کدام آنها، یکی از نشانه‌های آن زمان است.

از نشانه‌های اصلی آخرالزمان، اینست که فتنه و جنگ و آشوب، همه جا را فرا می‌گیرد، چونکه دنیا در دست شروران فتنه ساز و آشوبگر قرار می‌گیرد و امروز، نمونه‌هایی از آنها در اینجا و آنجا می‌بینیم که بزور و قلدری، جنگ و آشوب راه می‌اندازند و با اهداف و نیت‌های شوم و شعارهای دروغین، برای مردم نواحی مختلف، توطئه و گرفتاریهایی تحمیل می‌کنند و همانطور که میدانیم، کانونهای بحران، همواره در حال افزایش است و امن‌ترین جا در این زمان، به اندک جرقه‌ای، به نا امن‌ترین نقطه تبدیل می‌شود و در واقع، مردم تمام کشورها در معرض خطر حتمی، قرار دارند و هیچکس نمیتواند تضمین کند که در فردا و هفته‌ها و ماهها و سالهای آینده، وضعیت چگونه خواهد شد؟

و امروز می‌بینیم که ابرقدرتهایی شرور با تکیه به انبوه سلاحهای پیشرفته خود، برای ملتها، خط و نشان میکشند، و در بعضی جاها قصد دارند، جغرافیای آن مناطق را بر هم زنند و میخواهند کشورها را تقسیم

کنند و یا استعمار و استثمار ملتها به شیوه‌های نوین، سلطه‌گری کنند و همواره گرداب خطر و بلا برای مردم، در حال افزایش است و خلاصه اینکه هیچکس، نمیتواند از خود دفاع کند، مگر اینکه خداوند عنایت و فرج کند و با قدرتش، این شروران کافر و ستمگر را نابود و ریشه کن کند و فرستاده خود، حضرت بقیه الله و حجت او را بفرستد تا بداد مردم برسد و دنیا را پر از عدل و داد کند.

حوادث جاری در زمان ما، یکا یک آنها در واقع، بیانگر حقیقت یافتن پیش بینی پیشوایان ما است که همواره از زیاد شدن ظلم و کفر و فساد در آخرالزمان، چه سخنهاى بسیاری را بازگو نموده‌اند.

عده‌ای از اشرار امت من

عده‌ای از آدمها در آخرالزمان، از دوران طفولیت در وفور نعمت و رفاه بزرگ شده‌اند و بنحوی عادت کرده‌اند که تمام هم و غم آنها شکم است و خوردن، اینگونه افراد هیچگاه نمیتوانند بیچاره گان را درک کنند، لذا همیشه با مستکبران همسو می‌شوند، پس بیشتر اینگونه افراد، عاقبت خوبی ندارند و رشد فکری اینها بیشتر به سمت کجی و انحراف، متمایل است و بی بند و باری در تمام رفتار و کردار اینها دیده می‌شود.

قال رسول الله ﷺ: يا اباذرا! سيكون اناس من امتي يولدون فى

النعم و یغذون به، همتهم الوان الطعام و الشراب، و یمدحون بالقول، اولئک شرار امتی. (۱)

«پیامبر گرامی دربارهٔ اوضاع آخرالزمان برای اباذر که یکی از یاران خوب و راستین آنحضرت است، می‌فرماید: ای اباذر در آخرالزمان مردمی خواهند بود که در ناز و نعمت به دنیا می‌آیند و در وفور نعمت‌های گوناگون، عمرشان خواهد گذشت و تمام تلاش و همت آنها شکمچرانی است و فکر و ذکر اینها اینست که بهترین غذاهای جور و اجور بخورند و انواع نوشیدنیها را بنوشند، و تنها با حرف زدن‌های الکی از دیگران خوبی می‌گویند و دیگران نیز از این افراد، تعریفهایی دروغ و عاری از حقیقت را در و صفش می‌گویند، بدانید که اینها اشرازامت من هستند.»

اینگونه افراد برای دیگران هیچ خیری ندارند و تعریف کردن از اینها بیخود است و اگر اینها از دیگران تعریف کنند نیز بیخود است چون کسانی که جز شکم چرانی و هوی و هوس به چیزی نمی‌اندیشند اینها افرادی هستند که از خرد و حکمت بدورند و اگر سالها وضع اینها اینطور باشد، دیگر بدتر، پس اینها آدمهای خوب و مفیدی برای جامعه نمی‌توانند باشند وای به آنوقت، که یکی از این آدمها، زمامدار و فرماندار و رئیس و چیز دیگر بشود، اینها افراد صالح و شایسته‌ای برای مردم و جامعه نمی‌توانند

بوده باشند پس افرادی هستند مشکل ساز و شرور، و از بته همیتها کافر و پندین بعمل میآید.

یکی از بد بختیهای جامعه اینست که افرادی در رأس کارها و امور مردم قرار میگیرند که نا آشنا هستند و از درون و اوضاع مردم طبقات پائین تر و فقیر جامعه بیخبرند و همه چیزها را با دید خود مینگرند و هر چیزی را با میل خود می پسندند، اینگونه افراد نمی توانند حق را به حق دار برسانند.

در آخرالزمان ظالمان بر مردم حکومت می کنند

در حالیکه رسم بر این است که حاکمان و زمامداران شهرها و کشورها برای اداره کردن مردم، وظیفه خدمت و رسیدگی دارند ولی در آخرالزمان، کار بر عکس می شود و آنها تا آنجا که میتوانند عرصه را بر مردم، تلخ و ناگوار می کنند.

پیامبر گرامی در این باره می فرماید یخُلُّ بِأُمَّتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ بِلَاءٌ شَدِيدٌ مِنْ سِلَاطِينِهِمْ، لَمْ يَسْمَعْ بِلَاءٍ أَشَدَّ مِنْهُ، حَتَّى لَا يَجِدَ الرَّجُلُ مَلْجَأً، فَيَبِيعُ اللَّهُ رَجُلٌ مِنْ عَتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا، يَحِبُّهُ سَاكِنُ الْأَرْضِ وَسَاكِنُ السَّمَاءِ، وَيُرْسِلُ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَتَخْرُجُ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا، لَا تَمْسُكُ فِيهَا شَيْئًا. (۱)

«امت من در آخرالزمان، گرفتار بلا و عذابی سخت می‌شوند از دست حاکمان و زمامداران کشورهایشان، بلائی که از آن بلا، کسی سخت‌تر نشنیده است تا آنجا که یکمرد،

چاره و پناهی برای نجات و خلاصی خود نمی‌بیند، آنگاه خداوند، مردی را میفرستد از نوادگان و خاندان من، او قیام می‌کند تا زمین را پر از عدل و داد کند همانطور که ظلم و ستم همه جا را فرا گرفته بود، ساکنان زمین و ساکنان آسمان او را دوست میدارند و در زمانش، آسمان تمام قطرات باران خود را می‌دهد و زمین هرچه برکت دارد بیرون می‌دهد و چیزی را نگه نمی‌دارد».

حاکمانی که بر مردم ستم رو امیدارند آنها دین و ایمان ندارند و هیچگونه اعتقادی جز هوی و هوس و مصالح دنیوی ندارند.

متأسفانه در زمان ما می‌بینیم که حاکمان اکثر کشورها و زمامداران امور مردم در شهرها، عناصری انتخاب می‌شوند که دین و مذهبی نداشته باشند بلکه با اعتقادات و آداب و رسوم مردم، ستیزه‌جویی می‌کنند و در تبلیغ و ترویج فساد و فحشا و گسترش بی‌بندوباری مأموریت دارند.

و متأسفانه در اکثر کشورهای جهان، این وضعیت در حال گسترش است و بعنوان مختلف، هر روز بدتر از روز گذشته، دیکتاتوری و فرامین فاسد را از هر راهی که ممکن است به مردم تحمیل می‌کنند، از مدرسه

ابتدائی گرفته تا دانشگاه، از کوچه و بازار گرفته تا خیابانها و میادین و در هر فرصت و مناسبت و در هر مراسم و در انواع رسانه‌های گروهی، می‌بینیم که مردم را به فساد و فحشا میکشانند و زشت‌ترین صحنه‌ها را برای مردم بنمایش میگذارند.

در ورای قصد اجرای همگانی این برنامه‌های فاسد، اولین چیزی که هدف قرار می‌گیرد از بین بردن سنت ازدواج و سپس قطع نسل آنها است و زوال فرهنگهای گوناگون مردم تمام کشورها است.

اکنون مقر اصلی قدرت جهانی صهیونیسم در امریکا است هر چند که اسرائیل اصل قضیه است ولی برای گمراه کردن مردم امریکا که این کشور بزرگ را در قبضه خود دارند آنها جلو انداخته‌اند تا ماجرای اسرائیلی بودن، احساس نشود و می‌بینیم که امریکا به عناوین مختلف و شیوه‌های گوناگون، در راستای صهیونیسم قدم بر میدارد.

طبیعی است که ما باید درک کنیم و بفهمیم که این کارها با یک هماهنگی و برنامه ریزی منسجم و متحدالشکل است که از جایی آب میخورد و او است که وادار می‌کند تا این وضعیت در همه جا بوجود آید و این قصد شوم، نشأت گرفته از صهیونیسم جهانی است تا نسل مردم را براندازد و عرصه را برای خود، خالی و تنها بماند تا نقشه‌هایی که دارند با مرور دهها سال، بطور صد در صد، همه جا را قبضه کنند و به اهداف شوم

خود برسند.

یکی از فرامین اصلی صهیونیسم اینست که تمامی آداب و رسوم و فضائل اخلاقی مردم تمام ادیان و بخصوص، اسلام و مسیحیت را لوٹ کنند تا از این راه، به اهداف پلید خود برسند و متأسفانه تاکنون توانسته‌اند که بیشتر نقشه‌های خود را عملی کنند و اگر از ایران اسلامی بگذریم، می‌بینیم که اغلب کشورهای جهان، این وضعیت بر آنها حاکم شده است. بطور مثال: می‌بینیم وقتی که عراق بدست آمریکا سقوط می‌کند در کنیسه‌های اسرائیل جشن می‌گیرند با این عنوان که این سرزمین به وطن اصلی خود که اسرائیل بزرگ است ملحق شده، در حالی که حتی یک سرباز یهودی در این جنگ، زخمی نشده و کسی از آنها شرکت نکرده ولی، سران لشکرها و فرماندهی ارتش آمریکا در عراق، همه صهیونیسم هستند و سود سرشار بدست آمده از این کشور و بخصوص منابع نفتی آن، مستقیماً به اسرائیل می‌رود بدون اینکه مردم به اصطلاح آزاد و روشنفکر آمریکا متوجه این قضیه شوند قضیه‌ای که یهودیان، بزرگترین کلاه تاریخ را بر سر مردم آمریکائیان گذاشتند بدون اینکه مردم آمریکا خبردار شوند، چونکه طبق برنامه از قبل تعیین شده، مردم بقدری غرق در فساد و فحشا و هو سرانی هستند و آنها را سرگرم کرده‌اند که اگر هزاران سرباز مسیحی آمریکا فدای مطامع یهود شود، غیرتی وجود ندارد که بجنبد و آب هم از آب تکان

نمیخورد.

ان شاء الله ما هم مهدی علیه السلام را دوست داریم و برای دیدنش انتظار می کشیم همانگونه که فرشتگان آسمان، مهدی را دوست دارند و به انتظار ظهورش می باشند.

﴿ غروب کانون اصلی بحرانهای بین المللی ﴾

این معنا را از این حدیث می فهمیم که در آخرالزمان، غرب ریشه و منشأ تمام مشکلات مردم جهان است.

فتلك السنه فيها اختلاف كثير في كل الارض من ناحية المغرب. (۱)

«در آخرالزمان و بخصوص در سال ظهور حضرت مهدی علیه السلام بتوسط غرب، اختلافات و درگیری و مشکلات در همه جای زمین به اوج میرسد». در آن سال ظهور آنحضرت، سالی است که بحرانهای گوناگون بین المللی به حداکثر میرسد و دامنگیر تمام مردم کشورها خواهد شد و غریبها عامل اصلی فتنه و آشوب و توطئه ها هستند و حوادث نا مطلوب، یکی پس از دیگری شکل می گیرند و می رود تا سبب و زمینه ساز پیدایش یک بحران جهانی خواهد شد و بدون استثنا، زندگی را بر مردم زمین، تلخ و ناگوار

می شود و رعب و وحشت همه جا را فرا میگیرد.

پیامبر گرامی نه تنها به مسلمان خطاب نموده، بلکه بتمام مردم جهان، هشدار و بیدار باش اعلام می کند تا همه هوشیار و آگاه باشند و خوب بدانند که در آخرالزمان، غرب برای مردم جهان، مشکل ساز می شود و سر منشأ تمام اختلافات و درگیریها از غربیها پیا می شود.

و امروز می بینیم که غرب، هر روز بر قدری خود میافزاید و بعناوین مختلف، برای کشورها خط و نشان میکشد و هر روز، چهره واقعی و شوم آنها بیشتر نمایان و مشخص می شود و اینک می بینیم که آنها پرده حیارا دریده اند و از هیچکس و اهمه و باکی ندارند و کانونهای بحران، هر روز در جایی بروز می کند و به لیست سیاه و انبوه بحرانها افزوده می شود و سالهای آینده، قطعاً و حتماً وضع جهان بدتر از این خواهد شد و تا سالی که آنحضرت ظهور می کند در واقع، درگیری و فتنه و آشوب به اوج میرسد و مردم در بدترین شرایط سختی و بد بختیها قرار می گیرند.

غرب، مشکلات و دردسر مردم جهان را بقدری زیاد می کند که چاره ای برای نجات و خلاصی از آن برای هیچکس مقدور نمی باشد مگر آنکه بفرمان خداوند، حضرت مهدی ظهور کند و بداد مردم برسد و آب بر آتش فتنه و جنگ بریزد و اشرار ظالم و یاغیان بیرحم را سرکوب کند و مردم گرفتار و دربند را رهائی بخشد.

شاید مردم قرنهای گذشته، معنای این حدیث را بخوبی درک نمی‌کردند و هیچگاه نمی‌توانستند تصور کنند که چگونه بتوسط غرب، برای مردم جهان، مشکلات ایجاد می‌شود ولی اکنون ما مردم عصر حاضر، می‌بینیم که زمینه‌های اولیه اختلافات جهانی و چند قطبی شدن در حال شکل‌گیری است و این را همه میدانند که اوضاع جهان، هر روز بدتر می‌شود.

آیا فراموش کرده‌ایم که دهها سال پیش، جنگ جهانی اول و دوم را. آیا فراموش کرده‌ایم که دهها سال پیش، همین غریبها با برپائی این جنگهای ویرانگر و خانمانسوز، چه بلائی نبود که بر سر مردم بیچاره آوردند و حتی به چرنده و پرنده و تیر چراغ برق هم رحم نکردند، و متأسفانه حالا که سلاحها، خیلی پیشرفته‌تر و مخربتر شده‌اند کافی است که یک حاکم مست و عربده‌کش، خوابش آشفته شود، و با یک اشاره خود، همه چیز را زیر و رو کند.

در زمانی که چیزی بعنوان استعمار و غرب و صهیونیسم وجود نداشت، و در زمانی که قدرتهای غربی و سلاح‌های گوناگونشان در کار نبود، پیامبر گرامی برای مردم جهان، این ندا را رساند و این پیشگوئی و یا پیش‌بینی را اعلام نمودند و امروزه حقیقت کلام آنحضرت، خیلی واضح و برای همه همانند روز روشن است که غرب و غربزدگی، سر منشأ تمام مشکلات جهانی است.

اکنون من و تو برادر و خواهر عزیزم که در این شرایط بد روزگار قرار داریم باید به وظیفه الهی خود، عمل کنیم و دستخوش هو سبازی‌های ساخته و پرداخته شده غرب نشویم و اوضاع بد زمانه، ما را آلوده و خراب نکند و ایمان خود را قرص و محکم نگهداریم.

عشق به امام زمان و انتظار فرج، یعنی حفظ اسلام است و آرزوی رهایی و نجات همه انسانها و سرکوب مستکبران و جهانخواران بین المللی است و ما باید تا آنجا که می‌توانیم، اسلام که فرامین الهی است از آن مواظبت و محافظت کنیم و برجسته‌ترین شعار عاشقانه عاشقان مهدی و منتظران ظهور آنحضرت، عدالت است و این اعتقاد، همواره دلها را سرشار از نور امید می‌کند.

🌟 تغییر نقشه کشورها و ضعف مردم در آخرالزمان 🌟

اینک بخوبی میدانیم که وضع و نقشه کشورهای امروز با هزار و چهار صد سال پیش، فرق بسیاری دارد و هیچگونه شباهتی با همدیگر ندارند. شاید کسی در آنزمان از این وضعیت، اینچنین پیش بینی نکرده و در خیال کسی، این اندیشه، خطور نکرده است و این پیامبر گرامی است که میفرماید در آخرالزمان، تغییر و تحول در وضع و شرایط کشورها بنحوی است که بر مردم، تلخ و ناگوار شود و عرصه روزگارشان را تیر و تار می‌کند.

عن النبي ﷺ قال اخبرني جبرائيل عليه السلام عن ربه عز و جل: ذلك حين
تغير البلاد و تضعف العباد و الياس من الفرج. (۱)

«از پیامبر گرامی نقل شده است که او فرمودند: حضرت جبرائیل علیه السلام از
قول پروردگار عز و جل، بمن خبر داد که آخرالزمان، آنزمان است که شهرها
و کشورها تغییر یابند و مردم، ضعیف و بی ارزش می شوند و آنگاه است که
از ستم و ظلم بسیار، دیگر آمیدی به گشایش و رهائی و رفع مشکلات و درد
و رنجها نمی بینند و بسیار نا امید می شوند، در آنزمان است که حضرت
قائم علیه السلام در میان آن مردم ستم دیده، ظهور می کند و مردم را از گرفتاریها و
بلاهای گوناگون که گریبانگیرشان شده، آنها را نجات میدهد.

آنزمان که پیامبر گرامی از تغییر و تحول در شهرها و کشورها در
آخرالزمان سخن میگفت همین زمان و سالهای آینده است که هیچگونه
شباهتی به زمان پیامبر ندارد.

و نکته دیگر که از این گفتار آنحضرت دانسته می شود، اینست که سالها
قبل از ظهور حضرت قائم علیه السلام، نقشه کشورها تغییر می یابد و دچار
دگرگونی های ناخواسته می شود در حالی که در قبل از آن، به این وضع
نبوده اند.

و امروز برای نمونه می بینیم که فروپاشی شوروی سابق صورت گرفت و

نقشه خیلی از کشورهای این نواحی، تغییر یافت و بوضعی درآمدند که قبلاً اینچنین نبود و علاوه بر این، در خیلی از نقاط جهان، کشورهایی را می بینیم که بعنوان و علل مختلفی در حال تقسیم و یا بخشی از بخشهای آن در حال تجزیه است و این کار ادامه خواهد داشت و چه بسا در آینده، تحولات جدید و بیشتری در همین زمینه واقع خواهد شد و از همه مهمتر، آنست که آمریکا که بتوسط صهیونیستها اداره می شود و اکنون بر جهان، یکه تازی می کند و در هر جا که فتنه و جنگی بر پا است بیقین که دستهای پنهان و آشکار این ابرقدرت، در آن دیده می شود و از کجا معلوم است که خیلی از کشورها که فعلاً دارای وضع و حال آرامی هستند چه بسا در سالهای آینده، آنها نیز دستخوش تفرقه و تجزیه خواهند شد.

و زمینه های فتنه انگیزی ابرقدرتها در سایر کشورها وجود دارد و اختلافات را همواره دامن میزنند و هر روز بر تضاد بین اقوام و احزاب را بیشتر می کنند، و اوضاع خیلی از کشورها را بنفع خود، نقشه جغرافیائی آنها را بر هم می زنند، و از همه بدتر، آنست که اینروزها زمزمه تقسیم و خورد کردن کشورهای اسلامی و بخصوص، منطقه خاور میانه را بر زبان می آورند و گاه و بیگاه در رسانه های گروهی، سران و حاکمان صهیونیزم آمریکا و اسرائیل، علناً به این موضوع، اشاره می کنند و قصد خود را از این کارها که در آینده انجام خواهند داد اعلام می کنند.

● خوب: دنیائی که به انقسامات و تجزیه‌ها و اختلافها گرفتار شده، آیا در آنصورت، مردم چه حال و روزی خواهند داشت؟

دنیائی که بر اثر خواسته و اراده شوم صهیونیسم و یکه تازی ابرقدرتی چند، مردم کشورها را در اختلافهای ساختگی فرو میبرد و گرفتارشان می‌سازد و هر روز بر مصیبتها و گرفتاری و درد و رنج آنها افزوده خواهد شد، آنگاه مردم ضعیف شده و در حالیکه آنها طعمه و شکاری در چنگال اهریمنان زورگو و بداندیش قرار گرفته‌اند، بیقین که روزگار خوش را از آنها خواهند گرفت و آنچنان مشکلات و گرفتار بخرانهای گوناگون می‌شوند که آسایش مردم جهان از بین می‌رود و مردم بقدری رنجور و در تنگناهای عذاب روحی و جسمی قرار می‌گیرند تا آن حد که دیگر، امیدی برای رهایی و نجات و خلاص شدن باقی نمی‌ماند و دیگر هیچ قدرت و اختیاری نخواهند داشت.

بله آنزمان است که بفرمان خداوند، حضرت مهدی ظهور می‌کند تا ستم و ستمکاران را از صحنه روزگار محو کند و حیاتی دوباره به مردم، نویسد دهد.

در جمله اول و دوم، آنحضرت به تغییرات کشورها و در هم ریختن امنیت اجتماعی و ضعف مردم، اشاره نموده است و ما نباید به وضع امروز نگاه کنیم چون بسا در سالهای آینده اوضاع خیلی از کشورهایی که مردم

آن در رفاه و امنیت و آزادی و استقلال هستند دگرگون خواهد شد و ممکن است با یک حادثه، دچار تغییر و تحول شود و اوضاع آنها بنحوی شود که خواب خوش را از آنها بگیرد و اوضاع آنها بمراتب، بد و نا مطلوب شود چون دموکراسی و آزادی و رفاه و امنیت در زمان ما، هیچ اعتبار و تضمین و قوا می ندارد، آنروز در اروپا آیا چه کسی میدانست که فردا صبح، جنگ جهانی بر افروخته می شود و کار به جایی میرسد که یک تیر چراغ برق سالمی بر جای نماند و ظرف چند روز، شهرها به ویرانه‌ای تبدیل شود.

و اینک سلاحهای مهلک و خطرناک، هر روز با قدرت تخریب بیشتری ساخته می شود و زمامداران بی ایمان و سنگدل را در وسوسه رقابت استعماری برای استثمار و چپاول مردمان نقاط مختلف جهان، همواره خود و دیگران را در وضعیت بدتری قرار میدهند.

با پیشرفت سلاح در جنگ جهانی اول، پنج میلیون انسان کشته شد و سالها بعد، بازهم سلاحها پیشرفته تر شد و باعث شد که جنگ جهانی دوم بر پا شود و پنجاه و پنج میلیون انسان را به هلاکت برساند و آنهمه سرمایه‌ها را از بین ببرد و شهرها را به تپه‌ای از خاکستر تبدیل کند، و اکنون چه کسی میتواند بگوید که در آینده یا همین فردا صبح، جنگی بر پا نمی شود؟ و اگر بر پا شد با اینهمه سلاحهای مدرنتر که قدرت تخریب آنها واقعاً مخوف و هولناک است و بمراتب از سلاحهای پنجاه سال پیش بدتر

است آیا در آنصورت چه مقدار تلفات و نابودی بر سطح زمین پدید می‌آید؟

و هر لحظه ممکن است که با یک جرقه کوچک و بفرمان و اراده یک زمامدار مست و جنایتکار، آتش جنگ را دامنگیر مردم کند و همه جا را در شعله‌های آتش بر افروخته خود، همه را بکام مرگ روانه کند.

و امروز سیاست بازی حاکمان یا بازارفتنه انگیزی زمامداران بیخرد، همواره گرم است و نواختن شیپور جنگ در هر لحظه ممکن است.

آنهاییکه در زمان پیامبر گرامی درباره این وضعیت، این سخنان را از آنحضرت می‌شنیدند شاید بخوبی ما که اکنون داریم می‌بینیم، آنها اینچنین درک و باوری نداشتند و ما حقیقت گفتار پیامبر را در این زمان، در حال مشاهده هستیم.

پس بهوش باشیم و آماده و بیقین بدانیم که خداوند یارویاور صالحان است.

﴿ وای بر امت عرب ﴾

وای بر امت عرب از شر هولناکی که بزودی دامنگیر آنها خواهد شد.
قال النبی: ویل للعرب من شر اقرب.

پیامبر گرامی می‌فرماید: وای بحال مردم عرب در آخرالزمان، از شری

که هر لحظه به آنها نزدیکتر می شود.

آنحضرت ملتهای عرب را هشدار می دهد تا آنها بیدار شوند بشرط اینکه آنها گوش شنوا داشته باشند، ولی من گمان نمیکنم، چون حاکمان آنها افراد بی لیاقتی هستند که ملتهای خود را خوار و ذلیل کرده اند.

و از هم اکنون از اخبار می فهمیم که بلا و توطئه از هر سو، جهان عرب را در حال احاطه شدن است و متأسفانه آنها در خواب غفلت هستند و توطئه های ویرانگر علیها آنها همواره در حال گسترش است و چه بلاها و توطئه های بدتری در آینده برای آنها شکل میگیرد و هر روز که بگذرد، وضع آنها بدتر از روز گذشته می شود و همه اینها نتیجه رابطه نداشتن آنها با امام زمان و اهل بیت عصمت و طهارت می باشد.

﴿ شری که حاکمان عرب را تهدید می کند ﴾

پیامبر کرامی و ائمه معصومین علیهم السلام بخوبی میدانستند که در آخرالزمان، مردم عرب چه حال و روزی خواهند داشت و می دانستند که بر عربها چه طاغوتیان ظالم و بی لیاقت حاکم خواهند شد لذا در این زمینه، پیشگوئیهای بسیاری نموده اند و امروز حقیقت آنرا بخوبی درک میکنیم.

عن ابی عبدالله علیه السلام قال: ویل لطفاة العرب من شر قد اقترب. (۱)

«امام صادق می فرماید: وای بحال طاغوتیان حاکم عرب از شری که به آنها نزدیک می شود».

در زمان ما الحمد لله همه از سیاست و اوضاع و احوال دنیا کم و بیش آگاهند و همچنین خیلی از سیاستمداران و حاکمان را می شناسند و درباره آنها، بخوبی میتوانند قضاوت کنند بخصوص زمامداران کشورها چه آنها که در رأس کارند و چه آنها که بعد از این روی کار می آیند. بخصوص شاهزادگان آنها را، می شناسیم و میدانیم که آنها با مردم و با مصالح مملکت خود، بنحوی عمل می کنند که در راستای اهداف شوم استعمارگران و ابر قدرتها می باشند و بی اعتنا به میهن و ملت خود هستند و اینها برای حکومت کردن و در رأس کار ماندن برای سالهای سال، از هر کاری دریغ نمی کنند و تمامی سیاست آنها بر پایه و اساس زور و زر و تزویر است و برای سرکوب مردم مخالف خود، چه جنایتها که انجام نمی دهند و بهترین مثال برای سخنان ما، سرنگونی و عاقبت صدام را دیدیم که این نامرد شوم و جنایتکار، در بدترین شرایط بساط حکومتش بر چیده شد بنحوی که توأم با فروپاشی عراق و ایجاد نابسامانی در وضع مردم شد که تا سالیان سال، منافع آمریکا ایجاب می کند اینطور باقی خواهد ماند.

امام صادق پیش بینی می کند که در آخرالزمان، سرنوشت بدی در انتظار طاغوتیان حاکم عرب هست، و جالب اینجا است که هر روز می بینیم

و می شنویم که یکی دیگر از کشورهای عربی، حاکم آن مورد تهدید داخلی و یا خارجی قرار میگیرد و می شنویم که قرار بر این است آن حاکم عرب و رژیمش را سرنگون سازند و طبعاً فروپاشی آنها در بدترین شرایط انجام می شود و چه عاقبت شوم و تلخی در انتظار بیشتر طاغوتیان حاکم بر ممالک عرب است.

حتی آنهائیکه یک عمر به خارج و ابرقدرتها وابسته بودند و گوش فرمان و حلقه بگوش و مطیع او امر آنها بودند آنها نیز در امان نخواهند بود و بالاخره بلا و شر، شامل حال آنها هم خواهد شد.

۴۳. زیاد شدن سه پدیده شوم در میان مردم آخرالزمان

یکی از نتایج حاصل از اوضاع دوره آخرالزمان که در اثر بهم ریختگی سازمان طبیعت و آشفتگیهای در وضع مردم، بوجود آمدن اوضاع ناخواسته ای است که زن و مرد و کوچک و بزرگ را گرفتار مشکلات روحی و جسمی و درد و رنجهای گوناگونی می کند.

«عن الصادق علیه السلام قال: قال رسول الله. ظهور البواسیر، و موت الفجأة، والجذام من اقتراب الساعة» (۱)

«امام صادق علیه السلام نقل می کند که پیامبر گرامی فرمودند: از نشانه ها و

علائم آخرالزمان، زیاد شدن بواسیر و مرگهای سخته، و مرضهای میکروبی است.

دردها و مرضهای متنوع در قسمتهائی از بدن، بیشتر و متنوعتر می شود، طبعاً هر چیزی را علتی است و بدون علت، وضعیتی در میان مردم، آنهم در سطح وسیعی پدید نمی آید.

بواسیر چرا و علت افزایش آن چیست که در آنزمان، زیاد می شود؟ در حالی که فساد و فحشا دامنگیر مردم خواهد شد و مردم لجام گسیخته و سست اعتقاد از روی هوی و هوس و بی بند و باری، معصیت و گناه آنها افزایش می یابد.

یکی دیگر از مواردیکه بسیار می شود مرگهای ناگهانی است که بدترین نوع مردن است، آدمهائی صحیح و سالم با یک سخته از کار می افتند و بیشتر به مرگ منجر می شود، آیا می تواند این عارضه، بی علت باشد؟ هرگز، جامعه لجام گسیخته، مشکلات و درد سرها را پدید می آورد و موارد ناخواسته و نادانسته ای گرفتارشان می کند و نتیجه اش بهتر از این نمی شود. و مورد دیگر که اینروزها در میان مردم، زیاد شنیده و دیده می شود آفت و مرضهای میکروبی است که هر روز، یک مرض ناشناخته و مدل جدید و با اسم عجیب و غریب، شایع می شود و مردم بدنبال چاره جوئی و متحیر و درمانده از علاج آن می باشند و بدنبال داروی آن که کمیاب است و

یا وجود ندارد همه جا بدنبال آن میگردند.

آنحضرت جذام و طاعون را یاد آوری نموده ولی در آنزمان، مردم از شناخت مرضهای جور واجور میکروبی نا آشنا بودند و بناچار، این نامها را بکار می برد تا مردم زمان ما که بهتر درک می کنند نتیجه آفتهای میکروبی است که مرضهای صعب العلاج و بدتر از جذام و طاعون است که رواج می یابد.

اسلام آئین الهی است که با فطرت انسان سازگار است و سلامت جسمی و روحی او را در تمام زمینهها تضمین می کند و سعادت و خوشبختی یک جامعه، در گرو پای بند بودن مردم به تمام موازین و فضائل اخلاقی است که بعنوان شرافت و کمال انسان معروف است و ما به آنها راهنمایی شده ایم.

وقتی که مردم به فرامین الهی، سست اعتقاد و پای بند نباشند آیا توقعی جز فروپاشی و تحمل ضرروزیان هست؟

جامعه پاکیزه و سالم در گرو درست اندیشیدن تمام افراد مردم است.

﴿ رواج بنگ و اعتیاد در آخرالزمان ﴾

یکی از بلاهای خانمانسوز که در زمان ما رواج دارد اعتیاد است که خیلی ها گرفتار آن هستند، اعتیاد، انسان را از خود بیخود می کند و مدت

زمان کوتاهی، معتاد را آرامش می دهد البته این آرامش، واقعی نیست و تنها بر حسب عادت داشتن است.

خداوند بدن انسان را بتحوی کامل آفریده و سازمان تشکیلات بدن، هیچگونه نقصان و کسری ندارند که بخواهیم بتوسط مورفین، رفع نقص کنیم پس اعتیاد، چیزی زائد و کاری است تحمیل بر سیستم بدن که آنرا بحالت غیر طبیعی در می آورد و معتاد به چیزی می شود که ضرورتی ندارد جز هوی و هوس که عاقبت خوبی نخواهد داشت و معتاد، گرفتار آن می شود همانند کسی است که در غل و زنجیر، دست و پایش را به چیزی بسته اند.

شاید بیشتر مردم جهان، معتاد نیستند و خیلی خوب و سرحال، و از شادابی و سلامتی بهره مند هستند و عمر طولانی تری می کنند.

روی عن طریق اهل البیت عن رسول الله ﷺ انه قال: سیاتی زمان علی امتی یا کلون شیئاً اسمه البنج، انابری منهم و هم بریئون منی. (۱)

«از پیامبر گرامی نقل شده که ایشان فرمودند: بر امت من زمانی فرا میرسد مردم چیزی را مصرف می کنند که نام آن بنگ است، بدانید که من از آنها بیزارم و آنها از من بدورند.»

بنگ از خانواده مورفین است و در میان مردم، اصطلاح شومی است چون همه ضررها و بدبختیها و عواقب بد آنرا دیده‌اند، بنگ نوعی از محصولات اعتیاد آوار است و هر آدم عاقل، از آن نفرت دارد.

اسلام: همواره مردم را به تفکر و اندیشیدن دعوت می‌کند و برای انجام هر کاری، بکارگیری عقل و خرد را سفارش می‌کند و آنرا یک وظیفه لازم و ضروری میداند تا انسان، مرتکب خطا و دچار گرفتاری نشود.

پیامبر گرامی از مصرف کنندگان بنگ، اعلام تنفر می‌کند و آنها را افرادی گمراه که حق و حقیقت را گم کرده‌اند و از مسیر صحیح و منطقی، منحرف و خارج شده‌اند.

پیامبر گرامی بر این اساس، نفرت خود را از اعتیاد و مورفین، اعلام می‌کند چون اینها مایه ضرور و آفت سلامتی جامعه می‌باشند و امروز کسی نیست که از این پدیده شوم بعنوان مایه فساد و تباهی جامعه، آنرا نشناسد. در زمانی که پیامبر گرامی این سخنان را بیان می‌فرمود هنوز چیزی بعنوان بنگ و مورفین وجود نداشت و بخصوص در منطقه عربستان آنزمان، هیچگاه شنیده نشده که در آنزمان، چیزی بعنوان مورفین و اعتیاد وجود داشته باشد و این پیش بینی آنحضرت در واقع، حتی آنمردم که این سخنان را از آنحضرت می‌شنیدند نمی‌توانستند از مواد مخدر و اعتیاد، چیزی را تصور کنند، و حتی در میان سلاطین شاهزادگان آن زمانها چیزی

بعنوان بنگ و مورفین و اعتیاد، هنوز یادی نشده است.

بنگ، آدمی را گیج می‌کند و بی اختیار، فاقد عقل و شعور می‌شود و حواس فرد معتاد، خوب و بد را تشخیص نمی‌دهد و بامروز زمان و تکرار مصرف مورفین، اثر شدیدی بر عقل انسان بجای میگذارد. پس همانگونه که پیامبر گرامی از اعتیاد و معتاد، اعلام تنفر می‌کند حتماً فروشنده و تهیه کننده و آورنده آن نیز مورد نفرت قرار دارند و باید بدانیم آنچه را که آنحضرت از آن به بدی یاد می‌کند حتماً خدا هم از انجام این کارها، راضی نخواهد بود و بلکه همه اینها مورد غضب خداوند قرار می‌گیرند، و نکته جالب اینجا است افراد معتاد و یا آنها که در خرید و فروش و تهیه مواد مخدر، سروکار دارند عاقبت خوبی ندارند و عاقبت بخیر نمی‌شوند، و اگر هم دیده شد ولی در نهایت دیدیم که با یک حادثه و ماجرای بدی ختم به سرشد.

مواد مخدر ظاهراً انواع گوناگونی دارد که در اصل، همه از یک خمیر مایه، تهیه می‌شود و هر چند که درجه اعتیاد آن هم کم باشد مایه ضرر است و بر ما است که از آن در حذر باشیم و مراقب اطرافیان خود باشیم.

تغییر عطر و بوی محصولات کشاورزی

یکی از اساسی ترین و ضروری ترین محصولات خوراکی انسان گندم

است که از آن تغذیه می‌کند.

به یکی از نشانه‌های علامات آخرالزمان توجه کنیم.

وقلة ريح ما يزرعه الناس

«کم شدن عطر و بوی آنچه که مردم می‌کارند»

در زمانهای گذشته، گندم عصاره طبیعی و ساخته و پرداخته طبیعت خالص و اصیل بود، نه حالا که بزور مواد شیمیائی آنرا زود و بیشتر بدست می‌آورند.

آنهاییکه چهل سال و بیشتر عمر دارند بهتر میدانند نانی را که در آنروزها می‌خوردند، واقعاً چه عطر و طعمی داشت و آنرا با اشتهای زیادی می‌خوردند و یکذره آن، دور ریخته نمی‌شد بزرگترها از خیر و برکات طبیعی روزگار گذشته، خاطرات بسیاری دارند چونکه محصولات کشاورزی بصورت طبیعی بعمل می‌آمد و از کودهای شیمیائی و سموم دفع آفات، خبری نبود و مردم سالمتر بودند و خیلی از درد و مرضهای عجیب و غریب امروزی در آنزمان وجود نداشت و متخصصان علوم طبیعی، بارها و بارها این نکته را تذکر داده‌اند که ظهور مرضهای گوناگون، با اسمهای جورواجور که امروز شنیده می‌شود علت و ریشه پیدایش آنها را در همین مصرف مواد شیمیائی و سموم دفع آفات میدانند و علاوه بر آن، آلودگی هوا و خراب شدن لایه اوزون و چیزهای دیگر وجود نداشت و در آنروزها، طبیعت سالم

و پاکیزه و هوا شفاف و فرح بخش بود، و چه بسا در آینده، وضع از این هم بدتر خواهد شد چونکه طبیعت دستخوش تغییرات و خرابی بیشتر می شود که در آنصورت، آثار و نتایج بدتری بروز خواهد کرد.

﴿﴾ ظهور واقعی خیر و برکت با ظهور مهدی ﴿﴾

طبیعت همواره خیر و برکتش را به ما و تمام موجودات می دهد اما گاهی کمتر و گاهی بیشتر، ولی آیا تمام توان زمین، همین است که ما شاهد آن هستیم؟

همانطور که از این حدیث و احادیث بسیار دیگر دانسته می شود این است که زمین، می تواند خیر و برکتش بیشتر از این باشد که ما آن را می بینیم و تصور می کنیم ولی حتماً باید تحولاتی در سازمان و تشکیلات طبیعت بوجود آید تا این چنین اوضاعی پدید آید و زمینه های خیر و برکت، آن چنان افزایش یابد که بیش از نیاز انسان و همه مخلوقات باشد.

به طور مثال: وقتی من یا شما اراده کنیم و تصمیم بگیریم به باغچه ای که داریم بیشتر رسیدگی کنیم یعنی به درختان و کشت خود، آب بهتر و بیشتر بدهیم و به طور مرتب و به اندازه کافی، کود بدهیم آن گاه درختان و انواع کشت ما سرسبز و سر حال به نظر می رسند و طراوت بیشتری خواهند داشت، پس طبیعت بسیار وسیع کره زمین را می بایستی یک قدرتی مافوق

اندیشه بشری لازم دارد یعنی خداوند بخواهد طبیعت را به گونه‌ای درآورد که خیر و برکتش به مراتب بیشتر شود و حتماً این کار، کار خدائی است و از قدرت و توان اندیشه انسان خارج است.

طبعاً وقتی که خیر و برکت زیاد باشد به این معنا است که مردم از نعمات الهی، بیشتر بهره‌مند می‌شوند و بیشتر لذت می‌برند و در نتیجه، در سلامتی و روحیه و جسم و جان مردمی که در ناز و نعمت به سر می‌برند حتماً و یقیناً تفاوت‌های زیادی حاصل می‌شود رنجوری، ضعف، کمبودها و گرانی و... از بین می‌رود.

پیامبر گرامی درباره ظهور حضرت مهدی علیه السلام و نزول رحمت و برکت از آسمان می‌فرماید:

يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يَعْمَلُ بِسُنَّتِي، وَيُنْزِلُ اللَّهُ لَهُ الْبَرَكَهَ مِنْ السَّمَاءِ، وَ تُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضُ بَرَكَتَهَا، وَ تَمْلَأُ بِهِ عَدْلًا، كَمَا مَلِئْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا.

«مردی از خاندان من ظهور می‌کند، او به سنت و شیوه من عمل می‌کند و خداوند برایش برکت را از آسمان نازل می‌کند و زمین از برای او برکتش را بیرون می‌دهد، و به واسطه حضرت مهدی علیه السلام، همه جای زمین‌ها پر از عدل و داد می‌شود همان گونه که همه جا پر از ظلم و ستم شده بود.»

با ظهور حضرت مهدی علیه السلام خیر و برکت حقیقی هم ظهور می‌کند،

خداوند با ظهور آن حضرت، درهای رحمت را بر تمام خلائقش می‌گشاید و رحمتش شامل حال همه مخلوقات خواهد شد، بنابراین، خداوند از هر لحاظ زمینه ساز ظهور حضرت مهدی علیه السلام است و این، یکی از نشانه‌هایی است که مقام و منزلت امام زمان را در نزد خداوند نشان می‌دهد آن است که خداوند با ظهور آن حضرت، خیر و برکت از هر لحاظ فراوان می‌شود و تمام مخلوقات را کامیاب و خوشنود خواهد کرد و اوضاع بهبود می‌یابد.

بلاهای گوناگون، نتیجه گناهان گوناگون است

در زمان ما متأسفانه مردم به گناه و معصیت آلوده شده‌اند و هر روز بر گناهانشان نیز افزوده می‌شود و از آن مهمتر، هر روز شاهد و ناظر انجام گناهان بزرگتر و در مدل‌های گوناگونی مرتکب می‌شوند و گویا برای گناه کردن، مردم هنرنمایی می‌کنند و با همدیگر به رقابت برخاسته‌اند.

امام هفتم می‌فرماید: **كُلَّمَا أَخَذَتِ النَّاسُ مِنَ الذُّنُوبِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعْلَمُونَ، أَخَذَتِ اللَّهُ لَهُمْ مِنَ الْبَلَاءِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعْدُونَ.**

«هنگامیکه مردم مرتکب گناهان تازه‌ای بشوند که قبلاً آن گناهان را انجام نمی‌دادند خداوند نیز برای آنان، بلاها و مصیبت‌های غیر منتظره ایجاد می‌نماید.»

به راستی انواع گناهانی که در زمان ما، مردم مرتکب آن می‌شوند واقعاً

در قدیم وجود نداشت لذا می فهمیم که بلاها و گرفتاری‌ها و مرض‌های گوناگونی که امروز هست در قدیم وجود نداشت.

بمب در یک لحظه منفجر می شود و همه چیز را خراب و نابود می کند ولی بمب‌هایی هستند که قدرت انفجارشان، به مراتب قوی تر و بی سرو صدا است و قدرت تخریب آنها بیشتر است اما انفجار و آثار ویرانگر و خرابی آن در دراز مدت احساس و معلوم می شود بطور مثال: باید قبول کنیم که آثار پیشرفت علم و مدرنیته شدن در زمان ما همچون بمب بسیار نیرومندی بود که طبیعت موجود بر کره زمین را در حال نابود کردن تدریجی است و فروپاشی اکوسیستم، اکنون به صورت یک واقعیت درآمده است که حتی بی سوادترین افراد جامعه، آن را درک می کنند که شرایط زندگی در حال بدتر شدن است و از این بدتر، بلکه زندگی حیوانات و گیاهان و درختان نیز عرصه زندگی و بقای آنها تنگ تر شده است و هر روز می شنویم که چند گونه از حیوانات و گیاهان و درختان جنگل، در معرض خطر نابودی و انقراض قرار می گیرند و یا از بین رفته اند.

به علاوه آن، ظهور مرض‌ها و بلاها و برپائی جنگلهایی که سایه شوم آن در هر لحظه با جرقه یک زمامدار مست و بی دین و احمق، برپا خواهد شد، پس اگر درست ریشه یابی کنیم می بینیم که امروز و هر روز در اینجا و آنجا، مردم گناهانی را مرتکب می شوند که واقعاً شرم آور است پس بلاها

هم غیر عادی و غیر معمولی شده‌اند و انسان و طبیعت و گیاهان و جانداران، همه در معرض خطر غیر عادی و مشکلات جدی قرار دارند. و بقیه قضاوت‌ها به عهده شما است شما هم نظر بدهید و خوب فکر کنید که آیا واقعاً مردم در بدترین زمان قرار ندارند و آیا مردم بدترین گناهان را انجام نمی‌دهند و آیا مردم، بدترین نتیجه را نمی‌گیرند؟

اما آنچه را که می‌توانیم به آنها بگویم که بحمدالله هنوز آثار ایمان و دینداری در وجود ما هست و از خداوند بخواهیم که ایمان ما را حفظ کند و ما را از شر شیطان و شیطانیان در امان بدارد و بقیه عمرمون را به نحوی بگذرانیم که لا اقل تا آنجا که می‌توانیم گناه کمتر کنیم تا عذابهای جور و اجور الهی، شامل حال ما نشود و در آن دنیا رو سفید و سربلند باشیم.

﴿ دعای گنه‌کاران، مستجاب نمی‌شود ﴾

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: سَيَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ تَخْبُثُ فِيهِ سَرَائِرُهُمْ، وَتَحْسَنُ فِيهِ عَلَانِيَتُهُمْ طَمَعًا فِي الدُّنْيَا، لَا يُرِيدُونَ بِهِ مَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، يَكُونُ أَمْرُهُمْ رِيَاءً لَا يُخَالِطُهُ خَوْفٌ، يَعْمَهُمُ اللَّهُ مِنْهُ بِعِقَابٍ، فَيَدْعُونَ دُعَاءَ الْغَرِيقِ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ ^(۱).

«از امام صادق عليه السلام نقل شده که پیامبر گرامی فرمودند: زمانی بر امت من

فرا می‌رسد که باطن مردم خراب می‌شود، و احوالات ظاهری آنها، خوب و زیبا به نظر می‌رسد آن هم به خاطر مسائل دنیوی و طمع‌ها و غرضهایی که با هم دارند و بر اساس مصالح شخصی و نه به خاطر خدا است، و تمام کارهای آنها ریاکاری و نیرنگ است و غیر واقعی خواهد بود و هرگز ترس از همدیگر ندارند، وقتی که این چنین شد خدا هم آن مردم را به مکافات فراگیرد، گرفتارشان می‌کند و هر چه هم دعا کنند مورد استجابت قرار نمی‌گیرد.

اگر ایمان مردم سست شود دیگر دلیلی وجود ندارد که هوی و هوسها کنترل شود و در آن صورت، دنیا و لذتهای آن، بر اساس منافع شخصی رشد می‌کند، آن وقت تمام معیارهای اصول اخلاقی از هم گسسته می‌شود و هر فرد، مصالح و خواهش‌های نفس خویش را به هر قیمت و به هر نحو که باشد می‌طلبد و بی بند و باری در همه شئون مردم احساس می‌شود وقتی که رفتار و کردار مردم اینگونه شد خداوند هم عنایت خود را از این مردم سلب خواهد کرد و دیگر دعائی مستجاب نمی‌شود.

مردمی که باطنشان با ظاهرشان فرق می‌کند و چیزی را که می‌گویند و ادعا می‌کنند از راستی و حقیقت به دور است مسلمان بودن به عمل است نه به اسم، و مردم نسبت به فرامین الهی و قرآن، بی اعتنا هستند هر چند که مسجدها زیاد و زیبا و باشکوه است ولی کسی از آن نفعی نمی‌برد و

پرچمداران دینداری، در جامعه، تأثیری بحال آنها ندارند.

﴿ مردم در آخرالزمان ﴾

پیشوایان و بزرگان دین و آیین ما، آن‌ها که از موجودات نامرئی باخبرند و آن‌هایی که از فضای جو و آسمان‌ها باخبرند، و آن‌هایی که از اعماق علوم آگاهند، حتماً و به یقین درباره‌ی وقوع حوادث و از احوالات آینده‌ی بسیار دور هم باخبراند.

ابعاد علمی آن‌ها برای ما معلوم است و حال بینیم بُعد زمانی آن‌ها را، یعنی پیشینی آنها درباره‌ی امروز که زمان ما است، و از آن تاریخ بیش از هزار و چهارصد سال گذشته و از اوضاع و احوال امروز، برای مردم زمان خود چه گفته‌اند؟ که این هم یکی از عجایب و دلایل حقانیت آنهاست، آن‌ها را خداوند برای مردم برگزید تا مثال درستی و درستکاری باشند و الگویی برای خوبی‌ها و انسانیت و شرافت، و راهنمای خیر و سعادت دنیا و آخرت ما باشند.

حضرت علی علیه السلام در یکی از خطبه‌های خود در اوصاف و احوال مردم در آخرالزمان می‌فرماید:

إِحْفَظْ فَإِنَّ عِلْمَهُ ذَلِكَ إِذَا أَمَاتَ النَّاسُ الصَّلَاةَ. حضرت به حاضران فرمودند: در هوش و ذهن خود بسپارید که نشانه‌های آنروزگار این چنین

است، اگر هر آینه مردم نماز خواندن را برانداختند.

وَأَضَاعُوا الْأَمَانَةَ وَانْكَرُوا دَارِي ضَائِعٍ شُود وَ نَبُودن افراد امین.

وَاسْتَحَلُّوا الْكُذِبَ وَانْكَرُوا كِه در و غیردازی و جو سازیهای دروغین به

چشم مردم، روا و پسندیده شود.

وَأَخَذُوا الرِّشَاءَ وَانْكَرُوا كِه رشوه گیری رسم رایج و مسئله معمولی

شود.

وَشَيَّدُوا الْبُنْيَانَ وَانْكَرُوا كِه ساختمانهای بزرگ و دیدنی برپا

می کنند.

بَاعُوا الدِّينَ بِالْأَمْوَالِ الدُّنْيَا دینداری را به خاطر دنیا فروختند و به کنار

گذاشتند.

وَاسْتَعْمَلُوا السُّفَهَاءَ فِي كَمَامِ زَمِينِهِمْ دُوسْتی و همنشینی و

همکاری، آنها با سفیهان و بی خردان و افراد تپی مغز می گذرانند.

وَشَاوَرُوا النِّسَاءَ وَانْكَرُوا كِه تمام اوضاع و احوال با زنان هم عقیده و همراهی

و کارها را به آنها واگذار می کنند و زمام امورشان به دست زنها می افتد

یعنی آن طور که آنها پسندند.

وَقَطَّعُوا الْأَرْحَامَ وَانْكَرُوا كِه خویشاوندی و مسئله فامیل و خانواده از

بین می رود.

وَاتَّبَعُوا الْأَهْوَاءَ وَانْكَرُوا كِه زمان مردم مدام پیرو هوی و هوسها می شوند.

وَاسْتَخَفُّوا بِالْذَّمِّاءِ مَرْدَمِ اَنْ زَمَانِ نَسَبَتْ بِه قَتْلٍ وَ خُونِ رِيْزِيْ هَا، بِيِ
اعتنا و به آن اهميتي نمي دهند.

وَكَانَ الْجِلْمُ ضَعْفًا وَ اَنْ زَمَانِ صَبْرٍ وَ بُرْدَبَارِيْ دَر مِيَانِ مَرْدَمِ ضَعِيْفٍ
مي شود. «يعني رواج خشونت و بي حوصلگي و عصبانيت».
وَالظُّلْمُ فَخْرًا زُورٍ وَ سَتْمَكَارِيْ وَ قَلْدَرِيْ كَرْدَنِ مَائِهٖ فَخْرٍ وَ سَرِبَلَنْدِيْ
مي شود.

وَكَانَتْ اَمْرَاءُ فَجْرَةً وَ اَنْ زَمَانِ بَزْرُكَانِ وَ دَوْلْتَمَرْدَانِ وَ اَمِيْرَانِ، هَمِهٖ دَر
فساد كاري علني و آشكارند.

وَالْوِزْرَاءُ ظَلَمَةً اَنْ زَمَانِ وَزِيْرَانِ هَمِهٖ ظَالِمْتِنْدِ.
وَالعُرْفَاءُ خَوْنَةً وَ اَنْ زَمَانِ چهره هاي سرشناس و شخصيت ها، همه
خيانت كارند.

وَالقُرَّاءُ فَسَقَةً بِاسْوَادَانِ وَ خَوَانْتِنْدِگَانِ هَمِهٖ فَاسِدٌ وَ لَآ اِبَالِيْ وَ بِيِ بِنْدٍ وَ بَارِ
مي شوند.

وَاسْتَعْلَنَ الْفُجُورُ وَ اَنْ زَمَانِ فَحْشَا عَلْنِيْ وَ دَر مِيَانِ مَرْدَمِ ظَاهِرٍ وَ تَمَايَانِ
مي بيني.

وَاقْوَلِ الْبَهْتَانِ دَر تَهْمَتِ وَ اِفْتِرَائِيْ اَهْمِيْتِنْدِ.
وَالْاِثْمِ وَالطُّغْيَانِ گنه كاري و طغيان كردن در ميان مردم مشاهده
مي شود.

وَحُلِّيَتِ الْمَضَاحِفُ وَ أَنْ زَمَانِ قِرْآنِهَا زِيْبًا وَ خَوْشِ نَقْشِ وَ نِگارِ
می شود.

وَ زُخْرِفَتِ الْمَسَاجِدُ وَ أَنْ زَمَانِ مَسْجِدِهَا أَراسْتَه وَ پَرزَرِقِ وَ بَرِقِ اسْتَه.
وَ طَوَّلَتُ الْمَنَارُ وَ أَنْ زَمَانِ كُؤْلَسْتَهْاِی مَسْجِدِ بَلَنْدِ وَ بَا عِظْمْتِ
می شود.

وَازْدَحَمَتِ الصَّفُوفُ وَ أَنْ زَمَانِ اجْتِمَاعَاتِ مَخْتَلَفِ مَرْدَمِ بَسِيَارِ اسْتَه.
وَ اخْتَلَفَتِ الْأَهْوَاءُ هَوِي وَ هَوْسِهَا بَسِيَارِ وَ سِرْگَرْمِيهَا مَتْنَوْعِ مِي شَوْدِ.
وَ نُقِضَتِ الْعَهْودُ وَ پِيْمَانِهَا وَ سُنْتِهَا از هَمِ كُؤْسْتَه وَ مَرْدَمِ نَسْبِتِ بَه
همديگر بی وفا می شوند.

وَ شَارَكَ النِّسَاءُ أَزْوَاجَهُنَّ فِي التِّجَارَةِ حِرْصًا عَلَي الدُّنْيَا وَ أَنْ زَمَانِ
زَنِّهَا بَا مَرْدَانِ خَوْدِ دَر كَارِ وَ تِجَارَتِ مِشَارَكْتِ مِي كُنْتَنْدِ، از حِرْصِ وَ وِلْعِي كَه
بَه دُنْيَا دَارِي دَارَنْدِ.

وَ عَلَّتْ أَصْوَاطِ الْفَسَاقِ وَ اسْتَمِعَ مِنْهُمْ وَ أَنْ زَمَانِ صِدَايِ خَوَانْتَنْدِگَانِي
فَاسِدِ، هَمِه جَا رَا فَرَا خَوَا هَدِ كَرَفْتِ وَ بَا خَوَانْتَنْدِگِي أَنْ هَا فَسَادِ رَا تَوْسِعِه وَ
هَوْسِهَايِ مَرْدَمِ رَا تَحْرِيكِ مِي كُنْتَنْدِ وَ مَرْدَمِ مَدَامِ بَه صِدَايِ اَيْنِ خَوَانْتَنْدِهْها
كُؤْشِ فَرَا مِي دَهَنْدِ.

وَ كَانَ زَعِيمَ الْقَوْمِ أَرْدَلَهُمْ وَ أَنْ زَمَانِ مِي بِيْنِي كَه بَزْرِگَانِ وَ سَرْدَمْدَارَانِ
مَرْدَمِ از پَسْتِ تَرِينِ اَفْرَادِ جَامِعِه هَسْتَنْدِ.

وَأَتَّقِيَ الْفَاجِرَ مَخَافَةَ شَرِّهِ وَ أَنْ زَمَانَ مَرْدَمِ اَز تَرَسِ اَفْرَادِ فَاَسِدٍ وَ بِي شَرْمِي، پَرهيز و بَه اَو اَحْتِرَام مِي كَنْتَنَد.

وَصُدِّقَ الْكَاذِبُ وَ أَنْ زَمَانَ مَرْدَمِ بَاوَرِ دَارِنْدِ سَخْنَانَ دَرُوغِ پَرْدَا زَانَ رَا وَ يَا اَز رُوِي نَا چَا رِي حَرْفَهَايِ اَنَهَا رَا تَا يِيْدِ مِي كَنْتَنَد.

وَأُوْتِمِنَ الْخَائِنُ وَ أَنْ زَمَانَ اَفْرَادِ خِيَانَتِ كَارِ بَه مَالِ وَ تَامُوسِ، مَرْدَمِ، اَنَهَا رَا اَفْرَادِ مَطْمَئِنِ مِي دَانِنْدِ وَ نَسَبَتِ بَه خِيَانَتْ كَارِي اَنَهَا لَا اِبَالِي هَسْتَنْد.

وَأَتَّخَذَتِ الْقِيَانِ وَالْمَعَارِيفِ وَ أَنْ زَمَانَ مَرْدَمِ مَطْرَبِ مِي شُونْدِ وَ اَنْوَاعِ اَلَاتِ مَوْسِيقِي رَا بَه كَارِ مِي بَرِنْد.

وَلَعَنَّ آخِرَ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَوْلِيهَا وَ أَنْ زَمَانَ دَشْنَامِ دَادَنِ وَ نَاسْزَا كُويِي دَرِ مِيَانِ مَرْدَمِ بَه اَيْنِ وَ اَنِ وَ اَز كُذْشْتِگَانِ، رِوَا جِ وَ طَبِيعِي اَسْت.

وَرَكِبَ ذَوَاتِ الْفُرُوجِ السَّرُوجِ وَ أَنْ زَمَانَ زَنَهَايِ هُوسِيَا زِ بَرِ سِوَارِيهَا سِوَارِ شُونْدِ وَ دَرِ جَا دَه هَا بَتَا زِنْد.

وَتَشَبَّهَ النِّسَاءُ بِالرِّجَالِ وَ أَنْ زَمَانَ كِه زَنَهَا خُودِ رَا هَمِچُونِ مَرْدَانِ دَرَا وِرِنْدِ «اَز لِحَاظِ لِبَاسِ وَ اَرَايشِ وَ رِفْتَارِ وَ كَرْدَارِ وَ غِيْرَه».

وَالرِّجَالُ بِالنِّسَاءِ وَ أَنْ زَمَانَ كِه مَرْدَانِ خُودِ رَا هَمِچُونِ زَنَانِ دَرَا وِرِنْدِ «ظَرِيفِ وَ لَطِيفِ وَ مَلُوسِ بِنَمَا يَانِنْدِ خُودِ رَا هَمِچُونِ دَخْتِرَانِ وَ زَنَانِ وَ هَمِچُونِ اَنَهَا لِبَاسِ وَ اَرَايشِ وَ رِفْتَارِ كَنْتَنَد».

وَشَهِدَ شَاهِدًا مِنْ غَيْرِ اَنْ يَسْتَشْهَدُ وَ اَنِ زَمَانَ كِه مَرْدَمِ بَدُونِ اَنِ كِه

چیزی را دیده باشند به آن شهادت و گواهی می دهند که این چنین است و به ناحق می گویند که آن چنان بود.

وَتَفَقَّهُوا لِغَيْرِ الدِّينِ وَ أَنْ زَمَانَ دَقَّتْ وَ تَحْقِيقَ نَمِي كُنُنْدَ بَرَايَ دِيسِن وَ آيِنِ خُودِ وَ تَنهَا مَسَايِلَ مَادِي وَ اَهْدَافَ دُنْيَايِي رَا دَنْبَالِ مِي كُنُنْدَ.

وَأَثَرُوا عَمَلَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَ أَنْ زَمَانَ مَرْدَمِ تَمَامِ تَوَانِ وَ تَلَاشِ خُودِ رَا مَدَامَ بَرَايَ دُنْيَا وَ هُوسَهَايِ أَنْ صَرَفَ مِي كُنُنْدَ، بَه حُدِي كَه آخِرَتِ رَا فَرَامُوشِ خُواَهَنْدَ كَرْدَ وَ بَه أَنْ بِي اَعْتَنَا هَسْتَنْدَ.

وَلَبَسُوا جُلُودَ الضَّالِّينَ عَلَى قُلُوبِ الذُّنَّابِ وَ لِبَاسَ مِنْ جَرْمِ كُوسَفَنْدَ بَر تَنِ خُودِ مِي كُنُنْدَ دَر حَالِي كَه دَلَهَايِ أَنْ هَا هَمچُونِ كَرگِ دَر نَدَه اَسْت.

وَ قُلُوبُهُمْ أَنْتَنَ مِنَ الْجِيفِ وَ دَلَهَايِ أَنْ هَا كُنْدِيدَه تَر اَز لَاشَه مَرْدَارِي مَتَعَفَنَ اَسْت.

وَأَمْرٌ مِنَ الصَّبْرِ وَ تَلَخَ تَر اَز زَهْر كَشَنْدَه اَسْت.

فَعِنْدَ ذَلِكَ الْوَحَا الْوَحَا پَسِ دَر أَنْ وَ قَتِ وَ أَنْ زَمَانَ وَايِ وَايِ، كَه مَرْدَمِ بَه چَه حَالِ وَ رُوزِي خُواَهَنْدَ بُودَ.

العجل العجل آن زمان فریاد برخواسته از دل مردم همواره از فریاد رسی خواهد بود و انتظار گشایش و توقع فرجی در حال و کار خود دارند.

وَأَقْتَرَبَ الْمَوْعُودُ وَ أَنْ گَاهِ اَسْت كَه لِحْظَه پِيشِ بِيِنِي شَدَه يَعْنِي ظَهْورِ حَضْرَتِ مَهْدِي عليه السلام نَزْدِيكِ خُواَهَدَ بُودَ.

«بله این همه به هم ریختگی و آشفتگی نشانه ضعف و زوال ایمان مردم است و طبیعا نتیجه آن فساد و ظلم و بیداد همه جا را فرا خواهد گرفت» و اکنون وقت آن است که لحظاتی بیندیشیم تا ببینیم که چه مقدار از این اوصاف در ما هست؟ و ما جزو کدام مردمی هستیم که چند تا از آن پیش بینی‌ها، شامل حال ما هم می‌شود؟ و امیدواریم که در این زمانه پرفتنه و اشوب، هیچ کدام از گفته‌های آن حضرت که برای زمان ما پیش بینی نموده، این اوصاف در رفتار و کردار ما نباشد و ان شاء الله ما جزو صالحین و یاران لایق و شایسته آن حضرت باشیم. (۱)

۴. رواج مدهای بیابانی در آخرالزمان

دین مردم در آخرالزمان کم کم، کمرنگ می‌شود و کم کم جای آن را چیزهای دیگر به عنوان مُد و کلاس و فرهنگ روز، جایگزین می‌شود و با مرور زمان، می‌بینیم که این چیزهای نامطلوب، چاله خالی شدن فرامین الهی و معتقدات ما را پُر می‌کند و فضائی را بوجود می‌آورد که رنگ و بوی مسلمانی ندارد و تنها چیزی که خیلی واضح و مشخص است رواج فساد و فحشا است که در همه جا حاکم می‌شود.

بیشتر مردم در رفتار و کردار خود دقت نمی‌کنند و به این فکر نیستند که

اگر ما امروز به این وضع باشیم و رفتار و کردار ما این طوری باشد فرداها و آینده چه خواهد شد و به چه وضعیتی می‌رسیم و چگونه عادت می‌کنیم در حالی که باید به هر چیزی فکر کنیم و ببینیم که عاقبتش چه می‌شود و آخرش به کجا می‌رسد و اینطور نیست که من الآن دلم می‌خواهد این طور باشم باید باشم، بلکه هر چیزی در کارها و رفتار و کردار بعدی تأثیر دارد و باعث تغییر و تحول در شیوه رفتار ما می‌شود.

و با مرور زمان، کم‌کم انسان عوض می‌شود مثل پیروی کردن و هماهنگ بودن با مد روز که چه بدبختی‌هایی برای مردم در پی خواهد داشت.

در آخرالزمان مد بیداد می‌کند، هر جور که بجنبی باید روی مد باشد و الا مردم، تو را عقب افتاده حساب می‌کنند و با دیده تحقیر به تو نگاه می‌کنند.

در آخرالزمان مد در تمام شئون زندگی وارد می‌شود نه تنها در طرز لباس و آرایش و کیف و کفش، بلکه حتی در نوع گلدان طاقچه و پادری دم در عکسهای دیوار و فرش زیر پا و صندلی و... تأثیر می‌گذارد.

مد: امروز نقش مهمی در زندگی مردم دارد بدون اینکه خود بدانند که چرا باید این گونه رفتار کنند و چرا باید اینطوری باشند و همه مردم بی‌چون و چرا موظف به انجام این رفتار و کردارها می‌باشند و امروز اینطور

شده که با مطابقت و تقلید از مُد، فرهنگ عالی و کلاس بالا به حساب می‌آید و در غیر این صورت، دیگران آنها را با تحقیر نگاه می‌کنند و فکر می‌کنند که اینها آدم‌های عقب افتاده و اُمُل و طرز فکر آنها قدیمی است و تمدن امروزی ندارند.

و اتفاقاً در موارد بسیاری دیده شده که زن یا مردی، آن چنان تیپ زده‌اند و خود را با کلاس نشان می‌دهند در حالی که اگر یک برخوردی با آنها داشته باشیم می‌بینیم که‌ای بابا این‌ها نه فهم دارند نه شعور، نه تربیت و نه وجدان و نه خیر و نه خاصیتی، فقط یک پُز و یک ظاهر خالی به اینصورت دیده می‌شود.

و بدبختی اینجا است که مُد در یک حدّ معین و خاصی نمی‌باشد بلکه لحظه به لحظه و هر روز، چیز دیگری مُد شده و آن چیزی که قبل از این مُد بود و نشانه تمدن و امروزی بود، یعنی تا دیشب الگو و نمونه بود، امروز از مد افتاده و اکنون برای اینکه آبروی ما را تبرد و کلاس ما را به هم نزنند باید آنرا در زباله دان قرار دهیم و دور بیندازیم و یا به کارگران شهرداری بدهیم تا این لکهٔ ننگ را از ما دور کنند.

باید بدانیم که این تنوع در مُدهای هر روز و هر ساعت، تأثیر زیادی در روحیه و زندگی انسان دارد و علاوه بر اسراف و بالا رفتن هزینه و مخارج زندگی و تحمل خسارت، باعث می‌شود تا در رفتار و کردار انسان، کم کم

اثر بگذارد و خلاصه، اینکه آدمی را هر ساعت و هر روز به شکلی در می آورد.

باید این را بدانیم که اساس و بنای مُد بر قرتی گری است یعنی بعد از آن، بی بند و باری و بعد از آن، کم کم هوا و هوسها گل می کند و پس از آن کم کم آزادی و چیزهای دیگر، می رود تا در چند ده سال آینده، نه اسلامی و نه مسلمانی و نه فضائل اخلاقی و نه آداب و نه سنت های اصیل اسلامی و انسانی و نه شرافت و نه غیرت و نه و نه...!

رَوَى ابْنُ عَبَّاسٍ أَنَّ النَّبِيَّ قَالَ: مَا يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ إِلَّا أَمَاتُوا فِيهِ سُنَّةَ وَ أَحْيَوْا فِيهِ بِدْعَةَ، حَتَّى تَمُوتَ السُّنَنُ وَ تُحْيِيَ الْبِدْعَ.

«ابن عباس از پیامبر گرامی نقل می کند که آن حضرت درباره اوضاع در آخرالزمان فرمودند: زمانی بر مردم فرا می رسد آن چنان می شود که هر وقت و هر مدتی به طور مرتب و پیایی، سنتی و رسمی از آداب و آئین الهی کنار می زنند و به جای آن، به تدریج بدعت های تازه ای ظاهر می شود و هر لحظه که می گذرد، چیزهای دیگر به صورت رسم تازه و مُد رایج می شود و بدعت ها آن چنان زیاد می شود که نتیجه آن، از بین رفتن تمامی سنت های اسلامی و فضائل اخلاقی خواهد شد و این بدعت ها که رسم های تازه ای در میان مردم رایج می شود به اصطلاح بیانگر حال و روز آنها است در بدعت های جدید، یعنی نشانه ای از تمدن جدید و فرهنگ روز است و مورد

پسند ذوق و سلیقه آنها می باشد.

بدعت: یعنی چیز تازه‌ای که مد شده، مد جدید، کار جدید، و شیوه جدید و ابتکار نو، که در میان مردم، تحمیل و رایج می شود.

از مفهوم سخنان پیامبر گرامی می فهمیم که در آخرالزمان، کم کم از دین چیزهایی حذف می شود و مسائل و عناوین آن، یکی پس از دیگری از بین می رود و به جای آن، بدعت‌ها به صورت مُد و رسم امروزی و به عناوین مختلف جایگزین می شود و آن چنان چاله‌های خالی شده را با رسم‌ها و شیوه‌های جدید پُر می کنند که پس از چند سال، وضعیتی بوجود می آید که مردم، دین اسلام و مسائل و محتوایش را نمی شناسند و هر چیز از بدعت‌های تازه‌ای که در میان مردم، مُد و رسم می شود در مقابلش چیزی از سنت اسلامی و مسائل دینی می‌کاهد مثل حجاب، وقتی که از بین می رود، بی حجابی جای آنرا می‌گیرد و اکنون مد شده و در دنیا رواج یافته است که در اثر بد حجابی یا بی حجابی، فساد و فحشا که عامل فروپاشی اخلاق و آداب و فضائل اسلامی است و الی آخر.

همانطور که می دانیم حق و باطل در یک جا جمع نمی شوند و هیچ گونه سازشی با همدیگر ندارند.

فضائل اخلاقی و ردائل اخلاقی با همدیگر در تضادند و هیچ شباهتی به همدیگر ندارند، یعنی خوبی‌ها و بدی‌ها در یک فرد و یا در یک جامعه،

امکان تناسب و سازش بین این دو وجود ندارد.

پیروی از مَد، نتیجه آن، ضعف ایمان و فساد اخلاقی و بی‌دینی است،
 آنهایی که امروز دنبال مُد هستند در آینده همین‌ها افرادی هستند که...!

☞ سوسولها عامل فساد و تباهی در جامعه‌اند ☞

سوسولیزم یک پدیده خطرناک و آفتی سرایت‌کننده همچون وبا است و متأسفانه این روزها در کشور اسلامی ما می‌بینیم که سوسولیزم این فحشای خزنده در حال توسعه و گسترش است و این وبای فراگیر یک نوع آفتی است که درمانش مشکل است چون اثرات بد خود را به جای می‌گذارد و پس از آن هیچ آبی آن را پاکیزه نمی‌گرداند و از اثرات بد سوسولی آن است که هر جوانی دختر یا پسر در آغاز این کار، به قصد سرگرمی و تنوع و دلخوشی، با عنوان مد وارد صحنه کوچک و خیابان می‌شود و بدون این که متوجه شود، و با مرور زمان کم‌کم از فساد و فحشاء سردر می‌آورد و خود نیز به یک مهره و عامل ترویج و گسترش این آفت در جامعه تبدیل می‌شود، یک سوسول همواره با پیروی از مدهای جور و آجور غربی منجر به تغییر در رفتار و کردار ناشایسته‌ای می‌شود که مردم را به بی‌بند و باری و لاپالی‌گری و بی‌غیرتی دگرگون و تغییر می‌دهد و علاوه بر همه‌ی این‌ها سوسولیزم زمینه سیاه و ناسالمی است که ایمان و اعتقاد با آن

سازش ندارد و سوسولی که قطعا از غرب آمده و در پس پرده و به صورت نامرئی دست پلید و پرقدرت صهیونیزم در کار است که تنها قصد و نتیجه گیری که می خواهند آن است که تضعیف و تخریب اعتقاد و ایمان نسل آینده شود. لذا پیامبر گرامی و امامان معصوم درباره‌ی آخرالزمان و گسترش فساد و فحشاء و پیامدهای بد آن را به مردم گوشزد کردند تا بنویسند و ما مردم این زمان بخوانیم و دقت کنیم و بهوش باشیم که دشمن در کمین است و با سرگرمی‌هایی که به نام عشق و صفا کردن، زوال ما و تاریخ باستانی و اسلام عزیز و نابودی مملکت قدرتمند ما را می خواهند در انتظار قبضه کردن سرنوشت ما امیدوارند.

در کتاب *علل الشرایع* آمده است که حضرت علی علیه السلام می فرماید شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله که او می فرمود:

«لعن الله المتشبهین من الرجال بالنساء والمتشبهین من النساء بالرجال»
 «بالرجال».

خداوند لعنت می کند آن مردانی که خود را به صورت زنان نمایان می سازند.

و همچنین زنانی که خود را به صورت مردها در رفتار و کردار نمایان می کنند.

و همچنین پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله باز هم در جایی دیگر فرموده اند:

«أخرجوهم من بيوتكم فانهم أقدر شيء» اینها را از خانه‌های خود بیرون کنید که به یقین اینها کثیف‌ترین و پلیدترین هستند.

و باز هم پیامبر خدا ﷺ در بدگویی از اینها می‌فرماید: «مثل هؤلاء في أمته انه لم يكن مثل هؤلاء في أمة الا عذبت قبل الساعة». مثل اینها در امت من همچون آنها که در هر امت پیامبری بودند خداوند با عذاب و بلاها نابودشان ساخت.

و از امام باقر علیه السلام نقل شده است که علی علیه السلام فرمودند که پیامبر به او گفته است خدای عزوجل به یکی از پیامبرانش وحی فرستاد که به مؤمنین و پیروان دین خود بگوید: هیچ‌گاه لباسی همچون لباس کافران و دشمنان خدا نپوشند و ای پیامبر به مردم با ایمان و دیندار بگو هرگز غذایی همچون غذای کافران را نخورند و به مردم بگو که هیچ‌گاه به روشها و رفتار و کردار کافران و بی‌دینان پیروی نکنند، پس در غیر این صورت ای پیامبر صلی الله علیه و آله آنها دشمن من هستند همچون کافران و بی‌دینان. بله خداوند می‌فرماید که لباس پوشی همچون کافران بر رفتار و کردار مردم تأثیر بد می‌گذارد و این زمان می‌بینیم که نوجوانان دختر و پسر بدون این که منظور و هدف و نیت بدی داشته باشند به توسط مد و سرگرمی، طعمه و شکار اهریمن پلید و دشمن خدا قرار می‌گیرند و جوانان پاکیزه و با غیرت و شجاع و مسلمان، به افراد مفسد و بی‌غیرت و چرتی و لامذهب تبدیل می‌شوند که به درد

خودشان هم نمی‌خورند.

و پیامبر گرامی اسلام ﷺ درباره‌ی به هم ریختن وضعیت آخرالزمان در تمام زمینه‌ها سخنان بسیاری دارد و اکنون به این موضوع خلاصه شده دقت کنیم: **ورأيت التأنيث قد ظهر و أظهروا الخضاب و امتشطوا كما تمتشط المرأة لزوجها: و در آن زمان خواهی دید که پسران و جوانان به شکل و حالت دخترها و همچون زنان نمایان و در همه جا با این وضع زنانه و رفتار و کردارشان، خودنمایی می‌کنند، سر و صورت خود را به نحوی شانه و به شکلی در می‌آورند و آرایش می‌کنند همچون زنان که برای شوهران خود کنند. بله سخن بسیار است و پیامبر گرامی ﷺ با اندوه فراوان از این وضعیت ناپسند زمان ما، برای مردم زمان خود تعریف می‌کند که حضار با تعجب و ناباوری به سخنان آن حضرت گوش فرامی‌دهند و بعضی‌ها به این سخن پیامبر در شک و تعجب هستند و دوباره از آن حضرت می‌پرسند که ای پیامبر خدا، آیا واقعاً در آن زمان این‌طور می‌شود؟**

پیامبر گرامی ﷺ در جواب آنها می‌گوید: بلکه وضعیت آن مردم بدتر و

خراب‌تر از این هم می‌شود.

وضع نامطلوب زنها در جامعه آخرالزمان

آخرالزمانی که درباره آن پیش بینی بسیار شده و پیامبر گرامی و امامان ما، وقتی که درباره آن صحبت می‌کردند حالشان منقلب می‌شد و آشفتگی و پریشان می‌گشتند و با آه و ناله، برای مردم از وضعیت زمان ما برای آن مردم، سخن می‌گفتند.

علی علیه السلام روزی بالای منبر از اوضاع آخرالزمان برای مردم تعریف می‌کرد که مردم آن زمان به چه وضعی در می‌آیند و چه حال و روزی دارند.

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: يَظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَ اقْتِرَابِ السَّاعَةِ وَ هُوَ شَرُّ الْأَزْمِنَةِ، نِسْوَةٌ كَاشِفَاتٍ غَارِيَّاتٍ مُتَبَرِّجَاتٍ، عَنِ الدِّينِ خَارِجَاتٍ، فِي الْفِتَنِ دَاخِلَاتٍ، إِلَى الشَّهَوَاتِ مَائِلَاتٍ، وَإِلَى اللَّذَاتِ مُسْرِعَاتٍ، وَ لِلْمَحَرَّمَاتِ مُسْتَحِلَّاتٍ، فِي جَهَنَّمَ دَاخِلَاتٍ (۱).

از امیر مؤمنان علی علیه السلام نقل شده که ایشان فرمودند در آخرالزمان که بدترین زمانها است و پس از آن، حضرت مهدی علیه السلام ظهورش بسیار نزدیک خواهد بود.

در آن زمان، همه جا آشکارا می‌بینی که زنان، حجاب را کنار می‌گذارند و همه لخت و برهنه، خود را در ملاء عام به نمایش می‌گذارند، بدانید که آنها از دین خارج شده‌اند، و هر جا که هیاو و جنجال است زنها هم شریک

ماجرا و حضور دارند و به شهوترانی تمایل بسیار دارند، و برای هوسرانی و خوشگذرانی، فوراً آماده می‌شوند، بدانید که آنها به جهنم خواهند رفت».

گندم از گندم بروید جو ز جو، این مثال را زیاد شنیده‌اید و خوب

می‌دانید که معنای آن چیست؟

بله طبق این امثال، کار به اینجا تمام نمی‌شود که زنها در همه جا لخت و برهنه دیده می‌شوند و هوسرانی و هوسبازی و عیاشی، کار آنها شود، بلکه کار دنباله دارد و عواقب و پیامدهای آن، پدیدار شدن اوضاع و احوالی دیگر است که در تمام مسائل و موارد اجتماعی تأثیر بد می‌گذارد که هیچگاه به نفع مردم و جامعه نیست و اکنون به گوشه‌هایی از تأثیرات بد فساد و بی بند و باری آنها و نتایج نامطلوب و زیانبار رفتار اینچنانی آنها را برای شما بازگو می‌کنیم و ببینیم که آثار کار آنها در واقع تخریب‌کننده سیستم اجتماعی ما است و زوال فرهنگ و تمدن درخشان ما قطعی خواهد بود.

وقتی که زنها به این صورت درآمدند، و در همه جا ارزان و بی قیمت شوند، آیا چه مردی تمایل به ازدواج دارد و در آن صورت چه زنی دوست دارد که به همسر خود وفادار بماند و در آن صورت، تنهایی و جدایی سرنوشت همه می‌شود، تنهایی و جدایی طولانی مدت، آنقدر سنگین و تلخ است و کابوس عذاب آن، روح آدمی را می‌رنجانند و آنها که اهل فهم و

درک هستند خوب می‌دانند که زرق و برق لباسها و قشنگی کوچه و خیابان و پارکها و میادین، جای محبت و عشق و صفای آرامبخش کانون گرم خانواده را پُر نمی‌کند.

بگذارید واضح‌تر و خودمونی‌تر با شما صحبت کنم.

وقتی که اوضاع اینطور شد و سنت ازدواج از بین رفت، آن وقت کسی بابا جون ماما جون نمی‌گوید، چون بچه‌ها این گل‌های زندگی کم می‌شوند.

و هیچ آقا و خانمی نمی‌گویند فرزند عزیزم، قربون اون شکل ماهت برم چون کسی بچه‌ای ندارد.

آن وقت مردی در کنار همسرش که ساحلی از مهر و محبت و آرامش و صفا است نمی‌آساید.

و آن وقت زنی در آغوش همسرش با خیالی راحت، دلگرم و امیدوار، لنگر نمی‌اندازد.

از خاله‌ها دیگه خبری نیست.

عمه جان‌ها وجود ندارد.

عمو جان و بچه‌های عمو و دایی‌ها و بچه‌دائی خبری نیست، و پدربزرگ مهربون و مادر جون خوب که قصه‌های قشنگی می‌گفت در کار نیست.

بساط خانواده برچیده می‌شود و مردم طعم شیرین کانون گرم و پر محبت خانه و خانواده را نمی‌چشند.

و دیگر فخر و مباحات به همه این خوبی‌ها از بین می‌رود.

هر آدم برای خودش تک و تنها است، شاید وقتی که به همدیگر برسند از همدیگر برسند تو بچه کدوم پرورشگاه هستی.

اگر به طور ناخواسته، بچه‌ای درست شد، جایش در پرورشگاه است، محیطی که بچه‌ها از آغاز دوران کودکی، آنجا بی‌مهری را احساس می‌کنند، بچه‌ای که نیاز و خوراکش، محبت و آغوش گرم مادر و خانواده است و روح و رشدش با ماچ و بوسه و آغون باغون ساخته می‌شود از اینها خبری نیست و نازک‌ن ندارد، آن کودکان مظلوم تنهایند و چشمان آنها به انتظاری است که هیچگاه برآورده نمی‌شود و پرستارانی که هیچگونه با آنها نسبتی ندارند تنها طبق تکلیف اداری و شرایط خاصی، انجام وظیفه می‌کنند، این بود داستان دوره کودکی آن بچه‌های معصوم و مظلوم.

و اما در بزرگی،،، وقتی که یک فرد مریض شد و یا در زمان پیری، کسی به عیادتش نمی‌آید، و او را دل‌داری و دلجوئی نمی‌کنند، و مرهم گذار زخم و تسلی دهنده دل ندارد، آنها تنها می‌مانند فقط با قرص و کپسول و مواد شیمیائی سروکار دارند.

اگر کسی مرد،،، هیچ کس خبردار نمی‌شود، کارگران بی تفاوت

شهرداری با ماشین مخصوص، همچون زباله، او را در گودالی به نام قبر می‌گذارند، و دارائیش فنا و همه چیز تمام می‌شود، انگار نه انگار.

نه سنگ قبر نه فاتحه‌ای نه دست گلی، نه صوت قرآنی و نه حمد و نه قل هواللهی و نه کسی بگوید که یادش بخیر و نه کسی می‌گوید برای شادی روحش فاتحه و دعا و صلوات، نه خرما و نه حلوا، و نه سفرهای چلوکباب و پلو قیمه و نه کسی بر سر مزارش یا گل برود و از او یاد کند و نه و نه و نه...

در زنده بودن: همه نسبت به هم بیگانه‌اند در عین حال که می‌بینیم نزاکت و ادب، عاریه و ظاهری است.

در زندگی روزمره، دیگر از لذتها و صفا خبری نیست چون همه تکراری شده تا جایی که بی مزه می‌شود و هیچ چیزی روح آدمی را آرامش و صفا نمی‌دهد.

مردم سردرگم و کلافه، خشونت به جای عاطفه، جنگ به جای صلح، جنایت پشت سر جنایت و...

آنگاه اگر ذره‌ای از چراغ ایمان در دل کسی سوسو کند الغوث الغوث العجل می‌گوید، یا اگر هم این حرفها را نداند و تاکنون نشنیده باشد می‌بینیم که او هم با زبان بی‌زبانی، حرفهای دلش، درست مطابق همین حرفها خواهد بود، رویش را به آسمان می‌کند و دنبال راهنمایی که مرهم

گذار روح و روانش باشد، از خدا می خواهد فریادرسی را بفرستد تا چاره و علاج کارش را بیابد و خداوند مهربان، به یقین که دعاها را مستجاب می کند.

در آن شرایط سخت، به حضرت مهدی علیه السلام از آسمان ندا می رسد که مهدی جان برو، حالا وقت ظهور تو است، حالا همان زمانی است که بروی و مردم را نجات دهی و به زندگی آنها سر و سامان دهی، و گم گشتگان حقیقت را از عشق واقعی سیراب کنی و برای آنها یآوری مهربان و قبله و جلوه حقتعالی شوی، بله این فرمان الهی بود در وقتی که صلاح می داند حجتش را می فرستد تا به داد مردم ستمدیده برسد و بساط ظلم و کفر و فساد را برچیند و کافران و فاسدان را به جهنم بفرستد.

بله چه کسی باعث این همه خطا و بهم ریختگی سازمان زندگی و تمدن و فرهنگ مردم شده؟ جز عده ای حاکمان قلدر و جهان خواران فاسد که می خواهند همه چیز را به طور دائم به اختیار و برای خود در آورند این جنایتکاران که همچون گرگ های بی رحمند بتوسط واسطه های فاسد خود که همان مزدوران بی دین و عمال بدون حقوق و مزایا که همان زنهای هوسباز است که در میان مردم با فسادکاری خود، جامعه و اوضاع را به این روز در آورده اند و در واقع این زنهای بی بند و بار همچون چنگال تیر و بران آن گرگ های خون آشام هستند که با پنجه های خود پیکر جامعه ای را

تکه پاره می‌کنند و سبب فروپاشی و از بین رفتن کانون گرم خانواده و نابودی یک تمدن و یک فرهنگ شده‌اند و برای همین است که می‌بینیم بیشترین پولی که صرف تبلیغاتی که انجام می‌شود برای توسعه فساد و فحشا و بی بند و باری است و این بهترین راهی است که نسل مردم یک جامعه را، حداکثر تا دهها سال که به طول بکشد آنها به مراد و کام دل خود می‌رسند و همان‌ها یعنی استعمارگران به ریش استعمارگران قدیم خواهند خندید، چون آنها با چقدر تلفات و توپ و تانک و تفنگ و سرباز و جنگ‌های بسیار، آخرش با شکست مواجه شدند و غیرت ملی مردم را بدتر به شورش در آوردند و پس از تلاش بسیار، خود را از چنگال آنها رهایی دادند و به آزادی و استقلال رسیدند.

ولی استعمارگران جدید که همان صهیونیسم جهانی است با شیوه شیطانی ترویج فساد که باعث قطع نسل و همچنین به شیوه‌های مختلفی از قبیل انتشار ایدز و مرض‌های دیگر که ساخته و پرداخته آنها است همواره در میان مردم منتشر می‌کنند، و از همه بدتر؟ خانمها که بدون اینکه استخدام شوند و حقوق بگیرند، با بی بند و باری و فساد و فحشا، درست کاری را انجام می‌دهند که در راستای منافع و خواسته همان مستکبران و جهان‌خواران صهیونیسم جهانی هستند پس زنهای بی بند و بار، آنها هستند که شرایط را برای دشمن و بدخواهان انسانیت آسان می‌کنند و آنها هستند

که راه را برای آنها هموار می‌کنند و آنها هستند که مقدمات پیروزی شیطانیان را فراهم می‌کنند و آنها هستند که جامعه و فرهنگ ما را متلاشی می‌کنند و آنها هستند که دین و ایمان مردم را ضعیف و خراب می‌کنند.

حالا می‌فهمیم که چرا بزرگواران دین و آئین ما، وقتی که درباره آخرالزمان صحبت می‌کردند، حالشان بد می‌شد و با غم و اندوه از حال و روز مردم آخرالزمان یاد می‌کردند، پس آنها خوب می‌دانستند اوضاع و حال امروز را، و عاقبت بدتر از این را که در آینده خواهد شد و آنها خیلی چیزها می‌دانستند، برای همین بود که همواره از احیای سنت خوب امر به معروف و نهی از منکر را سفارش می‌کردند.

همه با هم بگوییم یا محمد یا علی: پیغامتان را شنیدیم، شما را بخدا قسم، از خدا بخواهید که به ما کمک کند تا مبادا ما از آنهایی باشیم که با رفتار و کردار بد خودمان، ناخواسته همچون تیشه‌ای باشد که به ریشه اسلام زده باشیم و مبادا ناخواسته از آنهایی باشیم که هر کدام از ما، تیشه به گوشه‌ای از فروپاشی اجتماع زده باشیم.

مِمْ یَک حَرف بادونشان

قال رسول الله ﷺ في آخر الزمان: إنسياب التزك عن الإسلام

پیامبر گرامی ﷺ درباره‌ی یکی از نشانه‌های آخرالزمان فرمودند: «آن‌گاه

که مردم سرزمین ترک از اسلام کناره‌گیری کنند». این کلام پیامبر ﷺ درست در زمانی بیان شد که اسلام هنوز به منطقه ترکیه نرسیده بود ولی پس از رحلت آن حضرت یعنی دهها سال بعد، اسلام وارد آن جا شد و با مرور زمان کم کم تمام آن منطقه به اسلام گرویدند و پس از آن بود که منطقه ترکیه بیش از هزار سال به عنوان یک کشور مقتدر اسلامی، حکومت داشت و در طی این دوره، آن منطقه روز به روز بر رونق و پیشرفت و صنعت و تمدن شکوفایی نایل شد و قرن‌ها سرزمین علم و ایمان و مرکز تحصیل علوم، و اندیشمندان بسیاری داشت و امروز آثار باستانی بسیار باشکوه و بی نظیر از آن‌ها بر جای مانده که همه ساله مورد بازدید صدها هزار نفر از گردشگران است و تمام نواحی یعنی کشورهای اطرافش تحت تأثیر آن‌ها قرار گرفتند و به اسلام گرویدند، این یک طرف قضیه است و از طرفی دیگر، اکنون که زمان حاضر است می‌بینیم که دست‌های پلید صهیونیسم در آن منطقه رخنه و نفوذ کردند و همین سبب شد که آن‌ها با برنامه‌های انحرافی و تبلیغات سوء و به خصوص با برنامه‌های تلویزیونی و مجلات و سرگرمی‌های مغرضانه، باعث تخریب اعتقاد و ضعف ایمان آن‌ها گشته و امروز در آنجا شاهد رواج و گسترش فساد و بی‌دینی روز افزون هستیم و رفته رفته مردم آن سامان اسلام که دین رایج آن‌ها بود به کنار گذاشته و معتقدات ضد دینی در آن‌ها رو به افزایش است و اکنون صحت کلام پیامبر

گرامی ﷺ را بهتر درمی‌یابیم که فرمودند از نشانه‌های دوره آخرالزمان، مردم سرزمین ترک از اسلام کناره‌گیری می‌کنند و در واقع پیش بینی آن حضرت درباره‌ی ترکیه، که بعدها به یک مملکت اسلامی مبدل شد خود یک معجزه از آن حضرت بود و معجزه‌ی دوم آن حضرت برای امروز که به وجود آمد وضعیت پیش بینی شده که امروز دقیقاً همانطور شده است.

﴿ اسلام و مسلمانی در آخرالزمان ﴾

قال رسول الله ﷺ: ان الاسلام بدأ غريباً و سيعود غريباً كما بدأ، فطوبى للغرباء. (۱) پیامبر گرامی ﷺ فرمودند که اسلام در آغاز شکل‌گیری و پیدایش، غریب و تنها بود و همچنین در آخرالزمان اسلام به این وضعیت باز می‌گردد، پس خوشا به سعادت آن عده کم و تنها و غریب در هر دو زمان. «بله مسلمانان در آغاز شکل‌گیری اسلام، عده آنها بسیار کم بود و در مقابل درگیر با سختی‌ها و مشکلات انبوه روبرو بوده‌اند، چون در آن زمان همه‌ی مردم کافر و عده‌ای مشرک و یا بت پرست و متحجر و جاهل و بی‌سواد و بی‌رحم بودند و قرن‌ها بود که مردم این چنین ساخته شده و به این وضعیت عادت داشتند و آن‌گاه که پیامبر ندای توحید و آیات قرآن را بر مردم می‌خواند، مردم متعجب از این برنامه‌ها و حرف‌های جدید بودند و

این‌ها را مغایر و متضاد با کیش و رسومات خود می‌دانستند، لذا دست به اذیت و آزار و خشونت و تهدید و ارباب و گاهی راه‌جنگ را پیش می‌گرفت و آن عده بسیار کم که دعوت پیامبر ﷺ را پذیرفته بودند به ناچار و از ترس دشمن، ایمان و اعتقاد خود را به اسلام پنهان می‌کردند چون از هیچ بلا و گرفتاری آن جاهلان بی‌خرد در امان نبودند و در میان آن مردم واقعا غریبانه و مظلومانه روزگار سختی را گذرانیدند و پس از آن بود که کم‌کم و با تحمل مشکلات و قلم و سخن و جهاد و مبارزه می‌کردند و با مرور زمان به توسعه و افزایش مسلمانها منجر شد و پس از آن بود که موفق به تشکیل دولت اسلامی قدرت یافتند، لذا پیامبر گرامی ﷺ این موضوع را ربط به وضعیت مسلمان در آخرالزمان تشبیه کردند چون در این زمان می‌بینیم که بیشتر مردم مسلمان در همه جای دنیا بر اثر یوغ پلید استعماری و هجوم فرهنگ غربی که حاصل آن، بی‌بند و باری و فساد و گسستن مردم از تاریخ با شکوه خود و به هم ریختن کانون گرم سالم و باصفای خانواده و عدم احساس و مسئولیت در قبال دین و آیین و وطن و میهن خود می‌باشند و روز به روز ضعف ایمان و زوال اعتقاد پاک و مقدس الهی در میان مردم را مشاهده می‌کنیم، و عده‌ی مسلمانان واقعی که ایمان راستین دارند، روز به روز در میان این مردم بی‌دین شده کمتر می‌شوند و احساس ضعف و تنهایی می‌کنند و غریبانه روزگار خود را می‌گذرانند و همواره این‌ها درگیر

رفتار و کردار ناپسند و غیر اسلامی مردم منحرف شده و دولتمردان دولتهای فاسد و عیاش مزدور غرب و صهیونیزم و از هیچ ازار جسمی و روحی بی نصیب نیستند.

و باز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

سَيَأْتِي زَمَانٌ عَلَى أُمَّتِي لَا يَبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ وَلَا مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ، يُسَمُّونَ بِهِ وَهُمْ أَبْعَدُ النَّاسِ مِنْهُ، مَسَاجِدُهُمْ عَامِرَةٌ وَهِيَ خَرَابٌ مِنَ الْهُدَى. (۱)

زمانی بر امت من خواهد آمد که از قرآن کریم جز خط و نقش و نگار نماند، و از اسلام نماند جز اسم آن، مردم به اصطلاح و ظاهراً مسلمانانند ولی آن‌ها از اسلام به دورند، مسجدهای آن‌ها با بناهایی بزرگ و باشکوه ظاهراً آباد است ولی از هدایت و اصلاح مردم خراب و بی خاصیت و بی اثر است.

بله امروزه همان زمان است که شاید در آینده هم وضع بدتر از این خواهد شد، می بینیم که قرآن کتابی خوش نقش و نگار در میان این مردم بسیار است و مردم به اصطلاح مسلمانند ولی رفتار و کردار آنها مغایر و متضاد با اسلام است، مسجدها آباد و پر زرق و برق است و دیگر جایی نیست که انسان ساز و پایگاه رشد، اعتقاد و ایمان مردم بوده باشد.

والحمد لله ایران اسلامی مستثنای از بقیه کشورهای به اصطلاح اسلامی است که باز هم جای بسی امید و خوشبختی است.

☪ به اوج رسیدن دانش و جهل و فساد در آخرالزمان ☪

یکی از بیانات حضرت محمد ﷺ درباره‌ی مردم آخرالزمان و اوضاع و احوال و امور دنیای آنها این چنین پیش بینی نموده است.

قال النبی فی أوضاعِ آخرِ الزمان. قال فأوحی إلیّ ربّی عزّوجلّ
یکونُ ذلک إذا رُفِعَ العِلْمُ. وظَهَرَ الجهلُ.

پیامبر گرامی درباره‌ی اوضاعی که در آخرالزمان رخ می‌دهد فرمودند، که از پروردگار عزوجل درباره‌ی اوضاع آخرالزمان پیامهایی به من رسید. آخرالزمان زمانی است که دانش و پیشرفت بشر به سطح بالایی می‌رسد، و همزمان با آن، جهالت مردم بیش از همیشه آشکار می‌شود.

تکته: جهالت یعنی نادانی و نادرستی در رفتار و کردار است، خواه علم و دانش در هر حد توسعه کند، امروزه جهان ما در سطح بالایی از پیشرفت علوم و توسعه تکنولوژی و ابزارهای مدرن است، درست در همین حال مردم غرق در فساد و فحشا و بی بند و باری هستند که اثرات بد و نامطلوب آن بسیار است و از جمله آنها، فروپاشی کانون گرم خانواده و زوال بهترین سنت‌های اخلاقی، و انحطاط مدام در حال گسترش است همان گونه که

دانش و پیشرفت وسائل و دستگاهها همواره در حال مدرنیزه تر شدن می باشد، می بینیم ملتها به تدریج با کاسته شدن نسل آنها مواجهند و کم تر شدن عده آنها و تاریخ پرشکوه گذشته آنها در حال زوال است و کم کم تا آن جا می رسد که یاد و یادگاری از آنها بر جای نماند و این آخرین شیوه و طرح نقشه یهودیان جهان است که با پدید آوردن این وضعیت، دنیا را از مردم خالی کنند تا کره ی زمین به تنهایی و بدون رقیب، در اختیار صهیونیزم قرار بگیرد همان گونه که امروز، امریکا این ابرقدرت، در قبضه آنهاست و اروپا هم بدون آنها آب نمی خورد. برای همین است که صهیونیزم اصرار دارند فساد و فحشا را در تمام زمینه ها رواج و گسترش دهند و به اصطلاح آنها تا صد سال دیگر یعنی با گذشتن دو الی سه نسل آینده، کشورها کاملا از مردم خالی شود یعنی نه مسلمانی و نه مسیحی و نه پیرو ادیان دیگر، البته ایران اسلامی ما الحمدلله از آنها مستثنی است ولی هر جای دنیا را در نظر بگیریم دقیقا دچار همان وضعیت نامطلوب شده اند و این وضعیت کاملا قابل لمس است، و امروز همان زمان است که پیامبر گرامی خبر از پیشرفت و توسعه علم و صنعت همزمان با گسترش فساد و تباهی برای مردم زمانش تعریف نموده و همچنین برای ما هشدار می دهد است که باید از آن با سلامتی دین و اخلاق شایسته، روزگار خود را به پاکیزگی بگذرانیم.

وَكثُرَ الْقُرَاءِ و افزون شدن باسوادها که نشانه توسعه سطح دانش است.
 وَقَلَّ الْعَمَلُ و همزمان با آن از عمل کردن خبری نیست. از صلح و
 عدالت اجتماعی در دنیا زیاد گفته می شود، ولی می بینیم که هر روز بر
 دامنه فساد و تباهی و فتنه و آشوب و جنگها و خون ریزیها، در این جا و
 آن جای دنیا در حال گسترش است.

وَكثُرَ الْفِتْكَ و بسیار شدن ظلم و ستم و هتک حرمتها.

وَكثُرَ الشُّعْرَاءُ و بسیار شدن شاعران یاوه سرا.

وَحَلِيَّتِ الْمَضَاحِفِ و بسیار قشنگ شدن قرآنها و کتابها

وَزُخْرِفَتِ الْمَسَاجِدِ زینا و آراسته شدن مسجدها

وَكثُرَ الْجَوْرِ وَالْفُسَادِ و بسیار شدن ظلم و ستمکاری و گسترش فساد

وَوَظَهَرَ الْمُنْكَرُ، وَأَمْرَ أُمَّتِكَ بِهِ و آن زمان آشکار شدن منکرات و فحشا،

و مردم در این زمینه همواره همدیگر را تشویق و یاری و توصیه می کنند.

وَنَهَوْا عَنِ الْمَعْرُوفِ مردم آن زمان همدیگر را از انجام کارهای خوب و

دینداری باز می دارند و سبب منحرف شدن هم می گردند.

وَكَتَفَى الرَّجَالَ بِالرِّجَالِ وَالنِّسَاءَ بِالنِّسَاءِ مردها در تمام

زمینهها به همدیگر اکتفا می کنند و زنها با زنها به همدیگر ارضا و پسند

می شوند.

دولتمردان و هواداران آنها این چنین می شوند.

وَصَارَتِ الْأَمْرَاءُ كَفَرَةً دَوَّلِمُردان و آنها که زمام امور مردم را به دست دارند، همگی کافر و بی دین می گردند.

وَأَوْلِيَانَهُمْ فَجَرَهُ كَارِگزاران و اطرافیان و پیروان آنها، همگی فاسد و عیاش اند.

وَأَعْوَانُهُمْ ظَلَمَهُ و یاری دهندگان آنها از هر لحاظ که باشد همه ستمکارند و در ظلم سهیمند.

وَذُوُّ الرَّأْيِ مِنْهُمْ فَسَقَةٌ افراد معروف و چهره های سرشناس و سخنگویان آنها همگی فاسد و بی بند و بارند، وقتی که این پیش بینی ها را با دقت بخوانیم آن گاه می فهمیم که وضعیت مردم این زمان، هرچند که در لفافه زرق و برق است و کسی متوجه عاقبت بد و شوم آن نمی شود مگر آنها که هر چیز و هر کاری را با نتیجه گیری و دوراندیشی در نظر می گیرند، در می یابند که وضعیت امروز را که اگر این گونه توسعه یابد مردم، آینده ای صالح و سالم نخواهند داشت و ضررهای هولناکی دارد که این خوشی و هوسرانی، آنی و زودگذرها، ارزش آن را ندارد، در واقع با مصالح و منافع لحظه ای و کوتاه مدت خودمان، آینده ای با سرنوشت ناخواسته و نامطلوب مواجه خواهیم شد و مقدمات و زمینه های تخریب، شرایط بد وضعیت آینده را به دست خودمان در حال به وجود آوردن هستیم. (۱)

اختلال در وضع طبیعت و اوضاع مردم

علی علیه السلام درباره آخرالزمان و نشانه‌های نزدیکی ظهور حضرت مهدی علیه السلام سخنان بسیار دارد و یکی از آنها که اینک می‌خوانید اهمیت بسیاری دارد و هر چند که این حدیث از نظر علمی، احتیاج به تحقیق بیشتری دارد ولی ما چاره‌ای جز خلاصه گفتن نداریم.

قال امیرالمؤمنین علیه السلام بین یدی المهدی، موت احمر، و موت ابیض و جراد فی حینه و جراد فی غیر حینه کالوان الدم، فاما الموت الاحمر فالسيف و اما الموت الابيض الطاعون (در نزدیکی ظهور حضرت مهدی علیه السلام وضع بگونه‌ای می‌شود که مرگ سرخ و مرگ سفید، همه جا را فرا می‌گیرد و همچنین، پدیدار شدن ملخها در وقت و فصل خود، و نیز در غیر وقت و موقع خود، ملخهای سرخ رنگی منتشر می‌شود.

مرگ سرخ: مرگهای خونین بتوسط قتل و کشتارها

و مرگ سفید: مرگها طاعونی است.

علی علیه السلام پیش‌بینی می‌کند که در آخرالزمان، مرگها فراوان می‌شود، چه آنهایی که در قتل و نزاع و کشتار در جنگها، از بین می‌روند، و چه آنهایی که توسط وباها و میکروبی و تازه پدید آمده، از بین می‌روند، و امروز می‌بینیم که آفتهای میکروبی مثل ایدز و سارس و تب زرد و غیره، هر روز

وباهای مدل جدید میکروبی بسیار خطرناک پدید می‌آید و در بین مردم منتشر می‌شود و جان میلیون‌ها انسان را در خطر مرگ حتمی قرار می‌دهد و هر روز به تعداد آمار و ارقام مبتلایان به این وباهای میکروبی، بصورت وحشتناک، همواره در حال افزایش است و چه بسا در آینده، آفتهای واگیردار دیگری بوجود می‌آید و جان مردم کشورها را بیشتر تهدید کند.

وباهای مدل جدید و مسری و لاعلاج، یکی پس از دیگری، در بین مردم منتشر می‌شود و بر اثر، آن مرگ و میرها افزایش می‌یابد و احتمال بسیار دارد که بر طبیعت و موجودات ریز و درشت هم تأثیر بگذارد.

آنحضرت از منتشر شدن مرض طاعون اشاره می‌کند، و اکنون می‌دانیم که طاعون از بدترین میکروبها شکل می‌گیرد و انواع آن گوناگون است. لذا آنحضرت از این وباهای مسری و خطرناک، از نام طاعون استفاده کرد تا مردم آنزمان بتوانند درک و قبول کنند چون نام این وبای مسری برای همه آشنا بود و اگر آنحضرت از ایدز و سارس و غیره سخن می‌گفت، کسی نمی‌توانست باور کند و بفهمد چون این چیزها را کسی ندیده و نشنیده است.

آنحضرت پس از آن کشتارهای فردی و جمعی، و آن وباهای مسری، از پیدایش ملخهای انبوه و متمایل برنگ سرخ، اشاره می‌کند، چه آنهایی که در فصل خود و موقعیت‌های جغرافیایی خاص، طبق معمول گاهی پدیدار و

منتشر می‌شوند و چه آن ملخها و آفت دیگری که در غیر فصل خود و در غیر موقعیت‌های جغرافیایی که سابقه در آنجا نداشته، بوجود می‌آیند.

و همه اینها از بر هم خوردن شرایط طبیعی در این زمان را می‌رساند، آمار مبتلایان و قربانیان ایدز هر روز بمراتب افزایش می‌یابد و هجوم بی‌سابقه حیوانات عجیب و غریب به مزارع و روستاها در اینجا و آنجا شنیده می‌شود و هر روز خبر تازه‌ای از نابودی گونه‌های گیاهی و انقراض حیوانات ریز و درشت از رسانه‌های گروهی پخش می‌شود و از آلودگی روز افزون، شرایط طبیعی را بر هم می‌زند و بلایای طبیعی کم‌سابقه با اشکال مختلف، پی در پی و در همه جا نفوذ می‌کند و خلاصه این که حوادث ناخواسته بیداد می‌کند و حال و روز مردم آخرالزمان هر روز مشکلتر خواهد شد با اضافه افزایش و درگیریهای سیاسی و نزاعهای قومی و جنگهای ناحیه‌ای و منطقه‌ای که همه اینها نتیجه شیطنت و فتنه‌انگیزی قدرتهای جهانخوار است و آنها اهداف شومی را برای مردم تمامی جزایر و قارات دارند و هر لحظه احتمال خطر وقوع جنگ جهانی هم وجود دارد و از هر طرف با اشکال مختلف، مردم دنیا در معرض گرفتاری و مرگهای جورواجور قرار دارند.

گرم شدن هوا در آخرالزمان

و اکنون به این حدیث بسیار جالب که درباره گرم شدن هوا در آخرالزمان اشاره دارد توجه کنیم.

.... قَالَ: سَمِعْتُ الرَّضَا يَقُولُ قَبْلَ هَذَا الْأَمْرِ بِتَوْخٍ، فَلَمْ أَذِرْ مَا الْبِتَوْخِ فَحَجَجْتُ، فَسَمِعْتُ أَعْرَابِيًّا يَقُولُ: هَذَا يَوْمٌ بِتَوْخٍ فَقُلْتُ لَهُ: مَا الْبِتَوْخِ؟ فَقَالَ: الشَّدِيدِ الْحَرِّ (۱).

در حدیثی که از امام رضا علیه السلام بدست ما رسیده، بر موضوع بسیار مهم دلالت دارد.

یکی از علاقمندان به آن حضرت گفت، شنیدم که امام رضا علیه السلام فرمودند قبل از ظهور یعنی در آخرالزمان گرمای شدیدی همه جا را فرا می‌گیرد، و آن حضرت گرما را به مکان خاص، مشخص ننموده است به این معنا است که زمین را گرمای شدیدی فرا خواهد گرفت.

چند سالی است که هر چند روز یکبار، می‌بینیم که در رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها، به طور مرتب و پی در پی، از گرم‌تر شدن کره زمین گفته می‌شود و همواره، کارشناسان در این باره، حرفهای تازه‌تری می‌گویند و علل مختلفی را برای آن ذکر می‌کنند ولی آنچه که مسلم است گرمای شدید در حال افزایش و طولانی‌تر شدن مدت آن در هر سال، همواره بیشتر

می‌شود و حقیقت گرما برای مردم دنیا در همه جا به خوبی احساس می‌شود و زیست‌شناسان از تأثیرات مخرب گرما بر اکوسیستم طبیعت، همواره مواردی را متذکر می‌شوند.

آنچه که مهم است و ذهن هر شیفته و خردمندی را جلب و متوجه آن می‌شود، همین جمله از امام رضا علیه السلام که در هزار و سیصد سال پیش بیان شده، و او از گرمای شدید در آخرالزمان خبر می‌دهد.

آن شنونده که این گفتار را از امام شنید، او به خوبی متوجه معنا و مفهوم آن نشد ولی این ما هستیم که بهتر از آن شنونده، اینک معنای واقعی کلام آن حضرت را می‌فهمیم چون اکنون ما هستیم که این گرما را حس می‌کنیم و جنجال بحث مفصل آن را به طور مرتب می‌شنویم و از حقیقت گفتار آن حضرت و این گرما آگاه هستیم.

آیا ممکن است گرمای آتشفشانی که مواد مذاب و گداخته و آتش از آن فوران می‌کند، از فاصله بسیار زیادی احساس کنیم؟ هرگز! چون آن گرما هر چه باشد تا فاصله معین و تا حدودی می‌توان گرمای آن را احساس کنیم و نه بیشتر.

آیا می‌توان گرمایی را حس کنیم که فردا و یا روزهای آینده آن آتش برافروخته می‌شود، امروز آن را احساس کنیم؟ هرگز و هرگز تا چه برسد به هزار و سیصد سال بعد از بیان این گفتار، وضعیتی پدید می‌آید که گرما همه

جای زمین را فراگیرد.

بزرگان دین و آئین ما، از آخرالزمان برای مردم زمان خود، سخن بسیار گفته‌اند و تعریف و توصیف بسیار نموده‌اند و بیشتر اوضاع و احوال این زمان را برای آن مردم، گوشزد کرده‌اند و در واقع هشدار باشی نیز برای ما هم هست.

و یکی از آن پیش بینی‌ها که اکنون به حقیقت پیوسته، همان است که حضرت رضا علیه السلام وقتی که درباره ظهور حضرت مهدی علیه السلام تعریف می‌نمود، می‌گوید که قبل از آن گرمای شدید و طولانی مدت، همه جا را فرا می‌گیرد، شاید کسی پرسد چگونه؟ مگر طبیعت و نظام آن به هم می‌خورد؟ بله ما امروز شاهد ویرانگری در طبیعت و اکوسیستم آن می‌باشیم و هر روز بر خطرات و آلودگی آن افزوده می‌شود.

پیش بینی کردن و به حقیقت پیوستن، بسیار مهم است و کاری است الهی، و این کار تنها از برگزیدگان خدا بر می‌آید.

و حرف آخر این است که ما عرض کنیم، ای امام رضا، پیامت را که گفته بودی شنیدیم و گرمائی را که پیش بینی نمودی، اکنون حس کردیم، آقا جان از خدا بخواه که در این وضعیت و شرایط زودگذر دوره آخرالزمان، ایمان ما را حفظ و مصون بدارد و از شر آفات هوی و هوس‌ها و بی بند و باری در امان بدارد و چشم ما را به جمال حضرت مهدی علیه السلام

روشن بگرداند.

به امید آنکه یاری از یاران آن حضرت باشیم.

﴿﴾ بالا آمدن سطح آب در آخرالزمان ﴿﴾

روزی دوستان و علاقمندان امام حسن عسگری علیه السلام در کنارش نشسته بودند و سؤالهای مختلفی از او می پرسیدند، شخصی از امام پرسید، تا به کی به انتظار فرج ظهور حضرت مهدی علیه السلام باشیم؟ آن حضرت در جواب فرمودند:

إِذَا ظَهَرَ الْمَاءُ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ (۱) آن گاه که آب بر زمین بالا بیاید، امروزه زمزمه گرم شدن تدریجی کره ی زمین به علی و از آن جمله تخریب لایه ی اوزون در همه جا شنیده می شود. عده ای از دانشمندان و کارشناسان ادعا می کنند که سالی نیم درجه و عده ای دیگر می گویند پنج سالی یک درجه فارنهایت، همواره کره ی زمین گرم تر می شود، و هر چند وقت، رادیو و تلویزیون و روزنامه ها، خبرهای جدیدی از گرم شدن کره و ذوب شدن روز افزون یخهای قطبی موضوعاتی منتشر می شود پس با چنین شرایطی به نظر می رسد که هم اکنون قطبها به علت فزونی دمای گرما در آن جا، کوههای یخی در حال ذوب و رها شدن تدریجی هستند و اگر روزی فرا

۱. بحار الانوار، جلد السماء و العالم؛ والإختصاص، ص ۱۰۲.

رسد که گرما به حد بالاتر برود، آن گاه باعث ذوب شدن بسیاری از کوه‌های یخی منجر می‌شود و به این دلیل بیشتر زمین‌هایی که سطح آن‌ها پایین‌تر است حتماً به زیر آب خواهند رفت و حتی دانشمندان، بیشترین مناطقی را که به زیر آب فرو می‌روند مشخص کرده‌اند و با محاسبه روی این وضع، پیش بینی می‌کنند که بسیاری از نقاط خشکی قاره‌ها و جزایر مثل کشور ژاپن و هلند و ایرلند و غیره به زیر آب فرو خواهند رفت.

آیا این سخن امام حسن عسکری علیه السلام تنها برای آن فرد بود و یا پیامی از او برای ما که در شرف وقوع این وضعیت هستیم؟ یعنی شاهد گرم شدن تدریجی و ذوب شدن یخ‌های قطب‌ها هستیم و آیا یک انسان معمولی می‌تواند این گونه پیش بینی کند و پس از هزار و سیصد سال، این گونه به حقیقت برسد؟ جوابش به عهده شما است؟

عجائب در آخرالزمان

از آخرالزمان و اوضاع آن، در انجیل قدیم هم موضوعاتی مطرح شده بود و با خواندن این مطلب، می‌توانیم بفهمیم که بین انجیل قدیم با انجیلی که اکنون هست، تفاوت بسیار است و خیلی از مطالبی که در آن بوده، امروز وجود ندارد و کاملاً حذف شده است.

در کتاب بحارالانوار، آن بخش که درباره حضرت مهدی علیه السلام است این

مطلب دیده می شود.

عن عبدالله ابن سلیمان کان قارئاً للکتاب، قال: قرأت فی الإنجیل، فی ذکر أوصاف النبی ﷺ، إلی أن قال تعالیٰ لعیسیٰ ﷺ: أَرْفَعُکَ إلیَّ ثُمَّ أَهْبِطُکَ فِی آخِرِ الزَّمَانِ لِتَرَى مِنْ أُمَّةٍ ذَکَ النَّبِیِّ الْعَجَائِبِ، وَ لِتَعِیْنَهُمْ عَلَی اللَّعِیْنِ الدَّجَالِ، وَأَهْبِطُکَ فِی وَقْتِ الصَّلَاةِ لِتُصَلِّیَ مَعَهُمْ إِنَّهُمْ أُمَّةٌ مَرْخُومَةٌ.

«شخصی به نام عبدالله ابن سلیمان در زمان پیامبر گرامی ﷺ، فردی با سواد و از کتابخوان های معروفی بود، او می گوید که در کتاب انجیل درباره پیامبر اسلام می خواندم، تا رسیدم به آنجا که خداوند عزوجل به حضرت عیسیٰ ﷺ فرمود که تو را به سوی خود به آسمان ها می برم و پس از گذشت مدتی از زمان، تو را آن وقتی فرود می آورم بر زمین که آخرالزمان است تا بینی عجایب و شگفتی های مردم در آن زمان از امت محمد ﷺ و همچنین مؤمنین امت محمد را علیه دجال ملعون، یاری کنی و تو را آن وقت فرود می آورم بر زمین که وقت نماز است تا با آنها نماز بخوانی و به یقین بدان که آن امت، مردم خوبی هستند که مورد رحمت و عنایت خداوند قرار دارند.»

به امامت حضرت حجت ﷺ، بزرگترین نماز جماعت برپا می شود آن وقتی که آن حضرت ظهور کند و در این باره، احادیث بسیاری هست که انبیاء و اولیاء بسیاری در آن نماز جماعت حاضر می شوند و از آن جمله،

حضرت عیسیٰ علیه السلام می باشد.

بله آن مردم خوب در آخرالزمان که مورد عنایت خاص خداوند هستند همانهایی که در بدترین وضعیت قرار می گیرند با این حال، ایمان خود را محکم و استوار نگه می دارند و گسترش فساد و فحشا و بی دینی و فتنه ها در آنها تأثیر نمی گذارد، لذا آنها با گذشتن از سخت ترین شرایط، ایمان خود را حفظ می کنند و از انجام هر گناه خودداری می کنند و آنها می توانند از یاران با وفا و راستین حضرت مهدی علیه السلام باشند چون سلامتی از تمام زرق و برق و هوی و هوس های آن زمان توانستند بگذرند و به آن حضرت ملحق شوند، لذا خداوند به حضرت عیسیٰ می فرماید که آنها را مردمی خوب و مورد عنایت حق تعالی خطاب و توصیف می کند، چون سختی های بسیاری را تحمل کردند و هیچگاه رنگ نباختند و پا برجا و استوار، خود را از روزگاری که در و دیوار آن رنگ و بوی فساد و فحشا می دهد از این بحران فاسد چند ساله به سلامتی دین و ایمان بگذرند و خود را به حضرت بقیة الله الأعظم برسانند.

می دانیم که خداوند حضرت عیسیٰ علیه السلام را به آسمان بُرد، آن زمان که یهودیان فکر می کردند که آن حضرت را با صلیب به قتل رساندند و در واقع برای آنها خیالی بیش نبود بلکه خداوند، حضرت عیسیٰ را زنده به آسمان، بالا بُرد و آن نابخردان در فکر باطل خود ناکام ماندند.

و همانطور که خداوند در قرآن مجید بیان فرموده، ما اعتقاد داریم که حضرت عیسی نمرده، بلکه زنده به سوی آسمان عروج کرد.

و همچنین در گفتار پیامبر گرامی و ائمه معصومین علیهم السلام احادیث بسیاری هست که این چنین یاد نموده‌اند که حضرت عیسی در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام او می‌آید و به آن حضرت ملحق می‌شود.

از دلائل و قرائن معلوم می‌شود که تمام این موارد در انجیل ذکر شده بود، البته نه انجیلی که امروز در دست مسیحیان قرار دارد چون ما به دلائل بسیاری اعتقاد داریم که انجیل اصلی اکنون وجود ندارد و خیلی از موضوعات آن مورد دستبرد و انحراف واقع شده است.

در موزه‌های محرمانه مسیحیان، انجیل‌های قدیمی و گوناگون وجود دارد که خیلی از موارد را بیان نموده و به خصوص درباره حضرت محمد صلی الله علیه و آله که او آخرین پیامبر است و بعد از حضرت عیسی علیه السلام، مژده آمدنش داده شده بود و خیلی مسائل دیگر، که امروز به ناحق و به ناروا، آنها را در کنج مخفی گاه‌های موزه‌هایشان نهاده شده، تا مردم به انجیل کنونی که در دست آنها است ایمان داشته باشند تا پیوندی با اسلام و قرآن پدید نیاید و همچنین آنها را از مسلمانان جدا کنند تا اعتقادات مردم به سمت حق و حقیقت اسلام تغییر نکند، و ما نمی‌دانیم که قصد و هدف آنها در این کار چیست؟ تنها خدا می‌داند، ولی این را به طور یقین می‌دانیم که خورشید،

همیشه پشت ابر پنهان نمی ماند.

و از نکات جالب این است که در انجیل قدیم از اوضاع آخرالزمان نیز نوشته بود که در آن زمان عجایب و شگفتی های بسیاری که واقعاً دیدنی خواهد بود یاد شده است، و امروز بشر معاصر توانست در پرتو دانش پیشرفته خود، تمدن و صنایع عجیبی را پدید آورد، از آسمان خراش ها و هواپیماهای جور واجور و شهرهای آباد و هزاران چیز دیگر که هیچگاه در زمانی دیگر، این همه شگفتی ها و عجایب وجود نداشت و این پیش بینی که امروز به حقیقت پیوسته، در واقع حقیقت انجیل زمان های گذشته را می رساند و ثابت می کند که انجیل امروزی، خیلی از مسائل و حقایق را از آن حذف کرده اند، از آن جمله همین موضوع که درباره حوادث و اوضاع آخرالزمان است.

عبدالله بن سلیمان کسی که این موضوع را در انجیل خوانده بود، اکنون بیش از هزار و چهارصد سال از آن تاریخ گذشته، و خود آن مرحوم هم، حقیقت چگونگی این گفتار را به درستی نفهمید ولی این زمان که ما در آن قرار داریم و این عجایب را می بینیم و آن را آخرالزمان می شناسیم، اکنون بهتر از او می فهمیم حقیقت و ماهیت آن نوشته را که او در انجیل خوانده بود.

دوره آخرالزمان زمانی است که عمران و آبادانی و رونق آن بقدری

است که تاریخ زمین، همانند آن را تاکنون کسی مشاهده نکرده، ولی متأسفانه ظلم و فساد هم در حالی که در لفافهٔ زرق و برق نمایان است همواره در حال توسعه و گسترش است و حاکمانی خودخواه و مست و مغرور با ندای آزادی و دمکراسی آلوده به فساد و فحشا و شعار فریب دهنده و با عنوان ترقی، کارهای تباه خود را این چنین جلوه می‌دهند و صدای آنها با تبلیغات بسیار از این گوشه و آن گوشهٔ دنیا بلند است که هر چند تفاوت در ملیت‌های آنها دیده می‌شود ولی همگی در لوای بی بند و باری و ترویج هوسبازی و شهوترانی، متحد الشکل هستند، و می‌رود تا روزی فرا رسد که نداهای گوناگون آنها به یک ندا تبدیل و هماهنگ شود، ندای دجال که در واقع قدرت نما دین صهیونیسم را که زمام امور جهان بدست آنها خواهد بود و دنیا را به تسخیر در می‌آورند و مزدور آنها به نام دجال با قدرت و دغل کاری و توطئه، مردم عراق و کشورهای خاورمیانه را فریب و گمراه می‌کند و هر جایی که ندای ایمان راستین و اعتقادی به الله باشد سرکوب خواهد کرد و تنها شعاری که دارد آزادی در بی بند و باری است.

نامش دجال نیست بلکه این نام بیانگر اوصاف او است چون دجال به معنای دغلکار و فریبکار و تزویرگر است که می‌تواند با حيله و نیرنگ‌های خبیثانه خود، مردم سست ایمان را فریب دهد و همه را دنباله رو و خود

گرداند، اما این را بدانیم که او از برای آزادی و نجات مردم نمی آید و تنها قصد او جهانخوارگی و تسلط بر همه جا است و همه را مطیع و رام خود می خواهد و پس از آن با نیت های شوم و زمینه سازی فساد و فحشا باعث می شود نسل مردم را با عناوین مختلف، قطع کند و آثاری از ملت ها و فرهنگها در کار نباشد و تنها خود با دار و دسته اش می خواهد که به آرزوها و مطامع دیرینه اش در سرتاسر جهان حاکم شود و همانگونه که پیشوایان ما گفتند، دجال با ظاهر آزادیخواهانه و طرفداری از دموکراسی ولی در باطن، دستهای پلید صهیونیزم است که می خواهد دنیا را تسخیر کند و قدرتی جز قدرت حضرت مهدی که به فرمان خدا ظهور می کند، تنها او می تواند دنیا را از چنگال شوم و پلید صهیونیزم نجات دهد.

همانگونه که پیشوایان ما از آخرالزمان و دجال گفته اند، در می یابیم که او یهودی است و تمام جهان را برای منافع یهودیان می خواهد.

و چه کسی امروز نمی داند که یهود حاکم بر اغلب نقاط جهان است و آمریکا و سایر کشورها، در نفوذ و سیطره آنها است و هر خط فکری که با آن سازگار نباشد، با شیوه ها و عناوین مختلف از سر راه خود بر می دارد و هر چه زمان بگذرد می بینیم که وضع به نفع یهود تمام می شود و هر لحظه دایره قدرت و تسلط آنها بر جهان، وسیع تر می شود.

﴿ پیشرفت و ساده شدن ارتباطات در آخرالزمان ﴾

پیامبر گرامی از پیشرفت علم و صنعت زمان ما، برای مردم زمان خود، تعریف و توصیف بسیار نموده و از آن جمله، این است که وقتی آنحضرت که این حدیث را بیان می فرمود، باعث تعجب و حیرت حاضران شده بود و شاید کسانی هم در آن جا بودند که تصور و باور کردن این حرفها برایشان مشکل بود، به هر حال امروز همان زمانی است که پیامبر گرامی پیش بینی کرده و ما اکنون شاهد و ناظر این پیشرفتها هستیم.

قال رسول الله ﷺ: **والذي نفس محمد بيده لا تقوم الساعة حتى يكلم الرجل شراك نغله وعذب سوطه مما فعله أهله.** (۱)

«رسول خدا ﷺ فرمودند: سوگند به آن کسی که جان محمد ﷺ در دست او است، زمانی فرا می رسد که بند کفش و دسته تازیانه و چوب دستی، با مرد صحبت می کنند و اینها او را از کارهایی که همسرش در خانه انجام می دهد باخبر می سازد.»

پیشرفت و صنعت زمان ما بقدری وسیع است که تمام وسایل و امکانات مایحتاج مردم، در همه ی موارد، برای رفاه زندگی، کاملاً مهیا و ساخته شده است به طور مثال یکفرد در هر کجا که باشد با وسیله ارتباطی که همراه دارد و آن وسیله چه در کفش و یا در کمر بند و یا در مچ دستش و یا

به دسته کلید وی نصب شده، هر لحظه زنگ آن بصدای او می‌آید و به او می‌گوید که در منزل شما چه خبر است یعنی همسرش از کاری که انجام داده و یا در هر وضعیتی که هست باخبرش می‌کند.

امروز در کفش و تازیانه و چوب دستی، دستگاه مکالمه جاسازی نشده، چون نیازی به آن نیست و اگر لازم بود این کار را می‌کردند و این چیز مهمی نیست در مقابل این همه وسایل و امکانات پیشرفته و مدرن ریز و درشت از همه نوع وسایل مخابراتی و صوتی برای مکالمه و غیره که ساخته شده و مورد استفاده مردم قرار دارد و منظور آن حضرت از این که این مثال را گفته که این موضوع مکالمه با قطعات ریزی که در کفش و چوب دستی و تازیانه و کمر بند، جاسازی می‌شود، آن قدر ساده و پیش پا افتاده است که دلالت و کنایه از ناچیز بودن این موارد یاد شده می‌باشد، در مقابل وسایل و امکانات بسیار مهمتر و پیچیده‌تر که بشر آن را خواهد ساخت.

امروز رادیوهای بسیار کوچکی ساخته شده که در لابه‌لای ساعت دستی، آن را جاسازی کرده‌اند و به توسط این رادیو، از اخبار دنیا با خبر می‌شویم و امروز دستگاه بی‌سیم بسیار کوچکی که به صورت دکمه پیراهن یک جاسوس ساخته شده و امثال این‌ها را می‌توان در هر جا به صورت پیدا و ناپیدا نصب و جاسازی شوند.

و این سخن پیامبر گرامی در زمانی بیان شد که مردم از مسایل ساده و

دانش و صنعت غافل و بی خبر بودند، و در ضمن باید بدانیم که واقعا جرأت بسیار لازم است تا این که آن حضرت در آن زمان این چنین بگوید چون شاید مواجه با ناباوری مردم شود و چه بسا به آن حضرت در مقابل این حرفها نسبت جنون داده می شد، چون این سخنان آن حضرت برای مردم آن زمان بسیار عجیب و غیر قابل درک و تصور بود، و ذهن مردم دچار بهت و ناباوری می گشت، لذا آن حضرت وقتی که این وضعیت را می دید ناچار بود که سوگند یاد کند که حتما این وضعیت به وجود می آید، برای این که مردم این حرفها را شوخی نپندارند و باور کنند که این طور خواهد شد، و آیا امروز برای صحت و درستی کلام آن پیامبر خدا، جای شک و تردید برای ما وجود دارد؟

از روی دلایل و قراین مجموعه‌ی سخنان آن حضرت، درباره‌ی پیش بینی اوضاع و احوال زمان ما، می توانیم بفهمیم که پیامبر گرامی خیلی چیزها را می دانستند و بیان نکردند، منتهی با ملاحظه و احتیاط گاه به گاهی در لابه لای سخنان خود، نکاتی مهم را گوشزد کند و نه همه چیز را، چون احتمال ناباوری مردم و عدم درک آنها به خاطر نبودن علم و صنعت در آن زمان، چه بسا مشکلاتی متوجه آن حضرت می شد و به حق چه نیکو و به جا است که می شنویم و می گوئیم که: **أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ**: شهادت و گواهی می دهم که محمد ﷺ به حق

فرستاده‌ی خداست.

﴿ در آخرالزمان مردم از راه دور همدیگر را می‌بینند ﴾

آیا می‌توانید درباره‌ی موضوعی پیش بینی کنید که تا ۲۴ ساعت آینده چه اتفاقی می‌شود و آن چگونه و به چه شکلی و در کجا رخ می‌دهد؟... هرگز؟!

یکی از پیش بینی‌هایی که امام صادق علیه السلام در هزار و سیصد سال پیش از پدید آمدن وضعیتی، آن هم با یقین تام اعلام نموده، و اکنون پدیدار شده است.

إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَهُوَ بِالْمَشْرِقِ لَيَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ، وَكَذَا فِي الْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهُ الَّذِي بِالْمَشْرِقِ. (۱)

به یقین بدانید که در زمان حضرت قائم، یک فرد که در مشرق زمین است، برادر خود را که در آن سوی مغرب زمین است خواهد دید، و همچنین آن که در مغرب است برادر خود را که در مشرق است می‌بیند.

از این پیش بینی دو نکته‌ی مهم از آن حضرت، دانسته می‌شود یکی این که نوع حادثه و چگونگی آن که در آینده رخ می‌دهد، و دوم تعیین زمان وقوع حادثه و اکنون می‌بینیم که این دو نکته در کلام آن حضرت به

حقیقت پیوسته است و زمان ما که مردم بنا به نشانه‌های بسیاری از پیامبر گرامی و امامان ما، به آن دوره‌ی آخرالزمان گفته می‌شود.

در حال حاضر آن قدر دم و دستگاه سمعی و بصری زیاد و متنوع است که حداقل، معنای کلام امام را اگر بخواهیم تصور کنیم، همین رادیو و تلویزیون و تلفن و غیره می‌باشد، که در آن صدا و تصویر کسی را می‌شنویم و می‌بینیم که او در آن طرف زمین است و مراد از این که دو نفر یکی در غرب و یکی در شرق دنیا همدیگر را می‌بینند و حرفهای همدیگر را می‌شنوند، همین امکانات پیشرفته‌ی سمعی و بصری موجود است. و اینک بیش از هر زمان دیگر، معنای کلام آن حضرت را بهتر می‌فهمیم و به خوبی، این وضعیت را می‌بینیم، ولی اگر صد سال پیش، کسی گفته‌های امام صادق علیه السلام را می‌گفت، باور کردن و حتی تصور آن که چگونه این چنین چیزی ممکن است، این را بعید می‌دانستند در حالی که آن حضرت هزار و چهارصد سال پیش از ساده شدن این وسایل، این موضوع را بیان نموده و موضوعاتی از این قبیل وجود دارد که بعد از این یادآوری خواهند شد.

شاید کسی پرسد که صحت و درستی کلام آن حضرت، اکنون به حقیقت رسیده و او هرچه گفت، درست بود، ولی چرا نوع دم و دستگاه و حجم و شکل آن وسیله سمعی و بصری را تعریف نکرد؟

اگر امام صادق علیه السلام به مردم آنروز، بیش از این توضیح می‌داد، حتماً با

مشکلات بسیاری روبرو می‌شد، چون مردم آنروز نمی‌توانستند بفهمند و تصور کنند که رادیو و تلویزیون و تلفن و موبایل چیست و بگویند که این‌ها دارای کلید و آنتن و سیم و کابل و نقشه و سیستم و دیجیتال است و... این اصطلاحات را کسی نشنیده بود، لذا ممکن بود که امام مورد سؤال و شک و تردید قرار گیرد و چه بسا حرفها را غیر معقول می‌پنداشتند، و آن حضرت ناچار بود که بسیار خلاصه و زودگذر آن‌هم در لابه‌لای سخنان و موضوعات دیگر بیان کند.

﴿ پیدایش رادیو و تلویزیون در آخرالزمان ﴾

آیا می‌توانید پیش بینی کنید که فردا چه اتفاقی رخ می‌دهد؟ هرگز. و پیش بینی رخ دادن حوادث تا سال دیگر، حتماً کاری مشکل‌تر است. و پیش بینی حوادثی که تا صد سال دیگر به وقوع می‌پیوندد ممکن نیست تا چه برسد پیش بینی از سیزده و چهارده قرن آینده، که اوضاع و احوال آن چگونه خواهد شد؟ و این امری بسیار خارق‌العاده است و این کار، خارج از توان اندیشه و تصور هر فردی می‌باشد و پیش بینی برای آینده‌های بسیار دور، خارج از قانون فیزیکی توان درک و عقل و هوش انسان است.

الان می‌توانیم حدس بزنیم که وسائل و امکانات امروزی در آینده،

پیشرفته‌تر و مدرن‌تر خواهد شد ولی چهارده قرن پیش که زندگی مردم به طور ساده و ابتدائی بود و هیچگونه صنعت و تجهیزاتی وجود نداشت، هیچگاه مردم آن زمان نمی‌توانستند تصور کنند که در قرن‌های بعد، احوال و اوضاع زندگی مردم به چه صورتی خواهد شد.

وضع و حال زمان ۱۴ قرن پیش، هیچ تشابه و تقارنی با زمان و عصر حاضر ندارد چون وضعیت این دو زمان با همدیگر، متفاوت است لذا نمی‌توان در آن زمان پیش بینی کرد که عصر ما به چه وضعی در می‌آید. از تمام این حرفها که بگذریم باید بگوئیم که در زمینه پیشگوئیا و بیان مسائل علمی گوناگون، پیشوایان ما کارهای خارق العاده در تمام زمینه‌ها از خود نشان داده‌اند.

آنها بدون وجود تجهیزات متنوع، از فضا و کیهکشان و احوالات منظومه شمسی، سخن بسیار دارند و آنها از موجودات میکروسکوپی و اتم و نور و آثار طبیعی بسیاری را تعریف و توصیف کرده‌اند، و همان‌ها نیز در زمینه پیش بینی وقوع حوادث و اوضاعی که در چهارده قرن بعد از حیات آنها، به وقوع خواهد پیوست، موارد بسیاری را پیش بینی کردند و تمامی موارد گفته‌های آنها در تمام زمینه‌ها، صد در صد به حقیقت رسیده است. پیشوایان ما در زمینه پیش گوئی از آخرالزمان که فاصله بین ما و آنها در حدود چهارده قرن است موضوعات بسیاری را بیان نموده‌اند و امروز

شاهد و ناظر همان پیشگوئی‌های آنها هستیم و در این باره، شایسته است که هر فرد عاقل و با وجدانی که اگر خوب بیندیشد، او درک خواهد کرد که آن بزرگوار دین و آئین ما، با نیروی الهی و استمداد از عنایت و فیض حق تعالی توانستند که این چنین توانایی را در خود بیابند، و در غیر این صورت، چه اندیشه‌ای را در این باره می‌توان برای آنها تصور کنیم.

و یکی از آن موارد از صداها مورد بسیار مهم، این پیشگوئی امام صادق علیه السلام درباره پیشرفت علم و صنعت و بوجود آمدن امکانات ارتباط جمعی همانند رادیو و تلویزیون و غیره، که سخنان بسیار جالب و بی نظیر است.

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَرَى وَيَسْمَعُ مَنْ يَعِيشُ فِي الْمَشْرِقِ صَوْرَةَ
وَصَوْتًا مِّنْ فِي الْمَغْرِبِ، وَكُلُّ قَوْمٍ يَسْمَعُونَ الصَّوْتَ بِلُغَتِهِمْ^(۱).

«زمانی بر مردم فرا می‌رسد آنهاییکه در مشرق زمین هستند می‌بینند و می‌شنوند صدا و صورت آنها که در مغرب زمین قرار دارند و هر ملتی، صداها را به زبان خودشان می‌شنوند».

در جهان امروز، امکانات ارتباط جمعی به قدری متنوع و توسعه یافته، که هر روز، دانش آن در حال گسترش بیشتری است و اکنون به طور مثال، وقتی که پای رادیو و تلویزیون می‌نشینیم، ایستگاه‌هایی به تمام زبان‌های دنیا از آن شنیده و دیده می‌شود و با فشار دکمه تلویزیون، در همین جا که

هستیم از تمامی نواحی کره زمین، برنامه‌هایی را به هر زبان که بخواهیم می‌توانیم تماشا کنیم، یعنی ایستگاه‌های تلویزیونی به قدری زیاد و متنوع است که هر ملتی به زبان خود، از اوضاع و اخبار جهان مطلع می‌شود، و این نشان دهنده وجود تجهیزات پیشرفته و بسیار مدرن است، و باید بگوئیم که از این همه تجهیزات به مراتب مهمتر، آن است که امام صادق علیه السلام بیش از سیزده قرن پیش، از پیدایش این پدیده، پیشگوئی نموده بود.

معمولاً هر چیز و یا هر دستگاهی را می‌توان روز به روز مدرن‌تر ساخت و از توان استعداد انسان، این کار برمی‌آید ولی پیش بینی و آینده نگری از سیزده قرن بعد از این که چه خواهد شد، این کار از قدرت و درک و هوش فیزیکی انسان خارج است.

بنابراین سخن آن حضرت در این جملات، دو نکته بسیار مهمی را به ما می‌رساند.

نکته اول این است که امروز صحت آنچه را که آن حضرت در زمینه دانش و تجهیزات صدا و سیما و ماهواره، فرموده بودند به خوبی ثابت شده و هر شخص عادی از هر ملیت که از هر جای دنیا باشد به خوبی آگاه است.

نکته دوم این است که آن حضرت، حتماً از دستگاه و تجهیزاتی که قادر به انجام این کار هستند بخوبی خبر داشته و می‌دانسته که روزی، این چنین دم و دستگاهی ساخته می‌شود که بتوسط آنها، ارتباطات سمعی و بصری

جهانی ممکن و میسر خواهد شد، پس در واقع، سخن آن حضرت متضمن پیشگویی ساخت تجهیزات مدرن در این زمینه می باشد.

امروز امکانات صوتی و تصویری به قدری متنوع است که نمی توان انگشت روی یکی از آنها گذاشت ولی در مجموع، همه آنها وسیله ارتباطی بین مردم تمامی قاره ها است.

و یکی از نکات جالب دیگر، این است که راویان این حدیث و احادیث دیگر علمی، معنا و مفهوم این جمله را نمی دانستند و حتی علمای شیعه در چند قرن گذشته، شرح و توضیحی برای آن ننوشتند چون نمی دانستند که معنای واقعی آن چیست.

آن چیزی که مردم را از اوضاع جهان باخبر می کند

صد و بیست سال پیش، وقتی که مخترع رادیو، برای اولین بار، این دستگاه ساده صوتی را ساخت و تا چند متر آن طرف تر، صدا را می رساند، هر چند که آن صداها ناصاف بود ولی اطرافیان او از این ابتکار جدید، متعجب شده بودند و در همه جا از این کاردستی جالب، تعریف و توصیف می کردند.

و پس از او، اندیشمندان و هنرمندان دیگری، دنباله کار را گرفتند و کم کم آن را توسعه دادند و در بهبود سیستم و پیشرفت آن، تلاش بسیار کردند

تا به امروز که می‌بینیم رادیو در اشکال و اندازه‌های مختلف و بسیار پیشرفته همواره ساخته می‌شود و اکنون رادیو یکی از ضروری‌ترین چیزی است که همه به آن نیاز دارند چون بتوسط آن از اخبار و احوال کشورها و مسائل روز و بحث‌های مختلف و آهنگ‌های متنوع را از آن می‌شنوند.

پیامبر گرامی در این باره سخنی را بیان نموده که مایه تعجب و شگفتی است و چگونه آن حضرت در آن زمان از این دستگاه صوتی که در آخرالزمان که همین زمان هست پیش گوئی نموده است.

قال النبی ﷺ: یا سلمان، عِنْدَهَا يَتَكَلَّمُ الرُّوَيْبِضَةُ، قال سلمان قال سلمان، ما الرُّوَيْبِضَةُ يا رسول الله فذاك أبي و أمي، قال ﷺ: يَتَكَلَّمُ فِي أَمْرِ الْعَامَّةِ مَنْ لَمْ يَتَكَلَّمْ (۱).

«پیامبر گرامی فرمود: ای سلمان در آن زمان «آخرالزمان» رُوَيْبِضَةُ سخن می‌گوید، سلمان پرسید، ای پیامبر خدا رُوَيْبِضَةُ چیست؟ آن حضرت فرمودند آن که در امر عموم مردم، سخن می‌گوید، و سخنگو خودش نباشد یعنی سخن از خود او نیست.»

پیامبر گرامی درباره چیزی می‌گوید که مردم آن روز، قدرت تصور و درک آن را نداشتند و نمی‌دانستند که چگونه آن چیز سخن می‌گوید، و چگونه آن چیز درباره کلیه امور مردم، یعنی اوضاع و احوال همه جای

جهان سخن می‌گوید جز رادیو، چیز دیگری نمی‌تواند باشد و این رادیو است که از اخبار گوشه و کنار جهان، مردم را با خبر می‌کند و این وسیله صوتی که امروز به نام رادیو معروف است همان چیزی که پیامبر گرامی از آن سخن گفته و به وجود آمدن این پدیده را در آخرالزمان پیش بینی نموده است.

آن حضرت درباره یکی از مشخصات این دستگاه می‌فرماید که این خود او نیست که این سخنان را می‌گوید یعنی سخن از او نباشد و رُوَيْبِضَه که پیامبر گرامی از آن تعریف نمود امروز آن را بنام رادیو می‌شناسیم. و ظاهراً سخن از جعبه رادیو است ولی در حقیقت، سخن از او نیست بلکه از کسی است که در پشت ایستگاه فرستنده رادیو می‌باشد که ما را از اخبار جهان و مسائل روز و رخدادها را بازگو می‌کند برای همین هم هست که این گونه گفتارها که از پیامبر و ائمه معصومین علیهم‌السلام بیان شده است می‌بینیم که حتی قرن‌ها پس از حیات آنها، هیچ کس درباره این گونه احادیث، شرح و یا توضیحی نداده‌اند چون نمی‌دانستند که درباره آن چه بگویند و چگونه اظهار نظر کنند، و برای آنها یک موضوع مبهم و ناشناخته‌ای بود، لذا این گونه احادیث، تنها در گوشه و کنار بعضی از کتاب‌ها به طور مختصر به آنها اشاره شده، و حتی در صحبت‌ها و مناظر از این گونه احادیث، یاد نمی‌شد و به قدری این احادیث متروک و منزوی

شده بودند که گویی این گفتارها دارای فایده‌ای نمی‌باشند.

وقتی که مخترع رادیو، این دستگاه را ساخت، در آن زمان تمام وسایل و ابزار کار، وجود داشت، و انواع سیم و چسب و لحیم و قطعات متنوع در اختیار او بود و همچنین آگاهی از مسائل علمی دانش صوتی در حال توسعه بود و دوستان هم فکر او، همواره در این کار، کمک و راهنمای خوبی بودند تا اینکه توانائی ساخت رادیو را در مبتکر آن بوجود آید.

ولی پیامبرگرمی بیش از چهارده قرن پیش که مسائل اولیه و زمینه‌های ابتدائی و مقدماتی علوم، به کلی وجود نداشت و مردم به طور ابتدائی زندگی می‌کردند، درست در همان زمان، آن حضرت به طور ساده و قابل فهم عموم، به موضوعی اشاره می‌کند که هزار و سیصد سال بعد از خود، کم کم این پدیده به نام رادیو شکل گرفت.

صدایی که همه آن را می‌شنوند

شاید مردم قدیم نمی‌دانستند و نمی‌توانستند تصور کنند که چگونه ممکن است کسی سخن بگوید و این سخن در سراسر دنیا پخش شود و از آن مهتر، تمام مردم دنیا آن را به زبان خاص خود بشنوند و بفهمند. ولی امروز این کار تا حدودی ممکن شده و به صورت عادی درآمدہ است به طور مثال: وقتی که یک نفر در پشت تریبون سازمان ملل، سخنرانی

می‌کند تمام حُضار که نمایندگان ملت‌های مختلف کشورهای جهان می‌باشند به توسط سمعک که در گوش خود گذاشته‌اند همان سخنرانی آن فرد را با زبان خاص خود می‌شنوند، و همین‌طور در خیلی از کنفرانس‌های مهم و بزرگ بین‌المللی، امثال این صحنه‌ها زیاد دیده می‌شود که یک نفر صحبت می‌کند و نمایندگان حاضر از تمام ملیت‌ها و اقوام مختلف، نطق آن سخنران را با زبان خود می‌شنوند.

رادیو هم که صداهای مختلف را به تمام نقاط جهان می‌رساند و مردم هر منطقه، به زبان خود از ایستگاه مخصوص، برنامه‌هایی که به زبان آنها است می‌شنوند.

شاید همین موضوع یاد شده را اگر کسی در سیصد سال پیش و یا هزار سال پیش، مطرح می‌کرد آیا کسی باور می‌کرد که این چنین چیزی ممکن است انجام شود؟ هرگز، اصلاً کسی باور نمی‌کرد، و از آن مهم‌تر، کسی این چنین حرفی را هم مطرح نکرده بود.

و نکته جالب اینجا است که بزرگواران دین ما از این پیش‌بینی‌ها زیاد گفته‌اند و تمام بیاناتشان امروز به حقیقت پیوسته است، به طور مثال به این حدیث که از امام صادق علیه السلام است توجه کنیم

عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: يَنَادِي مَنَادٍ بِاسْمِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
قُلْتُ: خَاصُّ أَوْ عَامُّ

قال ﷺ: يَسْمَعُ كُلُّ قَوْمٍ لِسَانِهِمْ

(شخصی می گوید، امام صادق علیه السلام فرمودند: هنگامی که آن حضرت ظهور می کند، مُنادی ندا می دهد و مژده ظهور حضرتش را در جهان پخش می کند.

آن شخص از امام پرسید: آقا جان این صدا را عده خاصی می شنوند یا همه مردم؟

آن حضرت فرمودند: عموم مردم جهان، این پیغام را هر کدام به زبان های مخصوص خود می شنوند.

آن حضرت به موضوعی اشاره می کند و امروز تا حدودی مشابه آن، پدید آمده و در موارد بسیاری این برنامه اجرا می شود پس مردم هر ناحیه در وقت ظهور، این پیغام الهی را به زبان مخصوص خود می شنوند حقیقت دارد و به مراتب جلوه بهتری خواهد داشت و مردم شیفته و مات و متحیر این صدای آسمانی خواهند شد.

به نظر بنده همین که امروز این پیش بینی آن حضرت در محافل عمومی بسیار مهم اجرا می شود، آیا این یک بیدار باش برای ما و همه نیست و علامتی برای یک حقیقت که ظهور مهدی است نمی باشد؟ و ما باید از این موضوع درس و عبرتی بگیریم که به طور مسلم، حقیقتی به نام حضرت قائم علیه السلام به وقوع می پیوندد.

سوارهای تندرو آهنی در آخرالزمان

علی علیه السلام قبل از هر صنعتگر و مبتکر و مخترعی، به طور صریح به سوارهای تندرو آهنی که با شتاب زیاد، حرکت می‌کنند اشاره نموده است و در گذشته، هیچ اندیشمند و صنعتگری در تمدن‌های گذشته، به جز آن حضرت، از این پدیده‌های آهنی، کسی سخن نگفته است.

در کتاب بحار الأنوار از حضرت علی علیه السلام نقل شده که ایشان فرمودند:

إِذَا رَكَبَ الْحَدِيدَ عَلَى الْحَدِيدِ قَرَّبَ الْبَعِيدَ.

«هرگاه آهن بر آهن سوار شد، جاهای بسیار دور، نزدیک خواهد شد.»

خلاصه معنای جمله این است که هرگاه زمانی فرا رسد که مجموعه‌ای

از قطعات آهنی بر همدیگر ترکیب شود، یعنی همچون وسیله‌ای درآید، در

آن صورت، جاهای بسیار دور، نزدیک می‌شود.

وسیله‌ای که از مجموعه‌ای قطعات آهنی ترکیب شده است و این

وسیله، راه‌ها و شهرها و جاهای دور را نزدیک می‌کند. و این نشان دهنده

سرعت حرکت آن است.

در حالی که هنرمندان در زینت دادن به سوارهای پادشاهان که اسب

و گاری و شترهای محمل دار بود همت و سلیقه بسیاری از خود نشان

می‌دادند و تمام هوش و استعداد خود را به کار می‌بردند تا منظره و نمای

سواری‌های سلطنتی را زیباتر و با شکوه‌تر کنند، درست در همان زمان که اوضاع، این چنین بود علی علیه السلام سخنی را می‌گوید که غیر از وضع معمولی و رایج آن زمان بود و دربارهٔ چیزی سخن گفت که وجود نداشت.

دهها سال پیش وقتی که ماشین و قطار و هواپیما بوجود آمد در ابتدای پیدایش، آنها به طور خیلی ساده و مختصر بوجود آمد تا امروز که می‌بینیم این وسایل با آن وسایل نقلیهٔ گذشته، فرق و تفاوت بسیار است و اکنون حدود صد سال می‌گذرد از ساختن وسیله‌های آهنی، یعنی سواری‌هایی که از مجموعه‌ای قطعات آهنی ترکیب شده‌اند.

در زمانی که صنعت آهن و ذوب آن به طور ساده و ابتدائی، تازه شکل گرفته بود و می‌توانستند سکه و شمشیر و زره را بطور بسیار ساده بسازند و هنوز در بین مردم، هنر قطعه سازی برای کارهای گوناگون وجود نداشت، علی علیه السلام سخنی را بیان می‌کند که آن روز این وضعیت قطعه سازی آهن آلات متنوع همانند امروز در کار نبود بلکه در ذهن کسی نیز خطور نمی‌کرد، آن حضرت می‌فرماید زمانی فرا می‌رسد که از ترکیب قطعات مختلف آهنی، می‌توان سواری‌هایی بسازند که مردم به توسط آن، به شهرها و جاهای دوری بروند و این مرکبهای آهنی، سرعت حرکت آنها بقدری زیاد است که جاهای دور بر آن مردم نزدیک می‌شود و رفت و آمدها سهل و آسان می‌گردد.

این جمله کلام آن حضرت نمی‌تواند گفتاری حساب نشده و همینطوری بر زبان آمده باشد و امروز به طور اتفاقی و شانسی، درست از آب در آمده است؟ در حالیکه آن حضرت با تأکید و یقین، پدید آمدن این وضعیت را در زمانهای بعد از خود، پیش بینی می‌کند.

علی علیه السلام در این جمله کلام خود، از یک نوع وسیله خاصی برای سفر اشاره ننموده و به این معنا است که آن حضرت از ساخته شدن انواع وسایل نقلیه آهنی مثل ماشین و قطار و هواپیما، به خوبی آگاه بوده است و این گفتار آن حضرت، در واقع نشان دهنده تحولات علمی و پدید آمدن صنعت در زمان ما است.

علی علیه السلام فردی که از روی آگاهی، پیش بینی پیشرفت صنعت آهن و فولاد و تجهیزات و ماشین آلات آهنی را به خوبی دریافته بود و با یقین می‌دانست که این چنین زمانی فرا می‌رسد که مردم می‌توانند با سواری‌های آهنی، به جاهای بسیار دوری بروند و در کمترین زمان به مقصد برسند، آن زمان همین زمان و عصر ما است که ما در این وضعیت قرار داریم و حقیقت گفتار آن حضرت را مشاهده می‌کنیم، پس می‌توانیم بفهمیم که علی علیه السلام از پدید آمدن خیلی از موارد علمی و حوادث و صنعت‌های گوناگون نیز با خبر بوده است. و این نشان دهنده آگاهی آنحضرت است.

علی علیه السلام درباره وسیله‌های آهنی، از ترکیب قطعات آهنی اشاره نموده،

و از بیان آن حضرت، محدودیت در مقدار قطعات، دانسته نمی‌شود بلکه دلالت بر ترکیب این سواری‌ها از قطعات بسیار است و قطعاً، قطعات بسیار به شکل‌های مختلف است تا از ترکیب انواع این قطعات آهنی، وسیله بوجود آید و با شتاب حرکت کند و امروز می‌دانیم که هر وسیله نقلیه از مجموعه صدها قطعه آهنی ریز و درشت ترکیب شده تا به صورت یک ماشین سواری درآمده است.

وسایل نقلیه دیگر مثل قطار و هواپیما و... نیز همین وضعیت را دارند. در زمان گذشته، هر کسی نمی‌توانست سفر کند چون سفر با تحمل سختی و خطر و مشکلات بسیاری توأم بود و علاوه بر آن، پیاده و یا با اسب و قاطر و شتر سفر کردن از شهری به شهر دیگر، وقت و زمان بسیار لازم دارد چون سفر و حرکت به صورت آهسته انجام می‌شد. لذا فاصله بین شهرها برای مردم آن زمان، مدت آن، طولانی احساس می‌شد.

درست در همان شرایط آن روزگار، علی علیه السلام از نزدیک شدن جاهای دور به توسط آن مرکب‌های آهنین اشاره نمود که بر اثر حرکت سریع این سواری‌ها که مردم بر آن می‌نشینند، آن چنان سفرها به سرعت انجام می‌شود که در کمترین مدت، به مقصد میرسند و گوئی فاصله‌های زیاد، کم شده و دیگر راه طولانی احساس نمی‌شود و سفرها مختصر و راحت‌تر شده است.

شاید کسی پرسد که چرا آن حضرت به طور مثال، ماشین را شرح بیشتر نداده و از قطعات و ترکیب و شکل آنها، به طور واضحتر برای آن مردم سخن نگفته است؟

باید گفت همانطور که می‌دانیم هر سخنی را به اندازه درک مردم باید گفت و چه بسا اگر آن حضرت، بیشتر از این توضیح می‌داد، آیا مردم آن زمان چگونه می‌توانستند در ذهن خود، این وسیله‌های نقلیه ندیده را تصور کنند؟

از نکات جالب دیگر، این است که حتی علما و راویان حدیث در قرن‌های گذشته نیز، معنای این جمله را به خوبی نفهمیدند لذا بر این گونه احادیث، کمترین شرحی نداده‌اند.

﴿ گران شدن زمین و توسعه شهرها در آخرالزمان ﴾

یکی از عوارضی که در زمان ما پدید آمده و هیچ‌گاه در زمان‌های گذشته وجود نداشت، گرانی زمین و مسکن است، چون افزایش جمعیت و توسعه اداره‌ها و پیدایش کارخانه‌ها، سبب و عامل اصلی توسعه شهرها می‌شود.

علی علیه السلام قرن‌ها پیش، از گران شدن زمین و توسعه شهرها در آخرالزمان

خبر داده بود

... قال: خَرَجَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام إِلَى الْحَيْرَةِ فَقَالَ: لِيَتَّصِلَنَّ هَذِهِ
بِهَذِهِ - وَ أَوْماً بِيَدِهِ إِلَى الْكُوفَةِ وَالْحَيْرَةِ حَتَّى يُبَاعَ الذَّرَاعُ فِيمَا بَيْنَهُمَا
بِدَنَائِيرٍ (۱).

روزی حضرت علی علیه السلام از شهر کوفه عازم شهر حیره شد و این شهر،
چندین فرسخ آن سوی شهر کوفه بود، در راه بین این دو شهر، آن حضرت
به یکی از همراهان خود فرمودند، زمانی فرا می رسد که این دو شهر به
همدیگر متصل خواهد شد و در آن زمان، وضع طوری می شود که یک
و جب زمین در این بیابان که بین این دو شهر واقع شده، دهها سکه طلا
ارزش پیدا می کند.

سخن آن حضرت در زمانی بود که داخل شهر بزرگ کوفه، یک منزل
مسکونی، شاید چند سکه طلا ارزش داشت یعنی قیمت یک خانه از یک
متر زمین کمتر بود.

شهر کوفه و حیره در آن زمان، آن چنان آباد و با رونق نبودند ولی آن
حضرت درباره رونق و آبادانی شهرها و فاصله بین اینها در آینده،
می فرماید وضع طوری می شود که مردم، بیابان این دو شهر را آباد خواهند
کرد تا آنجا که این دو شهر بهم وصل شوند.

شاید سخنان آن حضرت برای مردم آن زمان، باورکردنش مشکل بود

ولی امروز در همه جای دنیا دیده می‌شود که شهرها به قدری توسعه یافته‌اند که به ناچار، اطراف آن و مسیر بین شهرها نیز از خانه و کارخانه و شهرک‌ها پُر شده است و کار به جایی رسیده که جای خالی در فاصله بین برخی شهرها کم دیده می‌شود.

و امروزه هر متر زمین در جاهایی از شهرهای بزرگ و مناطق مسکونی، به قدری قیمت آن افزایش یافته که هر وجب آن، شاید دهها سکه طلا ارزش داشته باشد.

﴿ کاهش شدید جمعیت در آخرالزمان ﴾

در مدت دهها سال گذشته، بر اثر پیشرفت دانش طب و توسعه روز افزون انواع داروها، کار به جایی رسید که میزان مرگ و میرها را به حداقل ممکن برساند و باعث شد تا جمعیت جهان، سیر صعودی پیدا کند و همواره بر تعداد جمعیت جهان افزوده شود و همینطور هم شد تا آنجا که سازمان‌های بین‌المللی ناچار شدند زنگ خطر را بزنند و افزایش جمعیت را همچون انفجاری بزرگ که جهان را تهدید می‌کند اعلام کردند.

اما در دو دهه اخیر، کار برعکس شد و کاهش جمعیت در بیشتر نقاط جهان، سیر نزولی پیدا کرده است و می‌رود تا در چند دهه آینده، کاهش شدید جمعیت، خطر انقراض ملت‌ها و فرهنگ‌ها را در پی خواهد داشت.

در حالی که دانش طب، امروز از دهها سال گذشته هم پیشرفته تر شده و امکانات و تجهیزات، بسیار فرق کرده و مدرن تر شده است ولی حالا چرا وضع این چنین است؟

اگر بخواهیم علت پدیدار شدن این وضع را پیگیری و ریشه یابی کنیم، می بایستی در فرهنگ جدید و تحولات و تغییرات اخلاقی مردم جستجو کنیم تا بدانیم که چرا وضع اینطور شده است.

گذر زمان همچون دریا است و امواج آشفته زیادی دارد و هر روز، موجهای متلاطم آن به یک شکل باقی نمی ماند، اما آنچه که استوار باقی می ماند، خورشید و حقیقت است و این دو، هیچ گاه دستخوش تغییرات مردم و بازیچه هوی و هوسها نخواهد شد و سخنان بزرگواران ما همچون خورشید، می درخشند مثل این گفته امام صادق امام صادق علیه السلام که از کاهش شدید جمعیت در آخرالزمان سخن می گوید و در این باره، حدیثی نقل می کنیم که بسیار جالب و حائز اهمیت است و اکنون به آن توجه کنیم ولی آنچه که شاید در ذهن افراد کنجکاو و خطور کند آن است که بگویند، چرا آن حضرت از افزایش جمعیت در چند دهه پیش، چیزی نگفته اند و تنها به کاهش جمعیت اشاره نمودند؟

معمولاً بزرگواران ما وقتی که درباره چیزی اظهار نظر می کنند، به خصوص درباره اوضاع و احوال آخرالزمان می بینیم که آنها از امواج

متلاطم زمانه و مرم سبک مغزی که بازیچه هوی و هوسها شده‌اند پیش بینی کرده‌اند و این هوسها است که مردم را هر روز به یک وضع و حالی در می‌آورند، و اصل مطلب پایان و نتیجه کار است، لذا بزرگواران ما حقایقی را بازگو می‌کنند که گفتار آنها حقیقتی است همچون خورشید استوار و پابرجا است و سخن آن حضرت بر خلاف آنها که در قالب سازمانها و نهادهای بین‌المللی، دیروز با صدای بلند رادیوها می‌گفتند جمعیت افزایش یافته، خطر انفجار، آهای مواظب باشید، ولی وقتی که امروز جمعیت، سیر نزولی پیدا کرده و فرهنگها و ملت‌های متمدن در حال فروپاشی و در خطر انقراض قرار گرفته‌اند، می‌بینیم که آنها ساکت شدند و خودشان هم در گرداب قطع نسل قرار گرفته‌اند و سکوت مرگبارشان خاموش شده است، ولی امام صادق علیه السلام بدون در نظر گرفتن هیاهو و جنجال و حرف‌های دیروز آنها، بلکه از آخرین وضعی که در نزدیکی ظهور، پدیدار می‌شود اعلام نظر می‌کنند و غوغاگران بدون در نظر گرفتن شرایط دیگر، سر و صدا کردند و امروز بدون نتیجه، ساکت شدند ولی آن حضرت بدون در نظر گرفتن توسعه دانش طب و افزایش جمعیت، شرایط دیگری که توسعه فساد و رواج فحشا است و بر علم و عقل غالب می‌شود آن حضرت خیلی آرام و بی سر و صدا، نتیجه کار و آخر خط را بازگو می‌کند، سخن او همچون حقیقت خورشید، می‌درخشد و دستخوش

تفاوت اوضاع سیر صعودی و سیر نزولی چند دهه آنها نمی شود و همچون کوهی استوار که بادها او را نمی لرزاند.

امام صادق علیه السلام درباره نزدیکترین زمان به ظهور حضرت مهدی علیه السلام اشاره می کند و سالهای آینده، با این نشانه ها و علائم، به یقین که به زمان ظهور نزدیکتر است و آن زمان که رشد جمعیت در حال افزایش بود، فاصله زمانی آن بیشتر است، پس علائمی که از ظهور بیان می شود، به نزدیکترین زمان ممکن به ظهور آن حضرت است و حوادثی را که مطرح می کند حتماً همچون علامت های راهنمایی که در کنار جاده ها نصب شده، همواره به ما اخطار می کنند که زمان رسیدن به مقصد در حال نزدیکتر شدن است.

سَمِعْنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: لَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى يَذْهَبَ ثَلَاثًا النَّاسِ، فَقِيلَ لَهُ: فَإِذَا ذَهَبَ ثَلَاثًا النَّاسِ فَمَا يَبْقَى؟ - فَقَالَ عليه السلام: أَمَّا تَرْضَوْنَ أَنْ تَكُونُوا الثَّلَاثَ الْبَاقِي؟ (۱)

«عده ای گفتند که شنیدیم امام صادق علیه السلام درباره آخرالزمان فرمودند که حضرت مهدی ظهور نمی کند تا اینکه سه چهارم مردم از بین بروند، آنها با تعجب پرسیدند، پس چیزی باقی نمی ماند؟ - آن حضرت فرمود: آیا نمی خواهید که شما از بقیه مردم باقیمانده بوده باشید؟

اگر بخواهیم حقیقت گفتار امام صادق علیه السلام را خوب بدانیم، می بایستی

تحولات و اوضاع حاکم بر جهان را با دقت، زیر نظر بگیریم و ببینیم که امروز چه فرهنگی، بیشتر میان مردم در حال رواج و گسترش است که این وضعیت کاهش روز افزون جمعیت را پدید آورده است تا پس از آن، بفهمیم که این سخن آن حضرت تا چند درصد، اکنون به حقیقت پیوسته است.

در زمان حاضر و سالهای آینده، اغلب کشورهای جهان با کاهش جمعیت روبرو هستند و در آینده، این کاهش با سیر نزولی درصد بیشتری مواجه خواهد شد، و کاهش جمعیت به این معنا است که مرگ و میر افراد بیشتر از آنها است که متولد می شوند.

اینک می بینیم که خیلی از کشورهای جهان، با کاهش جمعیت مواجه هستند و چند کشوری هستند که رشد جمعیت دارند ولی آنچه که مسلم است، آنها نیز در سالهای آینده از میزان رشد افزایش جمعیت آنها کاسته خواهد شد و سپس، آنها هم با کاهش جمعیت مواجه خواهند شد.

علل این کاهش جمعیت در جهان را می بایستی در فرهنگ جدیدی که بر دنیا حاکم می شود و همه جا به یک وضع در می آید و تمامی آداب و سنن و فرهنگها، در حال افول و زوال است تا جایی که آنها کاملاً ریشه کن شوند و دیگر یا دو یادگاری از آنها بر جای نماند و آثار تمامی آنها محو خواهد شد و تنها یک فرهنگ جدید، باقی می ماند و آن فرهنگ ابتدال

است و بی بند و باری و فساد و فحشاء، دنیا را فرا می‌گیرد همان گونه که پیامبر گرامی و ائمه معصومین علیهم‌السلام از رواج فساد و گسترش فحشاء در آخرالزمان، سخنان بسیاری گفته‌اند و بهترین آداب و رسوم جامعه که سنت ازدواج است از بین می‌رود و هیچ کس برای ازدواج، ارزشی قائل نمی‌شود. زنان هوسباز به مردان دل نمی‌بندند و مردان به زنان، بدبین و بی اعتماد می‌شوند و نه دین می‌ماند و نه ایمان و نه...

و خلاصه مطلب آن است که به قدری فساد و مخلفاتش زیاد می‌شود که دو سوم جمعیت از بین می‌روند و یک سوم از آنها باقی می‌ماند، اما این بقیه چه حال و روزی دارند، بحث آن بسیار مفصل است و آنچه که از سخن امام صادق علیه‌السلام ما باید پند و عبرت بگیریم، این است که ایمان خود را حفظ کنیم و به اصول اخلاقی و اسلامی پای بند باشیم تا انشاءالله در وقت ظهور آن حضرت، از صالحان و پاکیزه‌گان و شایستگان باشیم و چه بسا، سعادت نصیب ما شود تا از یاران آن رادمرد حق و حجت خدا باشیم و در آخرت هم به سعادت ابدی نائل شویم.

و حداقل باید این را بدانیم که در انتظار ظهور آن حضرت و در آرزوی دیدار مهدی علیه‌السلام بودن، به همان اندازه برای ما اجر و ثواب در صحیفه اعمال ما ثبت خواهد شد.

وضعیت نامطلوب برای اهل ایمان در آخرالزمان

اوضاع و احوال آخرالزمان به گونه‌ای می‌شود که افراد با ایمان و معتقد در میان مردم، حال و روز بدی را خواهند داشت و گویا در این جامعه این چنانی، آدم نمی‌تواند پاک بماند و ایمان داشته باشد و به سختی می‌توان کسی را دید که واقعاً پای بند ایمان و اعتقاد خود باشد.

عن ابن مسعود قال: قال رسول الله ﷺ: لَيَأْتِيَنَّ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَسْلَمُ لَدِي دِينٍ دِينَةٌ إِلَّا مَنْ يَفِرُّ مِنْ شَاهِقٍ إِلَى شَاهِقٍ وَمِنْ حَجْرٍ إِلَى حَجْرٍ، كَالشَّعْلَبِ بِأَشْبَالِهِ، قَالُوا وَمَتَى ذَلِكَ الزَّمَانُ؟ قَالَ ﷺ: إِذَا لَمْ تَنْلِ الْمَعِيشَةَ إِلَّا بِمَعَاصِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، فَعِنْدَ ذَلِكَ حَلَّتِ الْعَزُوبَةُ، قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ أَلَسْتَ تَأْمُرُنَا بِالزَّوْجِ؟ قَالَ: بَلَى وَلَكِنْ كَانَ ذَلِكَ الزَّمَانُ هَلَاكُ الرَّجُلِ عَلَى يَدِ أَبِيهِ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ أَبَوَانِ، فَهَلَاكُهُ عَلَى يَدِ زَوْجَتِهِ وَوَلَدِهِ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ زَوْجَةٌ وَوَلَدٌ، فَهَلَاكُهُ عَلَى يَدِ قَرَابَتِهِ وَجِيرَانِهِ، قَالُوا وَكَيْفَ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ يُعِيرُونَهُ بِضِيقِ الْمَعِيشَةِ وَيُكَلِّفُونَهُ مَا لَا يُطِيقُ حَتَّى يُورِدُونَهُ مَوْرِدَ الْهَلَاكَةِ (۱).

«ابن مسعود می‌گوید: پیامبر گرامی درباره آخرالزمان فرمودند: زمانی بر مردم فرا می‌رسد که یک فرد با ایمان، به خاطر دینداری در امنیت نباشد و او ناچار می‌شود که از میان آن مردم برود یعنی به خاطر وضع نادرست

مردم و رفتار زشت آنها، به کوهها برود و از قلّه کوهی به قلّه کوهی دیگر، پناه ببرد و یا اینکه از دست آن مردم نا اهل، همانند رویاه به همراه بچه‌هایش، به این زاغه و آن زاغه برود و زندگی کند.

حاضرین گفتند ای پیامبر خدا آن زمان کی خواهد بود؟

پیامبر گرامی فرمودند: آن زمان هنگامی است که معیشت و زندگی کردن، میسر نمی‌شود مگر اینکه از راه خلاف و گناه و معصیت خداوند آلوده شود، و در آن زمان مسئله ازدواج از بین می‌رود و هر کس به تنهایی زندگی می‌کند و عَزَب بودن یک امر طبیعی و خیلی عادی می‌شود.

حضار گفتند: ای پیامبر خدا مگر شما به ما دستور نداده‌ای که ازدواج

کنیم؟

آن حضرت فرمود: بله ولی در آن زمان مردم از ازدواج روی‌گردان می‌شوند و هلاکت یک نفر به دست پدر و مادرش صورت می‌گیرد، و اگر پدر و مادری نداشت، هلاکت او به توسط همسر و بچه‌هایش صورت می‌گیرد، و اگر زن و بچه نداشت، به توسط خویشاوندان و همسایگانش، سبب هلاکت او می‌شوند.

حاضرین گفتند: چگونه ای پیامبر خدا؟

آن حضرت فرمودند: «به خاطر فقر و تنگدستی و نداشتن پول و سختی زندگی، همه او را سرزنش می‌کنند تا اینکه ناچار شود به هر قیمت و به هر

نحو، دست به هر کاری بزند تا پول فراهم کند، و چه بسا همین امر، باعث می شود تا هلاکت و بدبختی او فراهم شود.

یعنی برای اینکه با مردم هم سطح و هم کلاس باشد و یا بخواهد زندگی کند، می بایستی هر کاری به هر نحوی که باشد پول تهیه کند و به حلال و حرام و حق و ناحق بودن، کاری ندارد فقط و فقط باید پول جور کند تا بتواند زندگی کند و رفتار او مثل رفتار مردم مدل بالا باشد.

وضع کار و درآمد مردم خراب می شود و زندگی تلخ و دشوار می گردد که ناچار می شوند از راه خلاف، روزگار خود را بگذرانند و یا اینکه وضع عده ای از مردم، طوری می شود که اگر کسی بخواهد ساده زندگی کند و با درآمد کم، قانع و زندگی او بدون تشریفات باشد، مردم او را مسخره می کنند و او را بی کلاس می بینند و همواره مورد تحقیر دیگران است و او را آدمی عقب افتاده و قدیمی و اُمُل می دانند و...

بله وقتی که دین و ایمان از مردم سلب شود و این حرفها کنار برود آن وقت دنیا و هوی و هوس هایش گُل می کند و همه چیز می طلبد و هر جور شد شد!

پای بندی به ایمان و دینداری انسان را از هر خطا و گناه، باز می دارد، چون فرامین الهی عبارت از یک مجموعه اخلاقی است و تمام مسائل اخلاقی، زنجیروار به همدیگر ربط و متصل است و زندگی کردن افراد با

ایمان در جامعه خلاف و تباهکاری و فساد، واقعاً مشکل و سخت به نظر می‌رسد، نه او با مردم می‌تواند همچون آنها رفتار کند و نه مردم با او رفتار و برخورد صحیحی خواهند داشت پس ناچار است که اینجا و آنجا برود و به دنبال جایی کمی مناسب‌تر می‌گردد در حالی که همه جا را فساد و بدبختی و بی‌دینی فرا می‌گیرد.

مردم آخرالزمان آن قدر بی‌بند و بار و فاسد می‌شوند که اگر کسی در میان آنها بخواهد پاک و پاکیزه باشد و خطا نکند و آلوده به گناه و معصیت نشود مردم، او را هُو می‌کنند و او را آدمی مرتجع و عقب افتاده و بی‌عقل می‌دانند و او را مورد سرزنش و بهانه‌جویی و مسخره می‌کنند به حدی که ناچار می‌شود به جایی برود که از این گونه آدم‌ها به دور باشد تا مقداری راحت‌تر زندگی کند.

ازدواج که بهترین امر طبیعی است از بین می‌رود و آن را کنار می‌گذارند و به هر چیزی آنی فکر می‌کنند و هر ساعت و هر روز را، آنها با کسی می‌گذرانند و این یکی غلط فاحشی است که علاوه بر مرض‌ها و مشکلات گوناگون و بدبختی‌ها، از نظر روحی برای انسان، زیان‌آور است و از نیازهای عاطفی و فطری محرومند، عاطفه‌ای نه از پدر و مادر و نه مهری از همسر و نه شوق دیدار بچه‌های کوچولو و خوشگل و نه عمه و نه خالی و نه و نه... تک و تنها آزاد و رها بدون اینکه سرنوشتی برایش باشد و بدون

اینکه به فرهنگی وابسته باشد و بدون اینکه اصل و نسبش معلوم باشد و بدون اینکه...

خدایا مملکت و مردم ما را حفظ کن و از شر غرب و غربزدگی در امان بدار، و بدانید که غربزده‌های امروز، گورکن‌های اجتماع و نابودکننده فرهنگ ملی و دینی در آینده هستند.

انتخاب ناتوانی بهتر از اعلام توانایی در انجام گناه

خیلی از مردم هستند که بهترین سرگرمی و پرکردن اوقات فراغت خود را، معصیت و فساد انجام می‌دهند و این گونه افراد با کسانی نشست و برخاست می‌کنند و کسانی را می‌پسندند که مثل خودشان باشند و اگر کسی مثل آنها نباشد او را عقب افتاده و بی حال می‌دانند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يُخَيِّرُ الرَّجُلَ بَيْنَ الْعَجْزِ وَالْفُجُورِ، فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ الزَّمَانَ فَلْيَخْتَرْ الْعَجْزَ عَلَى الْفُجُورِ.

«پیامبر گرامی فرمودند: زمانی بر مردم فرا می‌رسد که مرد را بین دو چیز مُخَيِّر می‌کنند، عجز و ناتوانی یا انجام فجور، پس کسی که این وضعیت برایش پیش آمد، او ضعف و ناتوانی را انتخاب کند بر فسق و فجور.»

وضعیت مردم به گونه‌ای می‌شود که فجور کردن، یک امر عادی و مایه

سربلندی انجام دهنده می شود و اگر کسی به فساد تمایل نشان ندهد او را یک فرد عقب افتاده و غیر امروزی می دانند.

باشد هر طور که می خواهند فکر کنند یک فرد با ایمان، بهتر است که خود را به ناتوانی و ضعف نشان دهد بگذار به او نگویند که با کلاس هستی، اصل این است که انسان، رضای خدا را مورد نظر خود قرار دهد و با ناموس مردم بازی کردن، افتخاری ندارد و دیگران را بازیچه و ملعبه خود قرار دادن، گناه نابخشودنی است و عواقب شومی در پی خواهد داشت، بالأخره عمر انسان، یک روز تمام می شود و قیامتی در کار هست و آنجا است که انسان باید سربلند و رو سفید باشد.

﴿ در آخرالزمان خانه نشینی بهتر است ﴾

عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام قَالَ: يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَكُونُ فِيهِ أَحْسَنُهُمْ حَالًا، مَنْ كَانَ جَالِسًا فِي بَيْتِهِ.

در باره اوضاع مردم آخرالزمان، علی عليه السلام فرمودند: «بر مردم روزی فرا می رسد که حال و روز کسی بهتر است که در خانه خود نشسته باشد».

یعنی تا آنجا که می توانید در خانه خود بمانید چون بیرون رفتن، یعنی گناه و معصیت کردن است و ممکن نیست کسی از خانه، بیرون برود و تا برگردد چند تا گناه ریز و درشت نکرده باشد پس علت این معلوم می شود

که چرا خانه نشینی بهتر است.

چون وقتی که بیرون برویم، چشم ما به این و اون می افتد و هر کدام با یک وضعی بیرون آمده اند و نمی شود که چشمان خود را ببندیم و اگر هم نگاه کنیم، شیطان وسوسه می کند و انسان به گناه و معصیت، آلوده می شود.

به خانم ها و دختران کم سن و سال، سفارش می کنم خیلی باید مواظبت و مراعات کنند و جوری نباشند که با بیرون آمدنشان از خانه، در کوچه و خیابان و پارک و مجالس، عامل تحریک به فساد و گناه باشند یعنی هم خود و هم دیگران را به گناه وادار کنند و بدانند که در این صورت گناه آنها بیشتر است.

و از طرف دیگر، بیرون آمدن از خانه یک وقت آدم ناچار می شود با راست و دروغ و کلک و ارزان و گران فروشی و تقلب و غیره، زمینه ساز گناه و معصیت می شود.

پس آن حضرت در واقع به ما هشدار می دهد که بیشتر اوقات خود را در خانه بمانیم و اگر هم بیرون رفتیم از هر لحاظ، باید خیلی مواظب باشیم تا مبادار کاری کنیم که گناهی در صحیفه اعمال ما ثبت شود.

مرحله چراغهای فروزان در ظلمات سیاهی شب

پیامبر گرامی در فرصتهای مناسب، بارها و بارها از یاران وفادار و خوب خود در آخرالزمان یاد می‌کردند و برای مردم، تعریف بسیاری نموده است و همواره ایمان استوار و فداکاری آنها را گرامی می‌داشت.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: ذَاتَ يَوْمٍ وَعِنْدَهُ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِهِ: «اللَّهُمَّ لَقِّنِي إِخْوَانِي» مَرَّتَيْنِ، فَقَالَ مَنْ حَوْلَهُ مِنْ أَصْحَابِهِ: أَمَا نَحْنُ إِخْوَانُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ ﷺ: لَا، إِنَّ أَصْحَابِي وَ إِخْوَانِي قَوْمٌ فِي آخِرِ الزَّمَانِ آمَنُوا وَلَمْ يَرُونِي، لِأَحَدِهِمْ أَشَدُّ بَقِيَّةً عَلَى دِينِهِ مِنْ خَرْطِ الْقَتَادِ فِي اللَّيْلَةِ الظُّلْمَاءِ، أَوْ كَالْقَابِضِ عَلَى جَمْرِ الْغَضَاءِ، أَوْلِيكَ مَصَابِيحَ الدُّجَى (۱).

امام باقر عليه السلام فرمودند: یک روز عده‌ای در حضور پیامبر گرامی نشسته بودند و آن حضرت برای آنها سخن می‌گفت، و منجمله از سخنان آن حضرت در این جمع، این بود که ایشان با شور و شوقی دعا می‌کرد و می‌فرمود: «خداوندا مشتاق دیدن برادران عزیزم هستیم» و این جمله را تکرار نمود، اصحابش که در حضورش بودند، گفتند: ای پیامبر خدا آیا مگر ما برادران تو نیستیم؟، آن حضرت فرمودند: بدانید که اصحاب و برادران خوبم، آن مردمی که در آخرالزمان هستند به من ایمان دارند در

حالی که هیچ گاه مرا ندیده‌اند، بدانید که هر یک از آنها به قدری سخت مواظب ایمان خود هستند همانند کسی که در سیاهی تاریکی شب فرار دارند و همانند کسی که آتش سرخ را در دست گرفته است آنها بید چرخ‌های فروزان همانند ستاره‌ها که در صفحه سیاه آسمان می‌درخشند. درخشش ایمان، زمانی معلوم می‌شود که در تاریکی سیاهی شب بدرخشد، یعنی بهترین فرد با ایمان، آن است که در بدترین شرایط، ایمان خود را نگهدارد و اوضاع ناملایم روزگار، او را تلغزاند و ایمانش دچار تزلزل و آسیب و نقصان نشود.

آنهايي که در زمان پیامبر بودند و او را می‌دیدند و شاهد و ناظر وحی و معجزاتش بودند، فرق بسیار است با آنها که آن حضرت را ندیده‌اند و پس از چهارده قرن فاصله، ایمان استوار و نیرومندتر از آن مردم دارند حتماً این مردم با این ایمان خوب به راستی که نمونه و جلوهٔ بهتری دارند.

پیامبر گرامی اشاره می‌کند که دینداری و حفظ ایمان در آخرالزمان، کار بسیار مشکلی می‌شود و روزگار به کام کافران و فاسدان می‌گردد و آن چنان عرصه بر اهل ایمان، سخت و دشوار می‌شود که واقعاً هر کسی نمی‌تواند در این اوضاع بد، ایمان خود را حفظ کند و بتواند از این امتحان بزرگ، سرفراز و سربلند شود.

و این را باید بدانیم که بهشت و زندگی جاودانه را به بها می‌دهند نه به

بهبان، هنر ایمان داری و هنر عشق راستین در این زمان و در این شرایط نامناسب، معلوم و ثابت می‌شود.

امیدواریم که آن لیاقت و سعادت را داشته باشیم که مخاطب و منظور آن حضرت، انشاء الله که ما باشیم و به یقین آنهایی که پیامبرگرامی تعریف و مدح‌کننده آنها باشد حتماً در نزد خداوند جایگاه والا و مقام رفیعی خواهند داشت.

﴿ تقارن ظهور باروز عاشورا ﴾

پیامبرگرامی در آغاز ظهور اسلام، سخت‌ترین مأموریت را به عهده گرفت، او به فرمان خداوند در بدترین زمان و در بدترین شرایط، مردم را به آئین الهی اسلام دعوت کرد و با گسترش اسلام، جامعه را از لوث جاهلیت و اشرار بی‌خرد، پاکیزه نمود و مردم ستم‌کش را از قید و بند آداب و رسوم ظالمانه، نجات داد و عدالت را در میان مردم محروم و مستضعف بوجود آورد و نفسی تازه در کالبد حیات بشریت دمید.

و اینک در عصر ما عصری که با شیوه‌های دیگر و با وضعیتی دیگری، رفته رفته امنیت و ثبات واقعی در حال کمرنگ‌تر شدن است و می‌رود تا دنیا به زیر سلطه استعمار نوین و استثمار و استعمار افراد شروری قرار گیرد، آنها زمامدارانی هستند کافر و بی‌رحم و شرور، مست و مسلح نه با سلاح

متعارف، بلکه با انبوه خطرناک‌ترین اسلحه ویرانگر، اکنون دنیا به چنگ و قبضه آنها است و هیچ تضمینی برای امنیت در هیچ نقطه‌ای از جهان وجود ندارد بلکه در کمترین زمان و با فشار یک دگمه، در یک لحظه دنیا به خاکستر تبدیل می‌شود بنحوی که تا قرن‌ها پس از این خرابیها، اوضاع دنیا درست نمی‌شود و قابل برگشت به وضع قبلی خود نمی‌باشد و شروران و مفسدان سلطه‌گر و ابرقدرتهای مستکبر و لجام گسیخته، هر چه سلاحهایشان بیشتر شود رجز خوانی آنها هم بیشتر می‌شود و خطر برای تهدید کردن کشورها و مردم بی دفاع، همواره بیشتر می‌شود.

... عن أبي بصير قال: قال أبي عبدالله أن القائم عليه السلام ... يقوم يوم

عاشوراء يوم قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ بن علي.

أبي بصير گوید: امام صادق فرمودند که حضرت قائم عليه السلام روزی که قیام می‌کند روز عاشورا است همان روزی که حسین بن علی به شهادت رسید.
خداوند مناسبت‌های بسیار مهم را آنچنان که شایسته است با روز مناسب مطابقت می‌دهد.

پس بی مناسبت نیست که ظهور آن حضرت توأم با روز عاشورا می‌شود بلکه این تقارن ظهور و روز عاشورا بی حکمت نیست و حتماً عنایت و نظری از خدا در آن نهفته است و این تقارن هیچگاه بی معنا نیست.

کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا

یزیدیان در هر زمان و هر مکان هستند، باشد تا فرمان خداوند در لحظه موعود، حجتش را بفرستد تا یزیدیان این زمان که عده آنها بیشتر و مسلح تر و بیشرم تر می باشند در روز عاشورا که سمبل مظلومیت خوبان خدا است و روز نابودی ستمکاران و یاغیان است حضرت مهدی علیه السلام ظهور می کند و با ظهورش، زمین را از لوث وجود این یاغیان ستمگر، پاک کند و بداد مردم مستضعف می رسد مردمی که بخاطر ایمان و اعتقاد به خدای خالق هستی در بدترین شرایط و نارواترین وضعیتی قرار دارند از ظلم و ستم آن جفا پیشه های بیخرد، رها و نجات دهد.

🕌 مشکلی از همه مشکلات بزرگتر 🕌

کم دیده می شود کسانی باشند که در طول زندگی خود، با مشکلی روبرو نشوند پس مشکلات بر سر راه همه هست، منتهی برای یک عده، کمتر و برای یک عده، بیشتر پیش می آید.

فَرَج: به معنای امیدواری برای گشایش در کارهای روحی و جسمی است.

انسان در زندگی، همیشه باید امیدوار باشد ناامید بودن، بلایی است که چیزی از آن بدتر نیست و روح و جسم انسان را می رنجاند.

معمولاً در سر راه انسان، همواره این احتمال هست که مشکلاتی ریز و درشت برایش پیش می‌آید و گاهی بعضی از مشکلات، به قدری سخت و پیچیده می‌شود که انسان را خسته و درمانده می‌کند، به هر حال انسان باید تلاش کند تا مشکلات را پشت سر بگذراند و جوری نباشد که مشکلات، او را از پا بیااندازد و کلافه و رنجورش کند و او را ناامید و به زندگی، بدبین کند.

الآن هم وضع طوری است که بیشتر مردم گرفتاری و مشکلات دارند و ما باید با امید، زندگی کنیم.

بالأخره انسان در زندگی با مشکلات مواجه خواهد شد و همیشه باید به فرج و گشایش در کارها امیدوار باشد و توقع و انتظار گشایش در کارهایش داشته باشد و ما باید تحت الشعاع مشکلات قرار نگیریم و از مشکل اساسی و بسیار مهم که مشکل جامعه و دور و زومنه دنیای ما است فکر کنیم و این مهمتر است تا یک فرد، مشکلی داشته باشد و انشاء الله خداوند مشکل همه را حل کند اما بدانیم که انتظار فرج بزرگتر که ظهور امام زمان است. الآن بزرگترین مشکل ما است و مبادا مردم به خاطر مشکلات خود، مشکل اصلی را فراموش کنند، یعنی اگر قرار است مردم در انتظار فرجی برای گشایشی در کارهای خود هستند در عین حال، باید در انتظار و امید فرجی بزرگتر برای مشکل بزرگتر و گشایشی مهم‌تر برای همه افراد

جامعه باشند چون این از مهمترین انتظار فرج‌ها است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: **إِنْتِظَارِ الْفَرَجِ مِنْ أَكْثَرِ الْفَرَجِ** (۱).

«امیدوار بودن برای فرج ظهور آن حضرت از بهترین و مهمترین انتظار

فرج‌ها است».

ظهور امام زمان به معنای حل شدن مشکلات یکایک مردم در مشکلات کلی جامعه و جهان است و خداوند، زمانی آن حضرت را به داد مردم می‌فرستد که بیشتر مردم در مشکل و عذاب روحی و جسمی قرار می‌گیرند و در ناامنی، دلهره و اضطراب و نگرانی به سر می‌برند آن وقت آن حضرت می‌آید تا خطر و شربزرگی را از سر مردم جهان برمی‌دارد و مردم را از انواع ظلم و ستم رها می‌کند و از مشکلات و غم و غصه‌ها نجات می‌دهد.

پس بهترین امید، امیدواری برای ظهور آن حضرت است تا انشاء الله

بیاید و دنیای پر از ظلم و ستم را پر از عدل و داد کند.

بهبود شدن اوضاع، پس از خرابی اوضاع

تکرار مطالب مشابه، نشانه تأکید و حتمی بودن پدیدار شدن وضعیت

نامطلوب در آخرالزمان است، و مفهوم این همه سخنان مکرر و بسیار

پیامبر گرامی و ائمه معصومین علیهم السلام در این باره، در واقع آگاه نمودن ما و اخطار و بیدار باش است و آنها با بهترین نحو و به اشکال مختلف، اتمام حجت نموده‌اند.

يَبْعَثُ اللَّهُ رَجُلًا فِي آخِرِ الزَّمَانِ، يُؤَيِّدُهُ اللَّهُ بِمَلَائِكَتِهِ، وَيَغْصِمُهُ أَنْصَارَهُ، وَيَنْصُرُهُ بِآيَاتِهِ، وَيُظْهِرُهُ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ حَتَّى يَدِينُوا طَوْعًا وَكَرْهًا، يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، وَنُورًا وَبُرْهَانًا، يُدِينُ لَهُ عَرْضَ الْبِلَادِ وَطُولَهَا، لَا يَبْقَى كَافِرًا إِلَّا آمَنَ بِهِ وَلَا طَالِحٍ إِلَّا صَلَحَ، وَتُخْرِجُ الْأَرْضَ نَبْتَهَا، وَيُنزِلُ السَّمَاءَ بَرَكَاتِهَا، وَتُظْهِرُ لَهُ الْكُنُوزَ، يَمْلِكُ مَا بَيْنَ الْخَافِقِينَ، فَطُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ أَيَّامَهُ، وَ سَمِعَ كَلَامَهُ (۱).

«امام حسن مجتبی علیه السلام می‌فرماید، امیر مؤمنان علی علیه السلام به من گفتند: در شرایط بد آخرالزمان، خداوند مردی را می‌فرستد که او به توسط ملائکه‌هایش، پشتیبانی می‌شود، و یاران او را حفظ می‌کنند، و آن حضرت با نشانه‌های خدایی، یاری می‌شود، او را بر مردم زمین ظاهر می‌گرداند تا اینکه همه به او ایمان آوردند، او زمین را پر از عدل و داد می‌کند، و او برای مردم، همچون نوری تابناک و جلوه‌ای آشکار از حقانیت است، مردم همه کشورها به او ایمان می‌آورند، و در زمانش کسی کافر نمی‌ماند مگر به او ایمان آورد و کسی بدکار نمی‌ماند تا اینکه فردی صالح و درستکار شود، و

زمین بیرون می‌دهد نبات و گیاه واقعی خود را، و همه جا سرسبز و خرم می‌شود، و از آسمان، برکت سرازیر خواهد شد، و تمام گنج‌ها بر آن حضرت نمایان می‌شود، او سالها بر مشرق و مغرب حکومت می‌کند، و خوشا به سعادت آنها که آن زمان را ببینند، و خوشا به سعادت آنها که سخنان دلنشین آن حضرت را بشنوند.

در زمانی که قدرتها همواره مسلح‌تر می‌شوند و سلاح‌ها با قدرت تخریب بیشتر، خطرها را افزایش می‌دهند و مردم، همواره در معرض آسیب و فتنه و شر بیشتری قرار می‌گیرند، آنگاه با یاری خداوند، حضرت مهدی ظهور می‌کند و قدرت‌های کفر و مراکز فتنه و کانون‌های فساد را از بین می‌برد.

این حدیث و احادیث دیگر که در این کتاب و کتاب‌های دیگر یاد شده، در واقع پیام‌هایی از راه دور هستند، یعنی از قرن‌های گذشته، آن بزرگواران، ما را با خبر و آگاه کردند تا ما مردم این زمان که در این وضعیت تاراج می‌گیریم، پند و اخطار است برای ما، تا حق و باطل و خوب و بد را تشخیص بدهیم و انشاء الله جزو آنهایی باشیم که خوبان در آن جمعند.

در این پیش‌بینی‌ها وقتی که آن حضرت صحبت از افزایش باران‌های بیعی و سبزه و خرمی سخن می‌گوید، وقتی که از افزایش مهر و محبت و استقامت بین مردم صحبت می‌شود، وقتی که از ایمان و صلاح و پاکیزگی مردم

یاد می‌شود، به آن معنا است که قبل از ظهور آن حضرت، تمام این شرایط یاد شده از بین رفته است کما اینکه اکنون قبل از ظهور است و شرایط مردم و طبیعت، به گونه‌ای است که مردم از این وضعیت‌های بوجود آمده، رنج می‌برند و زمان هر چه بگذرد، می‌بینیم که باز هم شرایط ما بدتر و تلخ‌تر خواهد شد.

این روزها همواره می‌بینیم که متخصصان علوم طبیعی از تخریب لایه اوزون و موارد بسیاری از تخریب طبیعت، سخن می‌گویند و از کمبود بارانها در جایی که زمینه برای کشت و کشاورزی مناسب است و در عوض از افزایش برف و باران در مناطق سردسیر، که در آنجا کشاورزی و محصول کم بدست می‌آید و همچنین از پیشروی شنزارها و از بین رفتن محیط مناسب کشت و مرتع و جنگل است و بدین ترتیب باعث از بین رفتن گونه‌های مختلف حیوانات و موجودات گوناگون زمینی و هوایی و دریایی و بهم ریختن شرایط اکوسیستم زیست همگانی می‌شود و همواره، متخصصان علوم طبیعی اخطار و اعلام می‌کنند و هر روز بدتر از روز گذشته، آشفتگی در طبیعت افزایش می‌یابد.

﴿ امنیت و آسایش دوباره برقرار خواهد شد ﴾

با ظهور منجی عالم بشریت، دوباره آسایش و امنیت از دست رفته،

برقرار خواهد شد و شروران و مفسدان جهانخوار بقعر جهنم فرستاده می شوند، این پیامی است که پیامبر گرامی به مردم مظلوم و ستم‌دیده آخرالزمان مژده می دهد و بذراامیدی را در ناامیدی‌ها می افشاند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا، كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا، يُرْضَى فِي خِلَافَتِهِ أَهْلُ الْأَرْضِ وَأَهْلُ السَّمَاءِ، وَالطَّيْرُ فِي الْجَوِّ (۱).

درباره ظهور حضرت مهدی علیه السلام پیامبر گرامی می فرماید: با ظهورش سرزمینها پر از عدل و داد می شود همان گونه که ظلم و ستم، همه جا را فرا می گیرد، حکومت آن حضرت، خلق زمین و فرشته‌های آسمان را راضی می کند و حتی پرنده‌های آسمان را نیز شادمان می کند.

کلام پیامبر خدا، صادق‌ترین کلام است و سخنش حقیقتی است که او ما را نوید امید می دهد، و اینک همه مردم جهان به خوبی درک می کنند که شرایط خوب زندگی و خوشبختی و آسایش واقعی، هر روز کم رنگ‌تر از قبل می شود و مردم تنگنای سختی و تلخی زندگی را هر روز بیشتر از گذشته، خطرش را احساس می کنند تا آنجا که نارضایتی و مشکلات مردم به جایی می رسد که امان و آسایش همه را می گیرد، آن وقت آن لحظه موعود فرا می رسد و به فرمان خدا، آخرین حجت خدا، به دادخواهی مردم و نجات امت‌ها خواهد رسید.

آن چنان اوضاع مردم زمین در هم و آشفته می شود که خشم فرشتگان آسمان را نیز بر می انگیزد و انواع پرندگان و چرندگان را به هر نحو که تصور کنیم آنها هم به آسایش و امنیت طبیعی خود خواهند رسید و از نو، شیرینی زندگی و صفای امنیت و آسایش زیستگاه‌های خود را خواهند چشید.

حداقل چیزی را که می توان گفت و همه این را به خوبی می دانند آن است که شرایط طبیعی به قدری خراب و آلودگی آن، زیاد می شود که سازمان‌های جهانی را به این خطر روزافزون، همواره اعلام خطر می کنند و هر روز می بینیم که از انقراض گونه‌های دیگر از انواع موجودات زمینی و هوایی را اعلام می کنند و حیات بقیه نیز در معرض خطر نابودی قرار دارد و در واقع، اکوسیستم طبیعت در حال فروپاشی تدریجی است.

همانگونه که مردم بر زمین، طعم تلخ و عذاب سختی زندگی را می چشند همان طور نیز پرنده‌ها در آسمان، انواع سموم را می چشند و آلودگی هوا زندگی را برای آنها غیر قابل تحمل می شود.

و در آن شرایط سخت، با ظهور منجی عالم بشریت، دنیا دوباره آسایش و امنیت بر باد رفته را خواهد دید و شروران و مفسدان و کافران جهان‌خوار به درک اسفل فرستاده می شوند.

ما اینک می بینیم که یاغیان جهان‌خوار، هر روز قلمرو تجاوز خود را توسعه می دهند و با طمع‌های سیرناپذیر خود، عرصه را از هر لحاظ،

تثگ تر می‌کنند و زندگی را به کام همه تلخ تر می‌شود.
 و زمان هر چه بگذرد حقیقت ماهیت کلام راستین پیامبر خدا، جلوه
 بهتری می‌یابد و مصداق حقیقت آن روشن تر می‌شود.
 این نسیم شوم استعماری، دوست و دشمن و هم پیمان نمی‌شناسد و به
 ترتیب، همه کشورها یکی پس از دیگری در معرض خطر جدی قرار
 می‌گیرند و خواهید دید، کشورهایی که مردم آن غرق در لذت و صفا و
 تفریح و شادمانی هستند آنها نیز گرفتار سلطه و طعمه تجاوزگران خواهند
 شد و به یاد آرید آن شب را که مردم چه آسوده خوابیده بودند و صبح
 فردایش، جنگ جهانی درگرفت و شعله‌های آتش بی خردان، همه چیز را
 ویران و خاکستر کرد و شعار آزادی و دموکراسی با یک چشم به هم زدن،
 تعطیل شد و به صغیر و کبیر رحم نکردند.

وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکَاتُهُ

رضا کوشاری / قم



**جلد دوم و سوم این کتاب با
مطالب ویژه، بسیار جالب و
متنوع بزودی چاپ و منتشر
می‌شود و از حوادث طبیعی و
اوضاع مردم در آخر الزمان
باخبر می‌شوید.**